



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

عزیز

دنیا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دنیا

نویسنده:

علیرضا ملازاده تقی پور

ناشر چاپی:

استوار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	دنیا
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست
۱۵	پیش گفتار
۱۸	چگونگی
۲۰	بیانی از حقیقت دنیا
۲۵	دنیای ممدوح و مذموم
۳۶	شناخت دنیا
۴۲	اهمیت دوری از دنیا
۵۵	معنای حقیقی زهد
۶۲	دوری از عُجب
۶۷	ارزش روزه
۷۰	دوری از شهوات
۷۵	دوری از حب ریاست
۷۷	دوستی با مرگ
۹۵	معرفت و حکمت
۱۰۱	سیره منتظران امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۱۰۷	ارزش کسب علوم اهل بیت (علیهم السلام)
۱۱۴	توجه قلبی به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۱۱۶	گریه؛ عبادتی بزرگ
۱۱۷	چهار رکن ایمان
۱۱۸	حقیقت توکل

۱۲۹ اهمیت کار و کوشش

۱۳۲ تقسیم رزق

۱۳۹ قناعت در مقابل حرص

۱۴۶ اسراف و تبذیر

۱۵۶ دادرسی از خلاق

۱۶۸ کتابنامه

۱۷۳ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : ملازاده تقی پور، علیرضا، 1340-

عنوان و نام پدیدآور : دنیا/ علی تقی پور.

مشخصات نشر : مشهد : استوار، 1402.

مشخصات ظاهری : 162 ص.؛ 14×21 س م.

شابک : 1-122-415-600-978

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. 160 - 162.

موضوع : دنیای فانی -- احادیث

The Transitory world -- Hadiths*

دنیای فانی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

The Transitory world -- Religious aspects -- Islam*

دنیا دوستی -- احادیث

Wordly-mindedness -- Hadiths*

دنیا دوستی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

Wordly-mindedness -- Religious aspects -- Islam*

رده بندی کنگره : BP141/5

رده بندی دیویی : 297/218

شماره کتابشناسی ملی : 9172798

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

يا صاحب الزمان

دنيا

علی تقی پور

ص: 3

پیشگفتار 7

چگونگی 10

بیانی از حقیقت دنیا 12

دنیای ممدوح و مذموم 17

شناخت دنیا 28

اهمیت دوری از دنیا 34

معنای حقیقی زهد 47

دوری از عجب 54

ارزش روزه 59

دوری از شهوات 62

دوری از حب ریاست 67

دوستی با مرگ 69

معرفت و حکمت 87

سیره منتظران امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 93

ارزش کسب علوم اهل بیت (علیهم السلام) 99

توجه قلبی به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 106

گریه؛ عبادتی بزرگ 108

چهار رکن ایمان 109

حقیقت توکل 110

اهمیت کار و کوشش 121

تقسیم رزق 124

قناعت در مقابل حرص 131

اسراف و تبذیر 138

دادرسی از خلاق 148

کتابنامه 159

ص: 5

رنج‌ها و ناهمواری‌های دنیا همیشه این پرسش را برای بشر مطرح می‌کند که زیستن در دنیایی که سراسرش با غم و مصیبت و بلا ممزوج گشته است، چه حاصلی برای سعادت انسان دارد و اساساً زندگی در دنیایی که درد و رنج بسیاری را در خود نهفته است چه ارزشی دارد.

چرا بعضی از افراد در ثروت و خوشی غوطه‌ور هستند و بعضی در غم و غصه. چرا بعضی بیمارند و عده‌ای دیگر سالم. چرا افرادی در امنیت کامل به سر می‌برند و برخی در ترس و وحشت.

همه اینها سؤالاتی است که وقتی انسان با مشکلات روبه‌رو می‌شود و دیگر افراد جامعه را فارغ از آن می‌بیند، به ذهن وی متبادر می‌شود. سؤالاتی مانند این که اصلاً چرا من باید این مشکل را داشته باشم؟ چرا این بلا باید بر سر من فرود آید؟ چرا دیگران غرق خوشی هستند و من گرفتارم؟ و....

جواب صحیح و کامل تمامی این مسائل تنها نزد خاندان وحی نهفته است که می‌تواند جوابگو و راه‌گشای هر انسانی باشد.

این مسئله باعث شد تا روایاتی پیرامون مسائل دنیا گردآوری شود و خدمت خوانندگان محترم ارائه گردد تا با دیدگاه ائمه‌هدایت (علیهم السلام) به دنیا نگرسته و خود را برای زندگی جاودانه و سراسر آرامش و خوشی مطلق پس از مرگ آماده سازیم.

در این مجموعه سعی شده است تا با استفاده از روایات و کلام گهربار ائمه معصومین (علیهم السلام) طریقه نیکو زیستن در این کاروان سرای یک روزه را بیاموزیم و

توشه‌گران بهایی برای ادامه سفر خود برگزیدیم. به همین منظور، به قدر بضاعت، در این نوشته گوشه‌هایی از فرمایش‌های حضرات معصومین (علیهم السلام) مورد بررسی قرار گرفته است به امید اینکه در این دوران وانفسای غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چراغی باشد بر سر راه دل‌دادگان به آن یگانه هستی.

قبل از ورود به مباحث این کتاب مسئله حقیقت و اصل تقوی بسیار حائز اهمیت است که لازم است خواننده بزرگوار آن را مورد توجه خاص خود قرار داده و با عنایت به آن به مطالعه این کتاب پردازد

در خصوص عناوین توضیحات و شرح حال کسانی که اعمال زاهدانه آنها از باب مثل در بعضی از این کتاب‌ها ذکر گردیده و سلوک ایشان فارغ از محوریت معرفت به امام علیه السلام و پرداختن و شدت محبت آنها به آل الله علیهم صلوات الله به تصویر کشیده شده است زیرا فرض حقیر بر آن بوده که با توجه به صحیح الاعتقاد بودن این بزرگواران نیاز به توضیح این جهات نیست لذا این یادآوری ضروری است که اساساً ذکر اعمال زاهدانه و ریاضت ظاهری بدون تأکید اولیه بر معنای حقیقی زهد پوسته‌ای توخالی است که شیطان اولین مروج آن بود و خوارج و مرتاضان و صوفیه و امثالهم در هر عصری پیروانش بوده‌اند طبق مسلمات روایات مندرج در منابع اصیل شیعه و تعالیم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم صلوات و السلام حقیقت تقوا اطاعت از امام بعد معرفت است و معرفت او معرفت خداوند است

من عرفکم فقد عرف الله و اطاعت او اطاعت از خداوند می‌باشد و این اصل تقوا و تمام زهد است آنگاه نماز و روزه و همه عبادات ظاهری که به آنها امر

شده ایم فروعی از این اصل می باشد که قبولی آن موکول و مشروط به معرفت امام و قبول ولایت اوست

فَأَفْضَلُ الدِّينِ مَعْرِفَةُ الرَّسُولِ وَوَلَايَتُهُمْ..

برترین و اصلی ترین بخش دین معرفت پیامبران و ولایتشان می باشد و به درستی که خدا تا روز قیامت حلال را حلال و حرام را حرام کرده است. معرفت فرستادگان و قبول حاکمیت و اطاعت ایشان حلال است؛ و حلال شده چیزی است که آنان حلال کرده باشند، و حرام شده آنکه ایشان حرام دانسته باشند. و آنان اصل هر حلالند و فرعهای حلال از ایشان منشعب خواهد بود. و این رسالت ایشان است. و از فروع منشعب از ایشان، امر ایشان است به پیروان و دوستان خود به انجام دادن کارهای حلال: مثل برپا داشتن نماز و دادن زکات و... و همه نیکی ها لذا اگر معرفت نباشد این عبادات فاقد ارزش بلکه و بال تلقی شده و به عبارت دیگر میزان و ارزش عبادات بر حسب درجه معرفت و محبت است.

و این محبت اصل و حقیقت تقوی است چنانکه حضرت ختمی مرتبت فرمودند: يَا عَلِيُّ، حُبُّكَ تَقْوِي وَإِيمَانٌ

ص: 9

تنها پاسخی که می تواند انسان متحیر را به آرامش برساند و زندگی او را سامان بخشد فرمایش های گهربار و قانع کننده ائمه معصومین (علیهم السلام) است که دنیا را به دو بخش ممدوح و مذموم تقسیم نموده اند و بهره برداران از آن را نیز از دو دیدگاه بررسی کرده اند: کسانی که مرگ را حتمی و زیستن در دنیا را موقتی می بینند؛ دسته دیگر؛ کسانی که تمامی تلاش و همت شان را صرف دنیا نموده اند.

مثل کسانی که دنیا را محل توقف دائمی خود نمی پندارند و صرفاً آن را مکانی برای کوچ کردن می دانند و به آن دل نمی بندند، مثل کسانی است که در مسیری بسیار طولانی شبی را برای نیروگرفتن در گوشه ای توقف کرده اند و همواره با خوف و وحشت از حمله دزدان و غارتگران و وحوش بیابان منتظر روشنایی صبح هستند تا هرچه سریع تر بار خویش را بسته و برای نجات از همه نگرانی ها از آن توقف گاه به سمت مقصد نهایی خویش راه بیافتند.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«مَا لِي وَ لِلدُّنْيَا إِنَّمَا مَثَلِي وَ مَثَلُهَا كَمَثَلِ الرَّكَابِ رُفِعَتْ لَهُ شَجْرَةٌ فِي يَوْمِ صَائِفٍ فَقَالَ تَحْتَهَا ثُمَّ رَاحَ وَ تَرَكَهَا.» (1)

«مرا با دنیا چه کار است! مثل من و دنیا مثل سواره ای است که در روز گرم تابستان زیر سایه درختی لحظه ای آرامش می گیرد و پس از آن راه

ص: 10

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/134 - شرح الکافی - الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی) 8/374 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 8/302 - نمونه معارف اسلام (آقای فصیحی)

خود را در پیش می گیرد و آنجا را رها می سازد.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصف کسانی که با دیده بصیرت به این میهمانی يك شبه دنیا می نگرند، می فرماید:

«روح در بدن شان از شدت شوق به جهان آخرت مفارقت می کرد و از این دنیا رخت برمی بستند؛ لکن چون هنوز ساعت مرگ شان فرانسیده است زیستن در دنیا را، در حالی که به آن بی میل هستند، با اندوه، تحمل می کنند. آنان فریب زرق و برق و زیبایی دنیا را نمی خورند و در این میهمانی يك شبه بساط اعمال صالح و عبادات سخت و انجام نیکی ها را می گسترانند تا در این فرصت کوتاه توشه خوبی برای سفر به آخرت مهیا کنند.»

دیدگاه افراد عاقل نسبت به دنیا همان دیدگاه امیرالمؤمنین است که فرمودند:

«دنیا سرای کوچ کردن است، نه ماندن.»

اما گروه دوم کسانی اند که مرعوب زیبایی های ظاهری دنیا شده اند. از این رو دل کندن از سرای دنیا برای شان بسیار سخت یا غیرممکن است. این دسته به لذت های ظاهری و زودگذر دنیا دل خوش کرده اند و به اعمال ناشایست روی می آورند و برای به دست آوردن متاع قلیل دنیا دست به هر عملی می زنند؛ اما قرآن در این باره می فرماید:

(قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى) (1)

«بگو متاع دنیا ناچیز است و آخرت برای هرکس که تقوی پیشه کند بهتر است.»

ص: 11

هنگامی که خداوند متعال به برکت انوار مقدس محمد و آل محمد (علیهم السلام) تفضل نمود و از کتم عدم خلایق را آفرید، از روی حکمت، آنان را به پاره ای از امتحانات مبتلا ساخت. آزمایش هایی که قرابت افراد با نیکی ها و دوری شان از پلیدی ها را نشان می دهد. ابتدا آفریدگار بزرگ حضرت آدم (علیه السلام) را از نزدیک شدن به درخت ممنوع نهی کرد. این نهی امتحانی برای آشکار کردن میزان فرمان برداری ایشان بود. اگر در دید وسیع به این موضوع نگاه کنیم، این فرمان مختص حضرت آدم نیست؛ بلکه برای همه فرزندان آدم (علیه السلام) است. لذا این فرمان به شکل های دیگری نیز به گوش همه مخلوقات می رسد: «دنیایی که به جهت امتحان به شما دادیم، همان درخت ممنوع شماست! نباید به آن نزدیک شوید». درختی با شش میوه زهرآلود که عبارتند از: حب دنیا؛ حب ریاست؛ حب خوردنی ها؛ حب شهوات؛ حب خواب؛ حب راحتی و آسایش. (1)

همان گونه که امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ أَوَّلَ مَا عَصَى اللَّهُ بِهِ سِتُّ حُبِّ الدُّنْيَا وَ حُبِّ الرِّئَاسَةِ وَ حُبِّ الطَّعَامِ وَ حُبِّ النِّسَاءِ وَ حُبِّ النَّوْمِ وَ حُبِّ الرَّاحَةِ.» (2)

تنها راه برای دور شدن از این درخت ممنوع و نجات از آن، بغض شدید به آن می باشد. این مهم نیز فقط با پیروی از عقل که پرورش یافته فرمایش های امامان معصوم (علیهم السلام) است، ممکن خواهد بود. روی همین اصل است که خداوند در

ص: 12

1- بحار الانوار 15/91 - سفینه البحار 2/22

2- المحاسن 1/295 - مجموعة ورام 2/205 - الوافی 5/892 - وسائل الشیعة 15/339 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/196؛

70/60 - تفسیر نور الثقلین 1/320 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 3/51

قرآن کریم می فرماید:

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (1)

«جن و انس را فقط برای عبادت آفریده ایم.»

مهم ترین بُعد عبودیت و اظهار بندگی بغضِ دنیاست که در این باره فرموده اند:

«مَا مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) أَفْضَلَ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا.» (2)

«پس از معرفت خدای عزوجل و معرفت پیامبرش (صلى الله عليه و آله و سلم) هیچ عملی از بغضِ به دنیا با فضیلت تر نیست.»

ریشه های درخت دنیا به راحتی در وجود هر کسی ریشه دوانده است و انسان ها را برده خود کرده است. اولین گام برای کندن ریشه های آن، شناختن دنیا و آگاهی از زوایای آن و تفکیک دنیای مذموم و ممدوح از یک دیگر است. این آگاهی با استفاده از کلام گهربار معصومین (علیهم السلام) کسب خواهد شد.

لذا آنچه زمینه دوری از دنیا را فراهم می سازد شناخت دنیا و سپس نفرت از آن است. آگاهی یافتن از همه زشتی های موجود در دنیا که با پرده ای زیبا و دروغین پوشیده شده، باعث می شود تا انسان در برابر دنیا و تعلقات آن جبهه گرفته و نگذارد وی را به ورطه نابودی بکشاند. انسان مؤمن هنگامی که به این آگاهی دست یابد، تمام همتش را در دنیا صرف خوشنودی معبودش می کند و با تنفر از دنیا محبوب خدای خود می شود رضایت او را به دست می آورد. به

ص: 13

1- سورة مبارکه ذاریات آیه شریفه 56

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/317 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه و آله و سلم) 10/233 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/19؛ 70/59 - تفسیر نور الثقلین 4/218

حضرت عیسیٰ (علیه السلام) عرض کردند که علمی به ما بیاموز تا خدای متعال ما را دوست بدارد. ایشان فرمودند:

«أَبْغِضُوا الدُّنْيَا يَحْبِبِكُمُ اللَّهُ.» (1)

«دنیا را دشمن بدارید تا خدا شما را دوست داشته باشد.»

به جاست که مؤمن خردمند با دیده بصیرت به این حدیث نگریسته و پرده از چهره به ظاهر فریبنده دنیا بردارد و از آن فاصله بگیرد. نتیجه این دوری، رسیدن به دنیای ممدوح است. پس بر هر مؤمنی واجب است که باطن و حقیقت دنیا را بشناسد. سپس طبق فرمان الهی از آن دوری گزیند؛ چراکه محبت دنیا و خدا در يك جا جمع نمی شود. چنان که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«همان گونه که شب و روز با هم جمع نمی شوند، دوستی پروردگار با محبت دنیا جمع نمی گردد.» (2)

به فرموده رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم):

«الدُّنْيَا حَيْفَةٌ وَ طَالِبُهَا كِلَابٌ.» (3)

«دنیا مرداری گندیده است که سگ ها طالب آن هستند.»

همچنین نقل است که حق تعالی فرموده است:

ص: 14

1- مجموعة ورام 1/134 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 14/328 - گفتار انبیاء از آدم (علیه السلام) تا خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم)

363

2- غررالحکم 161؛ 183؛ 188 - در روایت است دنیا را روز قیامت به صورت پیرزالی کبود موی، ازرق چشم، گراز دندان، کربیه منظر و قبیح رخسار بیاورند. پس آنرا مشرف بر همه مردم کنند و به ایشان گویند که آیا این را می شناسید؟ مردمان گویند نعوذ بالله که ما این را بشناسیم. خطاب رسد که این دنیایی است که بدان تفاخر می کردید و به واسطه آن به یکدیگر حسد می بردید و دشمنی می کردید و قطع صله رحم می نمودید. سپس دنیا را به جهنم می افکنند و دنیا فریاد می کشد که خداوندا کجایند پیروان و دوستان من؟ پس خداوند عالم می فرماید که دوستانش را هم به او ملحق سازید. بحار الانوار 78/169

3- مصباح الشریعة 138 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 84/289 - التحقیق فی کلمات القرآن الکریم 10/96

«دوستان مرا با دنیا چه کار؟ هم دنیا شیرینی مناجات مرا از قلب آنان می برد. آنچه من از اولیائهم دوست دارم این است که افرادی روحانی باشند و به غم دنیا نپردازند.» (1)

یکی از راه های فریبندگی دنیا جلوهای زیبا و زیورآلات آن است. خداوند از آن در آیه ذیل چنین نام می برد:

(زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ) (2)

«شهوة ها برای مردم زینت داده شده است: شهوت به زنان و فرزندان و قنطارها (3) از طلا و نقره؛ اسبان چرنده؛ زراعت. این ها متاع زندگانی دنیا هستند و فرجام نیکو نزد خداست.»

غیر از اسب که جای خود را به وسایل نقلیه داده است، بقیه زینت ها ثابت بلکه لوکستر و تجملات و زرق و برق آن بیشتر شده اند. حقیقت حب دنیا همان علاقه قلبی و لذات نفسانی است. به فرموده همه پیغمبران و ائمه معصومین (علیهم السلام) داشتن محبت آن در دل باعث هلاک دنیوی و اخروی خواهد بود. امراض دل از همین محبت به دنیا متولد می گردد و منشأ بسیاری از صفات زشت چون ریا، حسد، عداوت، کبر، دغل، تفاخر، سوءظن، طمع، حرص و... می شود. محبت دنیاست که انسان را به سوی مشاغل و معاشرت هایی می کشاند که موجب گرفتاری های گوناگون او می گردد.

ص: 15

1- اسرار موفقیت 410 - بحار الانوار 82/143

2- سورة مبارکه آل عمران آیه شریفه 14

3- قنطار، وزنی حدود صد رطل و به معنای بسیار، نیز هست و رطل مقیاس وزن مایعات برابر 12 اوقیه یا 84 مثقال است. از کتاب معراج السعادة

انسان با بدنی که باید به عبادت خداوند متعال و خدمت به خلق و کسب روزی حلال و مشغول باشد، به کارهای بیهوده ای اشتغال پیدا می کند که سرانجام از گناه سر در می آورد.

تمامی اعضا و جوارح و استعدادهای انسان باید در جهت رضای الهی استفاده شوند و در خدمت قرآن و فرمایش های اهل بیت (علیهم السلام) باشند. چشمی که در چشم چرانی و زبانی که به دروغ و فحش و غیبت و گوشه ای که به ناسزا آلوده شود، یقیناً از مسیر اصلی عبودیت به بی راهه خواهد رفت.

مؤمن آگاه باید این مطلب را دریابد که دنیا همواره دشمن خدا، رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، ائمه معصومین (علیهم السلام) و مؤمنان است و با زینت های خویش انسان را فریب داده تا مانع نزدیک شدن او به پروردگار شود. از این جهت طبق روایات، خداوند متعال از روزی که دنیا را آفریده، نظر بر آن نیفکنده است. دنیا نیز با زینت دادن خود، درصدد به هلاکت رساندن مخلوقات است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره این جلوه دروغین می فرمایند:

«دنیا مانند ماری است که ظاهر آن نرم و باطنش زهر آگین است.» (1)

دنیا به وسیله ظاهر دل فریب مردم را فریب می دهد و با زیاده روی در شهوات و زیاده طلبی انسان را از توفیق سحر خیزی، مناجات، گریه، ناله، استغفار و انابه محروم می کند. زیاده روی در امور دنیوی و شهوانی صفای عقل و قلب را از انسان سلب می نماید و باعث می شود که روح و قلب از شهوات و خواهش های نفسانی آکنده شود. انسان باید برای لذت های زودگذر و

ص: 16

خنده های مستانه امروز، گریه ها و ضجه های نادمانه روز واپسین را به جان بخرد. در حالی که قلب محل راز و نیاز با خدا، ارتباط قلبی با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، محزون شدن در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) و کسب فضائل محمد و آل محمد (علیهم السلام) است.

پس کسی که به جهان پس از مرگ ایمان داشته باشد، باید در صدد بیرون کردن محبت های دنیوی از قلبش باشد؛ چراکه خانه دل را يك محبوب بیشتر نیست. گفت و گوی خداوند متعال با حضرت داوود (علیه السلام) درس بزرگی به ما خواهد داد:

«ای داوود، برای من خانه ای خالی نما تا در آن ساکن شوم. داوود عرض کرد که خداوندا، تو اجلّ از آنی که در مسکنی سکنتی بگیری. وحی رسید که یعنی قلب خود را برای من فارغ نما.» (1)

دنیای ممدوح و مذموم

امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند:

«وَالدُّنْيَا دُنْيَاءُ اِنْ دُنْيَا بَلَغُ وَ دُنْيَا مَلْعُونَةٌ.»

«دنیا دو نوع است: دنیای نیکو و دنیای نفرین شده.»

پیشوایان معصوم (علیهم السلام) دنیا را به دو بخش ممدوح و مذموم تقسیم نموده اند و شیوه های بهره برداری صحیح از دنیا را متذکر شده اند. لذا از مؤمنین خواسته نشده است که سرمایه ای نداشته باشند و ترک حلال ها نمایند بلکه آنچه شایسته و سزاوار مؤمنین است دل بستن به دنیاست. مؤمن واقعی کسی است که از دنیا به عنوان ابزار و به مقدار ضرورت استفاده کند و از زرق و برق،

ص: 17

تجملات، اسراف و هر آنچه موجب خشم خدای متعال می گردد دوری کند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«دنیا مسجد دوستان خدا و مصلاهی فرشتگان پروردگار است. دنیا محل فرود آمدن وحی الهی و مکان تجارت دوست داران حق تعالی است. مردم در آن رحمت الهی را جلب می کنند و بهشت را سود می برند.» (1)

جمع آوری مال و سرمایه در قرآن، به تعبیری، جمع آوری آتش و عذاب است:

(يَوْمَ يَحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارٍ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لَا تُفْسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ) (2)

«روزی که آن [گنجینه]ها را در آتش دوزخ بگدازند و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و بگویند] که این است آنچه برای خود اندوختید! پس [کیفر] آنچه می اندوختید، بجشید.»

بنابراین، دنیا عرصه امتحان بندگان و میدان رشد و تکامل و عبودیت آن هاست. کسانی که این عرصه ها را با موفقیت پشت سر بگذارند، پایان مسیرشان بهشت جاودانه خواهد بود. در این باره فرموده اند:

«خداوند بندگان را آفرید تا به آن ها نفعی برساند و آنان را با نعمت ابدی (بهشت) پاداش بدهد.» (3)

از این رو امامان معصوم (علیهم السلام) دوستان شان را به سوی دنیای ممدوح سوق می دهند و همواره از آن ها می خواهند تا رزق حلال به دست آورند و از لقمه حرام دوری کنند تا از این راه مسیر سعادت را بیمایند. حضرت

ص: 18

1- نهج البلاغه حکمت 126

2- سوره مبارکه توبه آیه شریفه 35

3- علل الشرایع 9 - بحار الانوار 5/313

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این باره فرموده اند:

«اگر دنیایت را پیرو دینت قرار دهی، دین و دنیایت هر دورا به دست آورده ای و در آخرت از رستگاران خواهی بود.» (1)

استفاده انسان از دنیا برای رسیدن به هدف مقدسی است. امام معصوم (علیه السلام) فرمودند:

«وَيَتَجَرُّ لِيَغْنَمَ.» (2)

«مؤمن برای بی نیاز شدن به دنبال کار و تجارت می رود.»

اما برای ترغیب مؤمنین به کار و تلاش فرموده اند:

«طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ.» (3)

«طلب مال حلال بر هر زن و مرد مسلمانی واجب است.»

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ فَيَكْفُفَ بِهِ وَجْهَهُ وَيَقْضِيَ بِهِ دَيْنَهُ وَ يَصِلَ بِهِ رَحْمَةً.» (4)

«برای کسی که ثروت حلالی را که به سبب آن آبروی خود را حفظ کند و بدهکاری هایش را پردازد (اگرچنین راه و هدفی را) دوست نداشته باشد، خیری نیست.»

امام باقر (علیه السلام) می فرمایند:

ص: 19

1- غررالحکم 278

2- کتاب سلیم بن قیس الهمالی 2/852 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/320؛ (ط - دارالحديث) 3/581 - الوافی 4/155 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 9/221 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 64/367؛ 64/383 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 11/183 - کیش پارسایان 201

3- جامع الأخبار (للشعیری) 139 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 100/9 - جامع أحاديث الشيعة (للبروجردی) 22/88

4- من لا يحضره الفقيه 3/166 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 180 - روضة المتقين.. (ط - القديمة) 6/449 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 100/7

«مَنْ طَلَبَ [الرِّزْقَ فِي] الدُّنْيَا اسْتَعْفَافًا عَنِ النَّاسِ وَتَوَسَّيْعًا عَلَى أَهْلِهِ وَتَعَطُّفًا عَلَى جَارِهِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ.» (1)

«کسی که دنیا را برای بی نیازی از مردم و کمک به خانواده خود و مهربانی با همسایه خویش بخواد، در حالی که چهره او مانند ماه شب چهارده می درخشد پروردگار متعال را در روز قیامت دیدار می کند.»

اهمیت رسیدگی به خانواده آن چنان محل توجه خداوند متعال است که حتی از صدقه و انفاق بر بینویان برتر می باشد. پس از این که انسان توانست در حدّ متعارف، بدون اسراف و تجمل گرایی، نیازهای خانواده اش را فراهم سازد، آن گاه نوبت به دستگیری از دیگران می رسد.»

شخصی به امام معصوم (علیه السلام) عرض کرد که يك درهم دارم و می توانم با آن در خانواده ام گشایشی بدهم. چنین کنم یا آن درهم را در راه خدا صدقه بدهم؟ حضرت (علیه السلام) در پاسخ فرمودند:

«وَسَّعَ عِيَالُكَ.» (2)

«با آن بر خانواده ات توسعه بده.»

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَالِلِ.» (3)

ص: 20

1- کتاب وظائف شیعه بودن 20- الکافی (ط - الإسلامية) 5/78 - تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان) 6/324 - الوافی 17/23 - وسائل الشیعة 17/21 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 94/51 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/519

2- کتاب نسیم هدایت 77

3- الکافی (ط - الإسلامية) 5/78؛ (ط - دارالحديث) 9/542 - الوافی 17/21 - وسائل الشیعة 17/21 - البرهان فی تفسیر القرآن 1/370 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 19/23 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 100/9 - مکاتیب الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 3/537 - وظائف شیعه بودن 20

«عبادت هفتاد قسمت دارد؛ بهترین آن جست و جوی مال حلال است.»

همچنین فرمودند:

«طُوبَى لِمَنْ أَسْلَمَ وَ كَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا.» (1)

«خوش به حال کسی که تسلیم [امر پروردگار] است و زندگانی او به مقدار کفایت اوست.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگامی که شنیدند یکی از اصحابشان به نام عاصم بن زیاد از دنیا دوری گزیده است، وی را احضار نموده و فرمودند:

«ای دشمن جان خود، شیطان پلید تو را سرگردان کرده است. آیا به خانواده ات رحم نکرده ای؟ آیا می پنداری خداوند پاکیزه ها را بر تو حرام کرده است و نمی خواهد از آن ها بهره مند گردی؟! تو در نزد خدا کوچک تر از آن هستی.»

عاصم عرض کرد که یا امیرالمؤمنین (علیه السلام)، کار من مانند کار شماست که در لباسِ خشن و خوراکِ سخت و بدون مزه به سر می برید. امام هدایت (علیه السلام) در جواب فرمودند:

«وای بر تو، من مانند تو نیستم؛ زیرا خداوند بر پیشوایان حق واجب گردانیده است که خود را با مردمان تنگ دستِ زمان خویش برابر قرار دهند تا سختی تهیدستی، فقیر را پریشان و نگران تر نسازد.» (2)

امام صادق (علیه السلام) درباره استفاده از نعمت های خداوند به صورت معقول، فرمودند:

ص: 21

-
- 1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/140؛ (ط - دارالحدیث) 3/362 - مجموعه ورام 2/195 - الوافی 4/412 - وسائل الشیعة 21/533 -
مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 8/329 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/59؛ 69/67 الی 69/68
2- نهج البلاغه فیض الاسلام خطبه 200

«إِنِّي لَا كُرْهَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ نِعْمَةً، فَلَا يَظْهَرُهَا.» (1)

«من دوست ندارم که خدا به کسی نعمت بدهد و او نعمت خدا را ظاهر نکند.»

مخصوصاً کسانی که در مقطعی دچار فقر بوده اند و سپس به عطای حق تعالی، ثروت مند شده اند. البته نه با فخر فروشی به مال و نعمت؛ بلکه با آشکار ساختن عنایت حق تعالی به بندگانش. پس چه خوب است که با انفاق و احسان به خلائق، این نعمت هویدا شود. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«همان گونه که خدا شما را در شوربختی خوف ناکی می بیند، باید در نعمت نیز ببیند.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«فَالْبَسْ وَتَجَمَّلْ فَإِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يَحِبُّ الْجَمَالَ وَ لِيَكُنْ مِنْ حَلَالٍ.» (2)

«لباس نیکو بپوش و خود را بیارای؛ زیرا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. ولی مواظب باش که لباس از راه مشروع و مال حلال باشد.»

امام حسن مجتبی (علیه السلام) هنگامی که به نماز بر می خاستند، بهترین لباس های خود را می پوشیدند. سؤال کردند که چرا بهترین لباس خود را می پوشید؟ حضرت فرمودند:

ص: 22

1- الکافی (ط - الإسلامية) 6/439؛ (ط - دارالحديث) 13/11 - روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة) 7/614 - الوافی 20/695 - وسائل الشيعة 5/8 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 2/113 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) 22/313

2- الکافی (ط - الإسلامية) 6/442؛ (ط - دارالحديث) 13/18 - روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة) 7/619 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) 22/317 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 33/410؛ 76/306

«إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَّلْ لِرَبِّي وَ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى (يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ) (1)» (2)

«خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و به همین جهت من لباس زیبا را برای راز و نیاز با پروردگارم می پوشم و هم او دستور داده است که زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد بگیرید: ای فرزندان آدم، زینت های خود را در هر نمازی بگیرید و بخورید و بیاشامید ولی زیاده روی نکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد.»

دین مقدس اسلام شیوه های صحیح استفاده از اموال را برای ثروت مندان آموخته است. احادیث و دعاهاى نقل شده از ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز گویای همین حقیقت است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا تعلیم داد که هرگاه لباس نو پوشیدی دست به دعا بردار و بگو: سپاس خدای را که مرا پوششی داد تا خود را بیارایم و آبروی خویش را در میان مردم نگه دارم. خدایا، این لباس را برای من با برکت قرار بده تا بتوانم در راه رضای تو کوشش نمایم و مساجدت را آباد سازم.» (3)

اگر لباس و مرکب و سایر نعمت ها در راه خدا استفاده شوند، انسان را عزیز و محترم می کنند؛ اما اگر در راه رسیدن به لذت های دنیایی استفاده

ص: 23

1- سورة مبارکه اعراف آیه شریفه 31

2- کتاب یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث - تفسیر العیاشی 2/14 - عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة 1/321 - تفسیر الصافی 2/189 - وسائل الشیعة 4/455 - البرهان فی تفسیر القرآن 2/532 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 80/169 - تفسیر نور الثقلین 2/19 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 3/226

3- الکافی (ط - الإسلامیة) 6/458؛ (ط - دارالحدیث) 13/59 - الجعفریات (الأشعثیات) 224 - المقنع (للصدوق) 541 - الوافی 20/739 - وسائل الشیعة 5/49 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (علیهم السلام) 22/341 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 3/267 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 2/125

گردند، انسان را دلیل خواهند ساخت و مصیبت های دهشتناکی را برای او ایجاد می نمایند.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«کسی که لباسی بپوشد تا با آن به خود افتخار کند، شعله ای از آتش جهنم او را فرا می گیرد و برای همیشه در میان آن آتش فرومی رود.»

(1)

دل باختن به دنیایی که انسان را از تکامل دور ساخته است و از آخرت غافل می کند، شایسته کسی که معتقد به آخرت می باشد نیست. انسان در صورتی سزاوار نعمت های بی حد و حصر خداوند است که نعمت های الهی را در راه نافرمانی خداوند متعال مصرف نکند، وگرنه تهی دستی بهتر از ثروت خواهد بود. استفاده از ثروت دنیا برای کسانی خوب است که زاهدانه زندگی کنند و اسیر نعمت ها نگردند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«هر کسی لباسی بپوشد و در آن بر خود ببالد و به دیگران فخر فروشی نماید، خداوند متعال او را با قبرش در جانی از جهنم فرومی برد... چنان که قارون جامه ای پوشید و بر دیگران فخر فروخت و در زمین فرو رفت و تا قیامت همچنان فرو خواهد رفت.»

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«كَفَى بِالْمَرْءِ خِزْيًا أَنْ يَلْبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ أَوْ يَرْكَبَ دَابَّةً تَشْهَرُهُ.» (2)

«در میزان پستی شخص همین بس که از لباس یا مرکبی استفاده کند که او را انگشت نما سازد.»

ص: 24

1- وسائل شیعہ 3/369

2- نقطه های آغاز در اخلاق عملی 590 - الکافی (ط - الإسلامیة) 6/445 - (ط - دارالحدیث) 13/24 - تحف العقول 369 - الوافی

20/710 - وسائل الشیعة 5/24 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 2/117 - مرآة العقول 22/321 - بحار الأنوار (ط -

بیروت) 75/252

استفاده از مال دنیا با حالت تفاخر و خودبرتربینی، عجب در مال نامیده می شود. اگر کسی اموالی را که خداوند متعال به عنوان امانت به او سپرده است را برای برتری جویی و فخر فروشی، خسران عظیمی را در دو سرا برای خود فراهم کرده است. علاوه بر آن، مرتکب اسراف نیز شده است. از ارکان مهم اسراف در اموال، پرخوری و از آثار زیان بار آن ازدیاد شهوت است که زیاده روی در آن نیز باعث آلودگی قلب خواهد شد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«الْمَالُ مَادَّةُ الشَّهَوَاتِ.» (1)

«مال و ثروت مایه همه شهوات است.»

در نهایت، دل بستگی به دنیا و مال اندوزی غفلت از خدا و دین را در پی خواهد داشت. خداوند متعال در این باره می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (2)

«ای کسانی که ایمان آورده اید، دارایی ها و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل نگرداند؛ زیرا کسی که چنین باشد از زیان کاران است.»

مؤمن به مقدار ضرورت از دنیا بهره برمی دارد و تلاشش بر این است که در وادی دنیای ممدوح قدم بردارد. شیوه عاقلان و خردمندان نیز همین است. جناب لقمان (رحمة الله) خطاب به فرزندشان فرمودند:

ص: 25

1- نهج البلاغة (للصباحي صالح) 478 - عيون الحكم و المواعظ (لليثي) 25 - غرر الحكم و درر الكلم 38/626 - غرر الأخبار 128؛

414 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 69/67؛ 75/14

2- سورة مباركة منافقون آية شريفة 9

«لَا تَدْخُلْ فِي الدُّنْيَا دُخُولًا يَصْرِفُ بِآخِرَتِكَ وَلَا تَتْرُكْهَا تَرْكًا تَكُونُ كَلًّا عَلَى النَّاسِ.» (1)

«به دنیا آن گونه وارد نشود که به آخرت را زیان برساند و دنیا را به گونه ای ترک نکن که سربار مردم بشوی.»

این کلام خردمندانه حجت را بر فقیر و غنی تمام می کند و نوع نگاه مؤمن واقعی را به دنیا مشخص می سازد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«کسی که روزی بسیار به دستش بیافتد و نداند که او را با آن روزی می آزمایند، همانا که غافل از بیم عذاب نشسته است. آن کس هم که دستش از مال تهی مانده باشد و نداند که این تهی دستی آزمایش اوست، پاداشی را که در انتظار اوست تباہ ساخته است.» (2)

پس هرگاه دنیا به کسی رو کرد باید بداند که بار سنگینی به دوشش افتاده است، چنان که امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«آیا خیال می کنی که خداوند متعال به هرکس نعمتی داد او را تکریم کرده است و به هر کسی عطا نکرده تحقیرش ساخته است؟ خیر؛ بلکه تمام ثروت ها از آن خداست که به عنوان امانت به بنده اش می دهد و به او اجازه می دهد تا با میانه روی از آن بخورد، بنوشد، بپوشد، ازدواج کند و مرکبی برای خود تهیه نماید و

اضافه بر مقدار مصرف را نیز به مؤمنین نیازمند برساند تا به نابسامانیهای آن ها سامان ببخشد.» (3)

مؤمن، خواه فقیر باشد یا ثروتمند، از معیار الهی عدول نمی کند. نه ثروت او را به هلاکت می رساند و نه فقر وی را از مرتبه صبر و تسلیم بیرون می آورد؛ بلکه با دیده خردمندانه هر دو را وسیله امتحان می بیند.

ص: 26

1- مجموعه ورام 1/79 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/124 - وظائف شیعه بودن 21

2- نهج البلاغه 19

3- وسائل شیعه 11/10 - مستدرک 15/270 - بحار الأنوار 72/305

از ابزارهای مهم دنیا برای فریب دادن انسان ها زیبا جلوه دادن امور دنیوی است. دنیا مشغله های فراوانی را برای افراد به وجود می آورد. از این راه با ایجاد تعلق قلبی بین انسان و خودش، اسباب نابودی انسان را فراهم می کند:

«مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ مِنْهَا بِثَلَاثِ خِصَالٍ هُمْ لَا يَفْنَى وَ أَمَلٌ لَا يَدْرُكُ وَ رَجَاءٌ لَا يَنَالُ.» (1)

«هرکس قلبش به دنیا وابسته باشد، به سه خصلت از دنیا وابسته می شود: غمی که پایانی ندارد؛ آرزویی که به آن نمی رسد؛ امیدی که به آن دست پیدا نمی کند.»

مصدق این روایت در جامعه بسیار مشهود است: کسانی که از روی طمع و حرص از صبح تا پاسی از شب به عنوان رفع نیاز کار می کنند. مخصوصاً امروزه که بر اثر گرانی و مشکلات زندگی احتیاج و حرص با هم ممزوج شده است. عمر آدمی همیشه در هم و غم و نگرانی ناشی از امور مادی و دنیایی سپری می شود؛ ولی هیچ گاه این عطش، با وجود تلاش های بی وقفه، برطرف نمی گردد؛ زیرا آنچه می تواند عطش انسان را مرتفع سازد و به آدمی آرامش ببخشد، قناعت و ایمان به رازقیت خداست.

انسان در دست یابی به آرزوها و اهداف دنیوی و مادی خود هیچ گاه ارضا نمی شود و به محض رسیدن به آنها میل به مقصد دیگری پیدا می کند. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

ص: 28

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/320 - تحف العقول 367 - الخصال 1/88 - الوافی 5/897 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 10/245 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/91؛ 70/103؛ 70/163؛ 75/250 - تفسیر نور الثقلین 1/560 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 14/239

«مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ أزدَادَ عَطْشاً حَتَّى يَقْتُلَهُ.» (1)

«دنيا همانند آب دریاست: شخص هرچه بنوشد باز هم تشنه تر می گردد تا این که از نوشیدن زیاد بمیرد.»

آری، دنیا طلبان به دنبال به دست آوردن بهشت در همین دنیا هستند؛ ولی هرچه پیش می روند، بیشتر در باتلاق متعفن آن فرومی روند و به جای ساختن بهشت دنیوی، جهنمی را در دنیا و آخرت برای خود مهیا می کنند. دنیایی که سراسر دروغ، حقه بازی، نیرنگ و جنایت باشد و نتیجه ای جز افزودن مشکلی بر مشکلات قبلی ندارد، جهنمی بیش نیست. اگر تهی دستان دنیا را يك غم است، گرفتاران و دوست داران دنیا را هزاران اندوه است. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند:

«عَجَبٌ وَهَزَارٌ عَجَبٌ مِنْ أَنْ كَسَى كَسِيٌّ خَانَةَ آخِرَتٍ وَبَاقِيٍّ وَبَاقِيٍّ رَا تَرَكَ كَرْدَهُ وَبِرَّيْ خَانَةَ فَانِيٍّ عَمَلٍ مِي كَنْد.»

بخش تأسف برانگیز این موضوع آن است که اگر تمام این تلاش ها و دوندگی ها نتیجه ای هم بدهد، برای وراثت به ارث می ماند. اگر ورثه اهل دین و وجدان باشند، بخش اندکی از ما ترک را در راه خدا به کار می گیرند که معمولاً این گونه ورثه مؤمن و متعهد بسیار اندک هستند. بنابراین از این همه مال اندوزی هیچ سودی عاید خود شخص نخواهد شد؛ بلکه ضررهای مضاعف یکی پشت سر دیگری به عنوان آثار ما تأخر به انسان اصابت خواهد نمود. حق تعالی در حدیثی قدسی فرمودند:

ص: 29

«ای فرزند آدم، مال و ثروت متعلق به من است و از مال تو چیزی عاید تو نخواهد شد، مگر آنچه تصدق کردی و پیش فرستادی (در راه خدا انفاق نمودی) یا خوردی و برطرف کردی یا پوشیدی و کهنه نمودی.»

بنابراین جز آنچه در راه خدا به مصرف رسد، چیزی برای انسان باقی نخواهد ماند. روزی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در همی به کف دست مبارك گرفتند و خطاب نمودند:

«تو تا موقعی که در دست من هستی برای من سودی نخواهی داشت. آن موقعی که از دستم خارج شوی (یعنی در راه خدا انفاق گردی) برای من منفعت خواهی داشت.» (1)

اما بر خلاف عقیده و رفتار ائمه معصومین (علیهم السلام)، مسلمانان مال را سخت در آغوش کشیده اند. در حدیث آمده است:

«مردم را روزگاری دشوار در پیش است: در حالی که ثروت مند به بخل ورزی فرمان داده نشده است اموال خویش را سخت در دست نگه می دارد.» (2)

وقتی نخستین سکههای درهم و دینار در جهان ضرب زده شد، ابلیس ملعون (لعنت الله علیه)، نگاهی به آنها افکند. آن دورا گرفت و بر چشمانش گذاشت. سپس برداشت و بر سینه اش چسباند! و بعد فریاد عاشقانه ای کشید. دوباره به سینه اش چسباند و گفت:

«شما نور چشمان و میوه دل من هستید. اگر انسان ها شما را دوست داشته باشند دیگر برای من مهم نیست که بت پرستی نکنند. همین که شما را دوست بدارند برای من کافیست؛ زیرا شما بزرگ ترین بت ها

ص: 30

1- معراج السعادة

2- نهج البلاغه حکمت 468

با این قاعده، مردم دنیاپرست هر چند صاحب دین هم باشند، معبود آن ها پول خواهد بود. دنیا برای محبین خودش جز بدبختی ثمر دیگری نخواهد داشت. دنیا، خود، در روز قیامت خواهد گفت:

«پروردگارا، مرا نصیب بهترین دوستان خود کن.»

خطاب خواهد رسید:

«ساکت شو! من هیچ گاه تو را برای آن ها نپسندیده ام. چگونه امروز پسندمت؟» (2)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیانات بسیار شگفت انگیزی را درباره دنیا که منشأ جدایی انسان از خدا است، فرموده اند:

«دنیا خانه ای پر از رنج و محنت است. پیرایه ای ناپایدار است. عجزوزه ای مکار است. حالاتش متزلزل است و ساکنانش مضطربند. هر طرف غارتگری جان و مال اهل دنیا را به غارت برده است.

عیش دنیا ناگوار و راحتی اش ناپایدار است. ساکنانش هدف تیر حوادث بلا و اهلش به صد هزار مصیبت و بلا مبتلا هستند.

ای بندگان خدا، بدانید که شما در منزلی هستید که پیش از شما کسانی در آنجا بوده اند که عمر ایشان بیشتر، هیبت شان زیادتر، دیارشان آبادتر و آوازه شان بلندتر بوده است. شب با صد هزار آرزو با يك دیگر نشستند و با هم عهد شادی بستند و چون شب سر آمد و داخل روز شدند، با زبان های خاموش و دهان های مالا مال از خاك، بدن هایشان پوسیده و منازل شان خالی ماند و نام و نشان شان از صفحه روزگار برافتاد. قصرهای رنگارنگ شان به تنگنای قبر مبدل گشت و فرش های

ص: 31

1- بحار الانوار 73/142 ح 20

2- محجة البيضاء 5/355

زرتارشان به خاک گور بدل شد.

آه از آن محله ای که اهل آن، همه، همسایگان اند و لیکن آمد و شدی با يك دیگر ندارند (گورستان). خانه های ایشان به هم پیوسته است؛ ولی یک دیگر را نمی بینند و همشهری هایی هستند که هم دیگر را نمی شناسند. آنان همسایگانی هستند که با هم انس ندارند. عمارت ها ساخته اند، در صورتی که گذری بر آن ندارند. خانه ها ساخته و از آن یاد نمی آورند و در خانه های قبر سر بر سنگی نهاده و با کوه حسرت خوابیده اند.

چگونه با يك دیگر آمد و شد نمایند و حال آن که سنگ بلا اجزای وجودشان را خورده و سنگلاخ استخوان شان را در هم شکسته است. خاک قبر بدن های شان را خورده است. روزگار دفتر زندگانی شان را در هم نوردیده و خوشی شان به ناکامی تبدیل گشته است. دست روزگار بر خاک شان نشانده، دوستان شان خاک ماتم بر سر فشانده، سفری کرده اند که در آن امید بازگشتن نیست. آنان در ورطه ای غرق شده اند که از آن خلاصی نیست. هیهات! از برگشتن خبری نیست.»

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

(وَمِنْ وَّرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ) (1)

«در پیش روی شان برزخی است که در آنجا تا روز قیامت گرفتار خواهند بود.»

آن گاه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

«حال که دنیا را شناختید، خود را به جای مردگان تصور کنید: در خواب گاه گور تنها خوابیده اید و آن منزل هولناک را دیده اید. چون آن روز را ببیند حال شما چگونه خواهد بود؟ در روزی که مردگان را در حالی که از قبر سر بر آورده اند ببینید. در روزی که پرده ها کنار بروند و

ص: 32

رازها آشکار گردند (یعنی تمام بدی ها و اسرار درونی هر کسی آشکار شود). در آن زمان شما را به موقوف پادشاه جلیل می برند و در آن وقت دل ها را می بینید که گویا از شدت خوف از سینه ها پریده و عیوب مردم ظاهر گشته است و هر کسی به جزای عمل خود گرفتار شده.»

سپس سرور زاهدان دنیا اندرزی می فرمایند که متابعت از آن بر هر محب و عاقلی واجب است و صداقت در دوستی با حضرات معصومین (علیهم السلام)، عمل به گفتار الهی ایشان است:

«به شما توصیه می کنم که از دنیا دست بردارید؛ چراکه او از شما دست برنخواهد داشت و بدن های شما را پوسیده خواهد کرد.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مذمت دنیا می فرمایند:

«دست از دنیا بردار که دوستی با دنیا آدمی را کور و لال و کر می کند و شخص را ذلیل و بی مقدار می سازد. پس عمر خود را دریاب و گذشته ات را جبران کن و بیش از این فردا فردا مگو؛ چراکه کسانی پیش از تو به همین دلیل به هلاکت رسیدند و عمر خود را به آرزو گذراندند و هر روز کارهای شان را به تأخیر افکندند تا زمانی که ناگاه امر خدا سر رسید و هنگام کوچ آمد، در حالی که آنان بر بستر غفلت خوابیده بودند. سپس آنان را از کاخ ها به ظلمت کده گور در آوردند و اهل و اولادشان ره های شان کردند و به قسمت کردن اموال شان پرداختند.»

در بعضی از مواضع آن حضرت هست که فرموده اند:

«در حلال خدا سؤال و در حرام خدا عقاب است.»

همچنین بعضی از بزرگان در مذمت ثروت اندوزی فرموده اند:

«شخص متمول در وقت مردن دو مصیبت دارد که اولین و آخرین مثل آن را نشنیده اند: همه اموال را از او می گیرند؛ او را بر همه اموالش محاسبه خواهند نمود.»

منشاء روی آوردن انسان به دنیا و رعایت نکردن حلال و حرام، نیازی است که به عنوان دستیابی به رزق و روزی اعلام می گردد. این مهم یا بر اثر احتیاج است یا بر اثر طمع و حرص. انسان برای ارضای نفس خود تلاش می کند و در بازار کار قدم برمی دارد. آنجاست که اگر کسی دلش با خدا نباشد، ناچار با شیطان است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند که عربی از بنی عامر خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و از بهترین و بدترین زمین ها پرسید. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«بدترین قسمت های زمین بازارهاست. بازار میدان ابلیس (لعنت الله علیه) است که با پرچمی می آید و کرسی خود را می گذارد و در آنجا ذریه اش را پخش می کند. آنان در بین کم فروشان گماشته می شوند. شیطان به فرزندانش می گوید که مردم را گمراه کنید! پدر آنان، آدم، مرده است و پدر شما زنده. وضعیت تا شب چنین خواهد بود. شیطان با اولین فردی که وارد بازار می شود داخل می گردد و با آخر نفر بیرون می رود. اما بهترین قسمت زمین مساجد هستند. اولین نفری که وارد آن می شود و آخرین نفری که از آن بیرون می آید به خدا نزدیک تر است.» (1)

اهمیت دوری از دنیا

پس از شناخت دنیا، مؤمنین باید با استفاده از قوه تعقل خود و پیروی از فرمایش های معصومین از دنیا دوری کنند. امام زین العابدین (علیه السلام) در موعظه روز جمعه می فرمودند:

«ای مردم، بدانید که خداوند متعال زینت های دنیا را برای دوستان خود نپسندیده است و آن ها را به این زینت ها تشویق نفرموده است.»

ص: 34

آری، خداوند نه دنیا و نه هیچ يك از تجملاتش را برای دوستانش نپسندیده است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ الدُّنْيَا... ظَاهِرُهَا سُورُورٌ وَبَاطِنُهَا غُرُورٌ.» (1)

«ظاهر دنیا سرور است و باطن آن فریب.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«الدُّنْيَا ظَاهِرُهَا زِينَةٌ مُعْجَبَةٌ وَبَاطِنُهَا سُومٌ مُهْلِكَةٌ.» (2)

«ظاهر دنیا زینتی شگفت آور و باطن آن سمی کشنده است.»

سپس حضرت به آیه شریفه ذیل اشاره نمودند:

«همانا این دنیا به آبی می ماند که ما از آسمان نازل می کنیم و با آن تمام رویدنی های زمین، چه آنهایی که حیوانات می چرند و چه آنهایی که انسان می خورد، از سرسبزی و خرمی زمین زیور و آرایش می گیرد. مردم تصور می کنند که قدرت پیرایش گل ها و خرمی بوستان ها و باغ ها را دارند؛ اما امر ما شبانه یا در يك روز می رسد و تمام آن سبزه ها و زیورها را به صورت گیاهی خشکیده درمی آوریم. گویی که شب گذشته چنین چیزی وجود نداشته است. ما آیات خود را برای مردمی که تفکر می کنند چنین تشریح می کنیم تا عبرت بگیرند.» (3)

امام سجاد (علیه السلام) به شیعیان و محبین واقعی خود می فرماید:

«ای بندگان خدا، از کسانی باشید که عبرت می گیرند و در آیات می اندیشند... دل به دنیا و زینت های دنیا نبندید. دنیا منزلی گذران و جایگاه عمل است. پیش از آن که عمرتان به پایان برسد و پیش از آن که دنیا خراب شود، به واسطه عمل خیر، در دنیا توشه بردارید.»

ص: 35

1- الأمالی (للطوسی) 652 - البرهان فی تفسیر القرآن 3/854 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/371

2- شرح الکافی - الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی) 9/124

3- سورة مبارکه یونس آیه شریفه 24

سپس امام برای تمام مؤمنان که خواهان دوری از تزویر و زینت های دنیا هستند، دعا می فرماید:

«از خداوند متعال برای خود و شما طلب زهد و تقوا می جویم. پروردگار ما را از جمله راغبین به آخرت قرار دهد. درود بی پایان بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل محمد (علیهم السلام).» (1)

حال که شخص عاقل دنیا را شناخت و به بدی های آن پی برد، لازم است که از آن متنفر شود؛ چراکه امام هدایت، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، فرمودند:

«يُنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا أَنْ يَزْهَدَ فِيهَا وَيَعْرِفَ عَنْهَا.» (2)

«کسی که دنیا را شناخت سزاوار است که در آن پرهیزکار باشد.»

همچنین می فرمایند:

«يُنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ سُرْعَةَ رِحْلَتِهِ أَنْ يَحْسِنَ التَّأَهُبَ لِثِقَلَتِهِ.» (3)

«برای کسی که فهمید باید با سرعت از دنیا کوچ کند، سزاوار است توشه رفتنش را خوب تهیه کند.»

گفتیم که مشغله هایی تحت عنوان امرار معاش هستند که انسان ها، به القاء شیطان، با توجه آنها، خود را درگیر دنیا می کند. اما هیچ فردی توانایی نجات از دام دنیا را ندارد.

حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) به هشام (رحمة الله) فرمودند:

«ای هشام، دنیا به شکل زنی ازرق چشم نزد حضرت مسیح (علیه السلام) آمد. مسیح به وی فرمود که چند بار ازدواج کرده ای؟ او گفت که بسیار.»

ص: 36

1- تفسیر جامع 3/244 - از کافی 8/75 ح 29

2- عیون الحکم و المواعظ (لیثی) 555 - غرر الحکم و درر الکلم 795 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 275

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 555 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 150

مسیح فرمود که همه طلاق گفتند؟ او گفت که خیر؛ بلکه همه را کشتم. مسیح فرمود که وای بر شوهرهای آینده تو که از گذشتگان عبرت نمی گیرند.» (1)

وای بر آن ها که هدایت ائمه معصومین (علیهم السلام) را در برخورد با دنیا و رهایی از سلطه آن بر نمی تابند. آنان که برای رزق و روزی بیشتر تلاشی مضاعف را سرمایه می کنند. در روایت آمده است:

«از دنیا به اندازه کفایت بهره بگیر. زیادی آن را، که مایه سرکشی تو می گردد، رها کن (انفاق کن). دنیا شما را به سوی مرکز بدبختی ها، جایگاه نابودی ها، گرفتاری ها و رنج های گوناگون فرامی خواند. شما دعوتش را پذیرفتید و با شتاب به سوی آن رفتید.» (2)

جناب عیسی (علیه السلام) فرمودند:

«همان گونه که مریض به واسطه درد از طعام لذت نمی برد، صاحب دنیا نیز از مناجات و عبادت های خود لذت نمی برد؛ چراکه حلاوت دنیا با شیرینی عبادت در یک دل نمی گنجد.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای ترغیب مردم به دوری از محبت ها و مشغله هایی که زائیده حرص و طمع می باشند و روی آوردن آنان به اعمال صالح، می فرمایند:

«ای بندگان دنیا و کوشش کنندگان برای آن، اگر در روز به خرید و فروش مشغول شوید و شب هنگام در رخت خواب های تان بیارامید و در این میان آخرت را فراموش کنید و عمل برای آن را عقب باندازید، پس چه وقت برای هدایت می اندیشید و زاد و توشه پیش می فرستید و چه

ص: 37

1- تحف العقول 396

2- غررالحکم صفحات 161؛ 183؛ 188؛ 229؛ 394؛ 403؛ 405؛ 426؛ 513؛ 572

موقع به کار آخرت می پردازید؟!» (1)

همچنین آن حضرت (علیه السلام) برای شناخت بیشتر دنیا فرموده اند:

«دنیا سرای گذر است، نه جای ماندن. مردم در آن دو دسته اند: کسی که در دنیا، خویش را فروخت و به تباهی انداخت و دیگری آن کس که خود را خرید و آزاد ساخت.» (2)

امام محمد باقر (علیه السلام) می فرمایند:

«وَيَحْمِيهِ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِيهِ الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ.» (3)

«همان گونه که طبیب مریض را پرهیز می دهد، خداوند نیز مؤمن را از دنیا برحذر می دارد.»

هرچه این عجزه خود را بیشتر آرایش کند، مؤمن از او متفرتر می گردد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا كُلَّمَا زِدَادَتْ لَهُ تَجَلَّى زِدَادَتْ عَنْهُ تَوَلَّى.» (4)

«هرچه دنیا به انسان زاهد بیشتر رو کند، بیشتر به دنیا بدبین می شود و پشت می کند.»

مؤمن می داند که دنیا صرفاً امتحانی از جانب خداست که اگر درگیر آن شود، راه هدایت بر او بسته می گردد. قرآن مجید می فرماید:

«وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ

ص: 38

1- غررالحکم 868

2- نهج البلاغه حکمت 126

3- الکافی (ط - الإسلامیة) 2/255؛ (ط - دارالحدیث) 3/640 - التمهیص 31 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 290 - أعلام الدین فی صفات المؤمنین 435 - الوافی 5/769 - وسائل الشیعة 3/263 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 9/336 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 64/213؛ 64/240؛ 64/242؛ 78/197 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 2/433

4- بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/419

فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى) (1)

«دیدگانت را به آنچه برخی از اصناف را از آن برخوردار کردیم مدوز. آنچه به آنان داده ایم زیور زندگی دنیاست تا آنان را به آن بیازماییم. [بدان که] روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است.»

مؤمنان عاقل هرگز مانند اهل دنیا در مرتبهٔ کودکان قرار نمی‌گیرند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«پرهیز از این که مانند کودکی باشی که چون سبز و زرد ببیند فریفتهٔ آن و چون به شیرینی و ترشی دست یابد مفتون آن گردد.» (2)

مؤمن حقیقی نه تنها فریفتهٔ تزویر نمی‌گردد؛ بلکه همانند رادمردان قلب خود را با نام خدای متعال جلا داده تا بدین وسیله از نیرنگ دنیا رهایی یابد:

(الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (3)

«کسانی که ایمان آوردند و قلب‌هایشان به ذکر خدا پابرجاست. آگاه باشید که فقط با یاد خداوند قلب‌ها آرام می‌گردد.»

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«آنچه به گوش مؤمنان می‌رسد، از یاد خدا غافل‌شان نمی‌کند و زینت‌هایی که با چشم‌شان می‌بینند از ذکر خداوند متعال کورشان نمی‌سازد.» (4)

اگر انسان چشم و دل را از زیور دنیا بر ندارد، افکار و سپس روح وی به دنبال دنیا می‌رود و از جایگاه معنوی خود سقوط می‌کند. در کلام حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است:

ص: 39

1- سورهٔ مبارکهٔ طه آیهٔ شریفهٔ 131 - بخشی از این آیه در سورهٔ مبارکهٔ حجر آیهٔ شریفهٔ 88 نیز آمده است.

2- چرا مرا آفریدند 184 - ارشاد القلوب 1/199

3- سورهٔ مبارکهٔ رعد آیهٔ شریفهٔ 28

4- چرا مرا آفریدند 191 - کافی 2/132 - بحارالانوار 70/37

«آن کس که زیور دنیا دیدگانش را خیره سازد، دچار کوردلی می شود.» (1)

دل مردگی باعث می شود که ایمان از قلب مؤمن فراری گردد. در نتیجه راه ورود باطل به قلب انسان فراهم می گردد.

«حَرَامٌ عَلَى قُلُوبِكُمْ أَنْ تَعْرِفَ حَالَوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدَ فِي الدُّنْيَا.» (2)

«تا وقتی دل های شما به دنیا بی رغبت نشود از شناختن و شیرینی ایمان محروم می شوید.»

البته مؤمنی که به ارتباط و راز و نیاز با خدا و ائمه معصومین (علیهم السلام) دست می یازد، هیچ گاه برای دنیا ارزشی قائل نمی شود. از آن طرف، هرکس به خدا و خاندان نبوت (صلی الله علیه و آله و سلم) پشت کند، در دنیا فرومی رود و هرکس هم نشین دنیا شود، به فقر گرفتار می شود؛ چراکه «متاع دنیا قلیل» است. حق تعالی به حضرت موسی (علیه السلام) فرموده است:

«ای موسی (علیه السلام)، هر کس به دنیا اهمیت بدهد و آن را بزرگ بشمارد و چشمش به دنیا باشد محتاج می شود.»

در مقابل، مؤمن با دوری از امیال دنیایی در دنیا به کامیابی خواهد رسید:

«و آن کس که دنیا را کوچک بشمارد، از زندگی و لذت های دنیا برخوردار می شود.» (3)

روزی پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) جابر بن عبدالله انصاری را دید که آهی از دل می کشید. حضرت فرمودند:

ص: 40

1- نهج البلاغه ترجمه حکمت 368

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/128؛ (ط - دارالحدیث) 3/332 - مجموعة ورام 2/191 - الوافی 4/387 - وسائل الشیعة 16/12 -

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 8/269 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/49 - تفسیر نور الثقلین

5/83 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 12/329

3- تفسیر جامع 2/577

«برای نداری و تهی دستی دنیا آه می کشی؟»

عرض کرد که آری. حضرت فرمودند:

«پس بدان که لذائذ دنیا هفت چیز است: خوردنی ها که گواراترین آنها عسل است که از زنبور خارج می شود؛ آشامیدنی ها که بهترین آنها آبی است که روی زمین حرکت می کند؛ پوشیدنی ها که بهترین آنها ابریشم است و آن لعاب کرم ابریشم است؛ نکاح است که...؛ سوار شدنی هاست که بهترین آن اسب است؛ بوییدنی ها که بهترین آنها مشک است و آن خون مانده است از ناف آهو است؛ شنیدنی ها که بهترین آنها غنا و آواز خوانی است و آن گناه است. ای جابر، برای چنین دنیایی آه کشیدن معنا ندارد.»

دل دادن به دنیا آن چنان برای اهل ایمان باعث خسران است که حتی زیان آن به مخلوقات دیگر نیز سرایت می کند. به عنوان پند و حجت، داستان عجیبی را از لسان گهربار امام رضا (علیه السلام) نقل می کنیم:

«وقتی جناب سلیمان به وادی نمل وارد شد، رییس مورچه گان به بالای یک بلندی رفت و فریاد برآورد که ای گروه مورچه گان، به منازل خود بروید تا سلیمان و لشکریانش شماها را لگدمال نمایند. باد این گفتار را به گوش سلیمان رساند. حضرت در حال حرکت در هوا بودند که به باد امر نمودند که متوقف گردد و آن مور را به حضور بیاورد. چون مور حاضر شد جناب سلیمان (علیه السلام) فرمود که مگر تو نمی دانی من پیغمبرم و به کسی ظلم نمی کنم؟ مور پاسخ داد که چرا، می دانم. حضرت فرمود که پس برای چه مورچه گان را از موکب من ترسانیدی؟ مور جواب داد که ترسیدم خیل مورچه گان به جلال و زینت موکب تو مجذوب شده و از ذکر خدای تعالی غافل بمانند. پس از آن، مور از جناب سلیمان (علیه السلام) سؤال نمود که می دانی چرا خداوند متعال در میان تمام مخلوقات باد را مسخر تو ساخته و به فرمانت می باشد؟ زیرا حکمتش آن بوده که

خواسته تا بدانی اگر جمیع مخلوقات مانند باد مسخر شما می شد مانند باد هم زائل گردیده و از بین می رفت. آن گاه جناب سلیمان (علیه السلام) تبسم نمودند و به حمد و ثنای پروردگار پرداختند.» (1)

روح و فکر مؤمن باید طوری پرورش یابد که اگر تمام دنیا را نیز مثل جناب سلیمان نبی (علیه السلام) تصرف نمود، آن را در نظر خود پایدارتر از باد نداند. امام سجاد (علیه السلام) فرمودند:

«دنیا را همچون مالی بدان که در خواب دیدی و چون بیدار گشتی دیگر با تو نبوده است.» (2)

می دانیم که دنیا هیچ گاه با مؤمنان سر دوستی ندارد؛ بلکه تنها هدف آن خوار کردن مؤمن است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ خَلْقًا ضَيِّقَ الدُّنْيَا عَلَيْهِمْ نَظْرًا لَهُمْ فَزَهَّدَهُمْ فِيهَا وَفِي حُطَامِهَا فَرَعِبُوا فِي دَارِ السَّلَامِ الَّتِي دَعَاهُمْ إِلَيْهَا.» (3)

«خداوند عزوجل مردمانی را آفرید و از روی لطف دنیا را بر آنان سخت گرفت و از این راه آنان را به دنیا بی رغبت ساخت. در نتیجه آنان به سرای سلامت (بهشت) روی آوردند.»

دنیا با سختی عجیب شده است تا دل مؤمن را با خود به هر سویی نکشاند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند که خداوند متعال به دنیا فرموده است:

«يَا دُنْيَا تَمَرَّرِي عَلَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِأَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَصَنِيْقِي عَلَيْهِ فِي مَعِيشَتِهِ وَلَا

ص: 42

1- تفسیر جامع 142 - تفسیر ابولفتوح 15/25

2- کافی 2/132 - بحار الانوار 70/37

3- فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) 120 - من لا يحضره الفقيه 4/384 - الأمالی (للصدوق) 395 - معانی الأخبار 199 - الأمالی

(للطوسی) 436 - الوافی 26/228 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 66/272؛ 74/378؛ 76/301 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل

12/226 - میزان الحکمه 5/73

«ای دنیا، با انواع بلا و گرفتاری بر بنده من تلخ و ناگوار باش و زندگی را بر او سخت بگیر و برایش چاره سازی مکن که مبادا به تو امید بندد.»

انسان برای چیزی همت می ورزد که باعث آسایش و پیشرفت او باشد؛ در صورتی که دنیا آسایش انسان را از بین می برد. نقل است از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که خداوند عزوجل به دنیا فرمود:

«أَنْ أَتَعِبِي مَنْ خَدَمَكَ وَ أَخْدَمِي مَنْ رَفَضَكَ.» (2)

«هر کس به تو خدمت کرد را به رنج بیافکن و به هر کس که از تو روی برگرداند خدمت کن.»

در فرمایشی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است:

«لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئاً مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِصْلَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ.» (3)

«هرکس دینش را برای رسیدن به دنیا ترک کند، خداوند زیان را پیش پایش قرار خواهد داد.»

امام صادق (علیه السلام) در رابطه با تبعات دل بستگی به دنیا فرمودند:

«الرَّغْبَةُ مِفْتَاحُ النَّصَبِ.» (4)

«رغبت به دنیا کلید رنج است.»

ص: 43

1- چرا مرا آفریدند 89 - التمحیص 49 - بحار الانوار 69/52

2- وسائل الشیعه 16/17 - الأمالی (للصدوق) (رحمة الله) 279 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 38/99؛ ... - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 5/207

3- غرر الحکم 278 - نهج البلاغة (للصباحی صالح) 487 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 67/107 - منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی) (رحمة الله) 21/160

4- نهج البلاغة (للصباحی صالح) 540 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 27 - غرر الحکم و درر الکلم 27 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 66/411

یا فرموده اند:

«ذِكْرُ الدُّنْيَا أَدْوَى الدَّاءِ.» (1)

«به یاد دنیا بودن دردناک ترین دردهاست.»

پس طالبانِ آسایش باید با بیزاری از دنیا، خویش را از چنگال گرفتاری ها دور نمایند. این کار باعث آسان شدن مصائب می شود. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتِ.» (2)

«هر کس دل از دنیا برکند مصیبت ها و گرفتاری ها بر او آسان می گردد.»

در جای دیگری فرمودند:

«وَالرَّاعِبُ فِيهَا يَتَعَبُ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.» (3)

«رغبت به دنیا باعث رنج جسم و روح در دنیا و آخرت است.»

خوب است قبل از این که دنیا مؤمن را ترك کند و با وداع خود وی را در کام مرگ و هلاکت ابدی گرفتار کند، انسان با پیروی از فرمان ائمه دین (علیهم السلام) دنیا را ترك نماید؛ چراکه تمام سعادت در وداع با دنیا نهفته است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«ای بندگان خدا، شما را به ترك این دنیا سفارش می کنم که شما را رها

ص: 44

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 255 - غرر الحکم و درر الکلم 370

2- کتاب سلیم بن قیس الهلالی 2/614 - الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (علیه السلام) 370 - الزهد 2 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/50؛ 2/132؛ (ط - دارالحديث) 3/131؛ 3/341 - تحف العقول 165؛ 281 - الأمالی (للمفید) 277 - کنز الفوائد 2/163 -

الأمالی (للطوسی) 37 - الوافی 4/140؛ 4/394؛ 26/205 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 7/315؛ 8/288 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 65/351؛ 65/367؛ 65/383؛ 67/314؛ 70/43؛ 74/94؛ 74/171 - مستدرک

الوسائل و مستنبط المسائل 2/104

3- الزهد 2 - أعلام الدین فی صفات المؤمنین 343 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/186

می کند هر چند تمایلی به ترك آن نداشته باشید.» (1)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) سلامت را در گرو دوری از دنیا دانسته اند و می فرمایند:

«آگاه باش! در دنیا کسی در سلامت می ماند که از دنیا دوری کند.» (2)

بی رغبتی به دنیا بالاترین مقام عبودیت است:

«برترین عبادت ها کناره گیری از دنیا است.»

همچنین به فرموده آن حضرت (علیه السلام):

«قبیح ترین گناه دوستی با دنیا است. نزدیک ترین انسان به خداوند متعال کسی است که از دنیا دوری بجوید. بزرگ ترین مصیبت ها شیفته دنیا شدن است.»

سرانجام دل بستگی به دنیا از دست دادن دین است:

«دنیا دین را تباه می کند و یقین را از بین می برد. دنیا سرآمد فتنه ها و موجب ناراحتی هاست.»

هر کسی نیز نمی تواند با دشمنی به دنیا برخیزد:

«إِنَّ الدُّنْيَا تُعْطَىٰ وَ...، يَعْزُضُ عَنْهَا السُّعْدَاءُ وَ يَرْغَبُ فِيهَا الْأَشْقِيَاءُ.» (3)

«دنیا عطا می کند. سعادت مندان از دنیا روی برمی گردانند و اشقیا به آن گرایش دارند.»

روی گردانی از دنیا فقط با بهره گیری از عقل و مدد از خداوند تعالی ممکن است. حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) فرمودند:

«خداوند متعال به هرکسی که عقل عنایت فرماید، از دنیا طلبان و اهل

ص: 45

1- نهج البلاغه خطبه 98

2- غرر الحکم

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 146 - غرر الحکم و درر الکلم 249

دنیا کناره می گیرد.» (1)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«إِزْهَدُ فِي الدُّنْيَا تَنْزِلَ عَلَيْكَ الرَّحْمَةُ.» (2)

«به دنیا زاهد و بی رغبت باش تا رحمت خدا بر تو فرود آید.»

هرگاه خداوند بخواهد رحمتی را بر بنده اش نازل کند، بی رغبتی به دنیا را به او هدیه می دهد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا.» (3)

«اگر خداوند خیر بنده ای را بخواهد او را به دنیا بی رغبت می کند.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«أَفْضَلُ الطَّاعَاتِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا.» (4)

«بهترین طاعت زهد در دنیا است.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«وَلَنْ يَفْتَقِرَ مَنْ زَهَدَ.» (5)

«زاهد هرگز نیازمند نمی شود.»

یعنی مؤمن زاهد به روزی مقرر خود قانع می شود و چون قناعت پیشه کرد، هیچ گاه فقیر نمی شود و به دلیل قانع شدن به روزی کم، سربلند و با عزت می گردد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

ص: 46

1- بحار الأنوار 15/111

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 83 - غرر الحکم و درر الکلم 132 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 276

3- الکافی (ط - الإسلامیة) 2/130؛ (ط - دارالحدیث) 3/336 - مجموعة ورام 2/192 - الوافی 4/391 - وسائل الشیعة 16/13 -

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 8/275 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/55

4- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 118 - غرر الحکم و درر الکلم 193 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 275

5- تحف العقول 85 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 408 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/212؛ 74/231

«أَسْعَدُ النَّاسِ بِالدُّنْيَا التَّارِكُ لَهَا.» (1)

«خوشبخت ترین مردم کسی است که دنیا را ترك کرده باشد.»

زیرا انسان با جدایی از محبت های دنیا به راحتی و آسایش در دنیا و سعادت ابدی در بهشت می رسد. در فرمایش حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است:

«طَلَّاقُ الدُّنْيَا مَهْرُ الْجَنَّةِ.» (2)

«ترك دنیا مهر بهشت است.»

معنای حقیقی زهد

امام صادق (علیه السلام) ترك دنیا را این چنین توصیف می فرمایند:

«...بَلِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَا تَكُونَ بِمَا فِي يَدِكَ أَوْ تَقَى مِنْكَ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.» (3)

«زهد به این نیست که انسان مال خود را ضایع سازد یا حلال را بر خود حرام گرداند؛ بلکه زهد به این است که اعتماد تو در دنیا بر آنچه در نزد خودت هست، بیش از آنچه در نزد خداست نباشد.»

در روایت آمده است:

«الزُّهْدُ أَنْ لَا يَمْلِكَكَ الشَّيْءُ.» (4)

«زهد به این است که چیزی مالک تو نشود.»

حضرت عیسی (علیه السلام) در وصف دل دادگان به دنیا فرمودند:

ص: 47

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 124 - غرر الحکم و درر الکلم 213 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 147

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 317 - غرر الحکم و درر الکلم 434 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 7

3- الکافی (ط - الإسلامیة) 5/71 - الزهد 4 - الوافی 4/403 - وسائل الشیعة 16/15؛ 17/35 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 67/310 -

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/43؛ خاتمه 4/166

4- کتاب نسیم هدایت 77 - میزان الحکمة 4/299

«هرگاه دنیا به آنان اقبال نماید خوشحال می شوند و هرگاه دوری می کند محزون می گردند.» (1)

معنای حقیقی زهد را می توان در این آیه شریفه دنبال کرد:

(لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ) (2)

«بر آنچه در دنیا از شما فوت می شود تأسف نخورید و به آنچه به شما روی می آورد شاد نشوید.»

مصدق این آیه شریفه مؤمنانی هستند که اگر هم بهره ای از اموال دنیا داشته باشند، وابستگی خاصی به آن ندارند. با قطع علاقه و جدایی دل از دنیا بزرگ ترین آسایش در دو جهان برای مؤمن فراهم می گردد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا الرَّاحَةُ الْعُظْمَى.» (3)

«عظیم ترین آسایش زهد است.»

در جای دیگری می فرمایند:

«وَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يَرِيحُ الْقَلْبَ وَ الْبَدْنَ وَ الرَّغْبَةَ فِيهَا تَتَّعِبُ الْقَلْبَ وَ الْبَدْنَ.» (4)

«بی رغبتی به دنیا جسم و روح و قلب را آسایش می بخشد و رغبت و به دنیا تن و قلب را به رنج می افکند.»

زهد رابطه مستقیمی با دین داری افراد دارد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

ص: 48

1- تفسیر جامع 7/546 - کافی 2/318

2- سوره مبارکه حدید آیه شریه 23

3- عیون الحکم و المواعظ (لیثی) 47 - غرر الحکم و درر الکلم 70/1363 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 276 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/47

4- نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)) 513 - [با کمی تغییر: الخصال 1/73 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 269 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/91؛ 70/120] کنز العمال [متقی هندی - عامه] 6060 «الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تَكْثُرُ الْهَمَّ وَ الْحُزْنَ وَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يَرِيحُ الْقَلْبَ وَ الْبَدْنَ»

«إِنَّ مِنْ أَعْوَنِ الْأَخْلَاقِ عَلَى الدِّينِ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا.» (1)

«بیشترین اخلاقی که کمک به دین انسان می کند بی رغبتی به دنیاست.»

همچنین پایداری در دین به درجه ایمان شخص بستگی دارد. این مهم هم فقط با تنفر و دوری از دنیا محقق می گردد:

«مَا أَفْسَدَ الدِّينَ كَالدُّنْيَا.» (2)

«هیچ چیزی مانند توجه به دنیا دین را تباه نمی سازد.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«وَاللَّهِ مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَوَالَى غَيْرَنَا.» (3)

«قسم به خدا، کسی که دوست دار دنیا و دل بسته غیر ما باشد، خدا را دوست ندارد.»

چون مؤمن از دنیا متنفر شد و فقط به قدر ضرورت از آن بهره گرفت، دل او با محبت پروردگار و ائمه معصومین (علیهم السلام) عجین می گردد. امام صادق (علیه السلام) در توصیف چنین افرادی می فرمایند:

«چون مؤمن از دنیا کناره گرفت، رفعت پیدا می کند و شیرینی محبت خدا را درمی یابد و نزد طالبان دنیا دیوانه انگاشته می شود. آن قدر

ص: 49

-
- 1- الزهد 2؛ 3 - الكافي (ط - الإسلامية) 2/128؛ (ط - دارالحديث) 3/332 - مجموعة ورام 2/191 - الوافي 4/387 - وسائل الشيعة 16/12 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) 8/269 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 70/50
 - 2- عيون الحكم و المواعظ (لليثي) 480 - غرر الحكم و درر الكلم 684 - تصنيف غرر الحكم و درر الكلم 130
 - 3- الكافي (ط - الإسلامية) 8/129؛ (ط - دارالحديث) 15/311 - تحف العقول 357 - الوافي 26/266 - البرهان في تفسير القرآن 4/26 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) 25/309 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 75/226؛ 75/270
 - تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب 3/69

شیرینی محبت خدا با آن‌ها آمیخته شده است که به چیز دیگری مشغول نمی‌شوند.» (1)

کناره‌گیری از دنیا باعث تقویت قلب و روح و آماده شدن ظرف پذیرش انوار ملکوتی می‌شود. هر چه بیشتر از دنیا فاصله ایجاد شود، به همان میزان، فرد به خدا و عبودیت این معبودِ بلا منازع نزدیک می‌شود. همین مهم نیز سرآغاز چشیدن طعم ایمان خواهد شد:

«اگر همه دنیا را همانند یک گردنبند در گردن مؤمن بیاندازند، اگر از گردنش باز شود و بیفتد او چیزی را احساس نمی‌کند.» (2)

تملك و ثروت ایرادی ندارد؛ بلکه تعلق و دلبستن خطرناک است. البته انسان‌هایی که اسیر داشته‌های خود نشوند بسیار اندک هستند؛ چراکه با آمدن امکانات، شیطان هم تلاشش را برای گمراهی بیشتر افراد مضاعف می‌کند. توجیه اسراف تحت عناوین مختلف، از جمله: نگه داشتن مال؛ چشم پوشی از کمک به برادران دینی؛ حبس خمس و زکات و... از جمله مستمسکات شیاطین بوده تا به وسیله آنها فرد را از راه درست گمراه سازد و او را به ورطه هلاکت بکشانند:

(يَوْمَ يَحْمِي عَلَيْهَا فِي نَارٍ جَهَنَّمَ فُتُكُوِي بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ) (3)

«روزی که آن گنجینه‌ها را در آتش دوزخ بگدازند و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند و بگویند که این است آنچه برای خود

ص: 50

1- اصول کافی ج 3 باب نکوهش دنیا و زهد در دنیا ح 10

2- معراج السعادة

3- سوره مبارکه توبه آیه شریفه 35

اندوختید. پس کیفر آنچه می اندوختید، بپشید.»

بنابراین مؤمنی که به اندازه گذراندن امور از اسباب و وسایل دنیا برخوردار بوده و اطرافش از زر و تزویر دنیا خالی است، به همان میزان وسوسه های شیاطین از او دور می باشد و مثل او مثل کسی است که در مکان زندگی وی زن نامحرم وجود ندارد. پس نیازی به احتیاط نداشته و دلهره به گناه افتادن هم ندارد. این برای مؤمن تھی دست توفیقی اجباری است که دستش از ثروت دنیا خالی باشد.

البته شاید در مبارزه با نفس و زهد قلبی، مؤمن فقیر و ثروت مند نسبتاً مساوی باشند! اگر مؤمن فقیر به دوچرخه خود هم دل بسته باشد، مانند این است که مؤمن ثروت مند به ماشین آخرین مدل و گران قیمت خویش دل بسته باشد. درست است که این پیکار برای فرد متمکن بسیار سخت تر از مؤمن بی بضاعت است؛ اما در امر زهد قلبی و نبستن و محزون نگشتن برای از بین رفتن دوچرخه یا ماشین فرقی نخواهد داشت. فرق عمده مؤمن متمکن زاهد با مؤمن فقیر زاهد در روز قیامت است که شخص تھی دست چیزی برای حساب رسی نخواهد داشت تا معطل آن شود. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«در روز قیامت شخصی غنی را پای حساب می آورند. در آن موقع آن قدر عرق کرده است که اگر چهل شتر (به عنوان آب) بخورد کفایت کند. پس اگر مؤمن بود داخل بهشت می شود. شخص فقیر از او سؤال می کند که چرا دیر وارد بهشت شدی؟ او می گوید که به جهت طول حساب هرچه سؤال می کردند چیز دیگری می آمد. یکی را بعد از دیگری می بخشیدند. خداوند متعال به رحمت و فضل خودش همه را بخشید و

مرا در شمار توبه کاران به حساب آورد.» (1)

یعنی اگر شخص متمول زاهد هم باشد باید از او در عرصه قیامت سؤال شود. همچنین نقل است از امام صادق (علیه السلام) که فرمودند:

«فقراى مؤمنين چهل سال زودتر از ثروت مندان شان به بهشت وارد مى شوند.» (2)

حرص برای جمع آوری اموال و علاقه به دنیا، جز بدبختی و زیان فراوان هیچ منفعتی برای انسان نخواهد داشت. حرص ورزیدن برای گردآوری اموال آفتی است که بهترین اعمال صالح را نیز نابود خواهد نمود. تا آن جا که حتی اگر فرد به اندازه کوه ها کار خیر داشته باشند خداوند بر او خشم می گیرد.

مؤمن باید حب دنیا را از دل خود بیرون کند، وگرنه آن خواهد شد که حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«روز قیامت گروهی از مردم می آیند که حسنات و کارهای نیکی مانند کوه های تهمه (نام سرزمینی در مکه) دارند. پس امر می شود که آن ها را به آتش جهنم ببرند.»

سؤال شد که ای پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، آیا این گروه از مردم نماز هم می خوانند؟ حضرت فرمودند:

«نماز می خوانند و روزه می گرفتند و شب زنده داری می کردند؛ لکن وقتی که به چیزی از دنیا دست می یافتند، به سرعت، به سمت آن حرکت می کردند.» (3)

محبت به دنیا تمام کارهای نیک را، حتی اگر به اندازه کوه ها باشند، تهدید

ص: 52

1- بحار الانوار 7/295

2- بحار الانوار 69/6 ح 4

3- چرا مرا آفریدند 50 - عدة الداعی 314 - بحار الانوار 67/268

می‌کند. آفت حرص به دنیا و دوستی آن فرد را به نابودی و مرگ می‌کشاند. پس برای رهایی از چنگال مرگ بار محبت دنیا باید به دستورهای امامان معصوم (علیهم السلام) عمل کرده و ابزار مقابله و دشمنی با دنیا را فراهم نمود. این ابزار بی‌اعتنایی و تنفر شدید به دنیا است. تأمل در این فرمایش گهربار امام صادق (علیه السلام)، به یقین، راه‌گشای آن دسته از مؤمنانی است که میل به جدایی از تعلقات و محبت‌های دنیا دارند:

«الزُّهْدُ وَ تَرْكُ الْأَمَلِ» (1)

«زهد یعنی ترک آرزوهای دنیایی.»

همچنین فرموده‌اند:

«زهد یعنی ترک تمام چیزهایی که موجب سرگرمی و دوری تو از یاد و ذکر خدا می‌گردد.»

متأسفانه اکنون در منزل بیشتر مؤمنان ابزار لغو جایگزین مسائل معنوی شده و با تأسف فراوان اکثر اهل تدین به وسیله دستگاہ‌های جادویی تصویری (که از لوازم فریبنده و بسیار ماهرانه شیطان است)، قلب و افکار خود را تحت سیطره دنیاطلبی و اشتغال به لغویات درآورده‌اند. اما به فرموده قرآن مؤمن حتی به طرف لغو هم حرکت نمی‌کند:

«وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (2)

«آنان که از لغو و سخن باطل اعراض می‌کنند.»

ص: 53

1- الإختصاص 145 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 40/98

2- سورة مبارکه مؤمنون آیه شریفه 3

البته کسانی که موفق به ترك لهو و لعب و سرگرمی های دنیوی می شوند باید مواظب دسیسه و دام های خطرناك عجب و تفاخر باشند که کمند بسیار ظریف شیطان (لعنت الله علیه) برای ایشان است. صالحینی که دل به اعمالشان خوش نموده و خود را در مقام عمل کامل فرض می نمایند، در واقع، از سوی دیگر بام اعتدال و تدین به پایین سقوط می نمایند، در روایت آمده است:

«مبادا به خاطر جدایی از آن مشغولیت ها و سرگرمی ها دچار عجب گردی.»

مؤمن باید با هوشیاری تمام همه کارهای خیر را از عطای خدای تعالی ببیند و خود را خارج از آن بداند که بتواند بدون حول و قوه الهی برای انجام اعمال صالح قدمی بردارد. روایات زیادی از ناحیه معصومین (علیهم السلام) در این باره صادر گردیده است که نمونه آن هشدار حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک اشتر (رحمة الله) است که فرمودند:

«إِيَّاكَ وَ الْإِعْجَابَ بِنَفْسِكَ.» (1)

«پرهیز از خودپسندی و اعتماد بر آنچه تو را به عجب وادار نماید. بترس از این علاقه که مردم تو را بسیار بستایند؛ زیرا این حالت از بهترین فرصت های شیطان است تا نیکی نیکوکاران را ضایع کند.»

شاید بعضی از خوانندگان تعجب کنند که جناب مالک اشتر (رحمة الله) در همه مراتب عبادی جزو خصیصین بوده است و این تذکر برای چنین شخصیتی جای سؤال است. در جواب باید گفت که رسوخ عجب در قلب افراد نیکوکار و

ص: 54

1- تحف العقول 147 - دعائم الإسلام 1/368 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 33/611؛ 74/263 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل

متقی زودتر صورت می گیرد و بهترین حربه از ناحیه شیطان (لعنت الله علیه) عجب است. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره فرمودند:

«وَأَنْذِرِ الصَّادِقِينَ أَلَّا يَعْجَبُوا بِأَعْمَالِهِمْ.» (1)

«پاکان و صالحان را بترسان تا برای اعمال خود عجب نکنند.»

امام صادق (علیه السلام) درباره حقیقت زهد می فرماید:

«با ترك دنیا در جست و جوی تمجید دیگران برای خویشتن نباشی و همچنین برای خود در ترك دنیا عوض و پاداشی نطلبی؛ بلکه از دست دادن مظاهر دنیوی را آسایش خود و وجود آن را آفت و بلا بشماری. همواره از آفت ها و بلاها گریزان باشی و به موجبات آسایش (که همانا روی گردان شدن از دنیا است) چنگ بزنی؛ زیرا زاهد کسی است که: جهان باقی را بر دنیای فانی ترجیح دهد؛ ذلت خواری را بر عزت دنیوی مقدم بشمارد؛ تلاش را بر تنبلی مقدم کند؛ گرسنگی را بر شکم بارگی ترجیح دهد؛ عافیت و آسایش جاودانه آخرت را بر محبت و شهوت های دنیای فانی برگزیند؛ یاد خداوند متعال را بر غفلت از او مقدم بدارد؛ آن گونه باشد که جسم او در دنیا زیست کند ولی قلب او در عالم آخرت سیر نماید.» (2)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) پنهان نمودن هر عمل نیکی را کمک شایانی به اخلاص مؤمن و رهایی از مهلکه بسیار خطرناک عجب و تفاخر می دانند:

«أَفْضَلُ الزُّهْدِ إِخْفَاءُ الزُّهْدِ.» (3)

ص: 55

-
- 1- الكافي (ط - الإسلامية) 2/314؛ (ط - دارالحدیث) 3/765 - الوافی 5/881 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 10/227 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/313
 - 2- بنیادهای اخلاقی و اسلامی 572 - صباح الشریعه و مفتاح الحقیقه باب سی و یکم
 - 3- نهج البلاغه حکمت 28 - نهج البلاغه (صبحی صالح) 472 - روضة الواعظین و... (ط - القدیمة) 2/434 - غررالحکم و دررالکلم 194 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 67/319؛ 75/70 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/46

«برترین زهد پنهان داشتن زهد است.»

اثر ارزنده زهد عزت و قربی است که فرد در پیشگاه خداوند متعال و مردم دارا می شود. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«أَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا يَحِبُّكَ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ)، وَأَزْهَدُ فِي مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ يَحِبُّكَ النَّاسُ.» (1)

«در دنیا زهد پیشه کن تا خدا تو را دوست بدارد و به آنچه در دست مردم است زهد پیشه کن تا مردم تو را دوست بدارند.»

پس از دل کردن از اموال، طبق فرمان معصومین (علیهم السلام)، مؤمن باید برای نجات از چنگال مرگ بار دنیا از زیاده روی در نعمت ها دست بکشد تا به سعادت برسد. زهد فقط با سرکوب دیو سرکش شهوت ممکن است:

«كَيْفَ يَصِلُ إِلَى حَقِيقَةِ الزُّهْدِ مَنْ لَمْ تُمِثْ شَهْوَتُهُ.» (2)

«کسی که شهوت خویش را نمانداده است، چگونه به حقیقت زهد می رسد؟»

با ضعیف نمودن قوای شهوانی بیرغبتی و انزجار به دنیا در وجود مؤمن پدیدار می گردد و چون چنین همتی برای سرکوبی نفس و شهوت از خود نشان داد، محبوب خداوند متعال می شود و به کمک حق تعالی پیکار با نفس برای او آسان می گردد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ.» (3)

ص: 56

1- بنیادهای اخلاقی و اسلامی 568 - محجة البيضاء 7/356 - الأمالی (طوسی (رحمة الله)) 140؛ 202 - وسائل الشیعة 9/450 -

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/51

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 383 - غرر الحکم و درر الکلم 518 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 276 * در آدرسهای دیگر لم یمت ثبت شده است.

3- نهج البلاغه خطبه 87 - نهج البلاغه (للصباحی صالح) 118 - أعلام الدین فی صفات المؤمنین 127 - بحار الأنوار (ط - بیروت)

«همانا محبوب ترین بنده نزد خدا بنده ای است که خداوند متعال او را در پیکار با نفس یاری داده است، پیراهن شهوات را از تن بیرون کرده و جز يك غم از تمام غم ها خود را رها کرده است.»

تمام هم و غم چنین اشخاصی مهیا شدن برای سفر آخرت و رسیدن به قرب الهی و لذت مناجات با خدا و معصومین (علیهم السلام) می باشد و چنین مطلبی با مبارزه با تمایل های نفسانی، که دوری از امیال دنیوی است، میسر می گردد. امام معصوم (علیه السلام) فرموده اند:

«حَارِبُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الدُّنْيَا وَ اصْرِفُوهَا عَنْهَا.» (1)

«با نفس خود بر سر دنیا بجنگید و آن را از دنیا برگردانید.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مؤمن از حلال دنیا هم فقط به مقدار ضرورت که ناچار از آن است بهره می گیرد. مانند پاره نانی که به پیکرش نیرو دهد و جامه ای که عورتش را بپوشاند. آن هم از درشت ترین خوراک و ناهموارترین لباسی که به دستش آید.» (2)

ص: 57

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 233 - غرر الحکم و درر الکلم 352 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 242

2- اصول کافی ج 3 باب نکوهش دنیا و زهد در دنیا ح 23

تغذیه باعث تقویت قوای شهوانی می‌گردد. برای درهم شکستن بنیه این غریزه، که مایه اصلی آن طعام است، باید استفاده از خوردنی‌ها را به حداقل رساند. در کتاب "تطهیر روح" در مذمت پرخوری و مزایای بیشمار کم‌خوری مفصلاً بحث گردیده است. ما در این مجموعه برای تشریح این مسئله به چند روایت بسنده می‌کنیم. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«إِيَاكُمْ وَالْبِطْنَةَ فَإِنَّهَا مُسَدَّةٌ لِلْبَدَنِ وَ مَوْرَثَةٌ لِلْسَّقَمِ وَ مُكْسِلَةٌ لِلْعِبَادَةِ.» (1)

«پرهیزید از پرخوری؛ زیرا موجب فساد بدن و سوء هاضمه و باعث انواع بیماری‌ها و عامل کسالت بدن در اجرای عبادات الهی خواهد بود.»

نیز فرمودند:

«الْمَعِدَةُ بَيْتُ كُلِّ دَاءٍ وَ الْحَمِيَةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ فَأَعْطِ نَفْسَكَ مَا عَوَّدَتْهَا.» (2)

«معه خانه هر دردی است و پرهیز بنیان هر داروی شفابخش است. پس به خودت آن چیزی را ببخش که تو را به سلامت برساند.»

پیامبر خدا، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، فرمودند:

«هیچ عملی نزد خدا محبوب‌تر از گرسنگی و تشنگی نیست.»

همچنین فرمودند:

«ارزشمندترین شما نزد خداوند متعال در قیامت کسانی هستند که

ص: 59

1- مستدرک الوسائل 16/210 - طب النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) 5 - الدعوات (للراوندي) 74 - بحار الأنوار (ط - بيروت)

63/338 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 16/210

2- طب النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) 19 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 59/290 - کتاب روزه درمان بیماریهای روح و جسم 12

گرسنگی بیشتری کشیده و درباره خداوند متعال بیشتر تفکر نموده اند.» (1)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«آیا شما را آگاه نکنم به چیزی که اگر شما آن را انجام دهید شیطان از شما همچون فاصله مشرق از مغرب دور می شود؟»

اصحاب عرض کردند که بلی یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم). حضرت فرمودند:

«روزه صورت شیطان را سیاه می کند. صدقه کمرش را می شکنند. دوستی در راه خدا و عمل صالح نسلش را می بُرد. طلب آمرزش رگش را قطع می گرداند.» (2)

همین طور فرمودند:

«با گرسنگی و تشنگی به مجاهده با نفس خود برخیزید؛ زیرا پاداش آن برابر با جهاد در راه خداست.»

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در اهمیت روزه داری فرمودند:

«مَنْ صَامَ يَوْمًا تَطَوُّعًا فَلَوْ أُعْطِيَ مِلْءَ الْأَرْضِ ذَهَبًا مَا وَفَّى أَجْرَهُ دُونَ يَوْمِ الْحِسَابِ.» (3)

«اگر کسی يك روز روزه مستحبی بگیرد، اگر زمین را پر از طلا نموده و به او بدهند حق او را ادا نکرده اند و اجر او را نداده اند. حق چنین کسی فقط در روز قیامت ادا می گردد.»

همچنین در شب معراج به پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) وحی شد:

«يَا أَحْمَدَ (صلی الله علیه و آله و سلم) لَوْ ذُقْتَ حَلَاوَةَ الْجُوعِ وَ الصَّمْتِ وَ الْخَلْوَةِ وَ مَا وَرَثُوا مِنْهَا.» (4)

ص: 60

1- تفسیر جامع 1/420

2- سفینه البحار کلمه صوم

3- معانی الأخبار 409 - وسائل الشیعة 10/404 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 93/252

4- روزه درمان بیماریهای روح و جسم 84 - إرشاد القلوب إلى الصواب (دیلمی) 1/200 - الوافی 26/142 - بحار الأنوار (ط - بیروت)

74/22 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 16/219

«ای احمد، چه خوب است مزه شیرین گرسنگی و سکوت و لذت خلوت و آثاری که بر آن مترتب است را بچشی.»

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض نمود که خدایا فایده گرسنگی چیست؟ خطاب رسید:

«حکمت و حفظ دل و روح و تقرب به من.»

پرخوری که چیزی زیان بارتر از آن برای تاریکی قلب و دورشدن از مناجات، و از آن مهم تر، قرب الهی وجود ندارد، زمینه ساز همه پلیدی ها و سرکشی هاست. مضاعف بر این که پرخوری خرابی جسم را نیز به دنبال خواهد داشت و صاحب خود را به انواع بیماری های جسمی و به تبع آن روحی دچار خواهد نمود. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) راجع به تاریکی قلب فرمودند:

«مَنْ تَعَوَّدَ كَثْرَةَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ قَسَا قَلْبُهُ.» (1)

«کسی که عادت به پرخوری داشته باشد زیاد می نوشد و قلب او سیاه می گردد.»

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیث دیگری فرمودند:

«لَا تُمِيتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ فَإِنَّ الْقُلُوبَ تَمُوتُ كَالزَّرْعِ إِذَا أَكْثَرَ عَلَيْهِ الْمَاءُ.» (2)

«قلبتان را مثل زراعتی که هرگاه آبش از حد فزون یابد خراب شود با زیاد خوردن و نوشیدن نکشید.»

ص: 61

1- طب النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) 23 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 59/293 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 16/213؛

2- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 16/210 - روزه درمان بیماریهای روح و جسم 85 - شرح نهج البلاغه 19/187

پس از آگاهی از مذمت پرخوری و اهمیت روزه نوبت به مهار غرائز جنسی می رسد؛ چراکه سیره اهل ایمان نیز چنین است:

«الرَّجُلُ كُلُّ الرَّجُلِ، نِعَمَ الرَّجُلِ - هُوَ الَّذِي جَعَلَ هَوَاهُ تَبَعًا لِأَمْرِ اللَّهِ.» (1)

«مؤمن واقعی و مرد به کمال رسیده و شایسته کسی است که هوای نفس خود را پیرو اوامر الهی قرار دهد و غرائز خویش را طبق رضای خداوند متعال ارضا نماید.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عِلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا... وَقِلَّةُ الْمُرَاقَبَةِ لِلنِّسَاءِ أَوْ قَالَ قِلَّةُ الْمَوَاتَةِ لِلنِّسَاءِ.» (2)

«برای اهل دین علاماتی است؛ از جمله این که کمتر به دنبال زنان هستند یا کم تر با زنان نزدیکی می کنند.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«إِيَّاكَ وَكَثْرَةَ الْوَلَهِ بِالنِّسَاءِ وَ الْإِعْرَاءَ بِلَذَاتِ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْوَلَهَ بِالنِّسَاءِ مُمْتَحَنٌ وَ الْغَرَى بِاللذَّاتِ مُمْتَهَنٌ.» (3)

«از دل دادگی زیاد به زنان و فریب لذت های دنیا بپرهیزید؛ زیرا دل دادگی فراوان به زنان پر از رنج و مشقت است. همچنین در

ص: 62

-
- 1- التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري (علیه السلام) 55 - الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسی) 2/321 - مجموعة ورام 2/100 - وسائل الشيعة 8/318 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 2/85 - كتاب روايات تربيتي از مكتب اهل البيت (عليهم السلام) 288
 - 2- الكافي (ط - الإسلامية) 2/239؛ (ط - دارالحدیث) 3/607 - الوافي 4/165 - البرهان في تفسير القرآن 3/254 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 66/364
 - 3- غرر الحكم و درر الكلم 172 - تصنيف غرر الحكم و درر الكلم 408 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 14/159 - جامع أحاديث الشيعة (بروجردی (رحمة الله)) 25/116

پی لذت های دنیا رفتن بی چارگی و خواری در پی خواهد داشت.»

پیامد اصلی زیاده روی در این امور، از بین رفتن شیرینی ایمان است؛ زیرا پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«مَنْ كَانَ أَكْثَرَ هَمَّهُ نَيْلَ الشَّهَوَاتِ نَزَعَ مِنْ قَلْبِهِ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ.» (1)

«کسی که بیشترین همش میل به شهوات است حلاوت ایمان از دلش کنده می شود.»

چون ایمان از میان رفت تقوای الهی نخواهد ماند؛ زیرا تقوا فاسد نمی شود، مگر با غلبه شهوت بر انسان. (2)

بنابراین هر محبی باید برای به تأیید رساندن ایمان خود لباس زیبای تقوا را بر تن نماید. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَ لِيَتَجَلَّبِبِ الْوَرَعَ.» (3)

«کسی که ما را دوست دارد باید به عمل ما عمل کند و ورع را لباس خود قرار دهد.»

فرموده اند:

«مَنْ مَلَكَ شَهْوَتُهُ كَانَ تَقِيًّا.» (4)

«کسی که مالک شهوت خود است پرهیزکار خواهد بود.»

با این قاعده، بندگی و نزدیکی به حق تعالی با زیاده روی در دنیا و دل دادگی به آن مغایرت دارد:

ص: 63

1- مجموعه ورام 2/116

2- کتاب اسرار موفقیت 335

3- عیون الحکم و المواعظ (لیثی) 456 - غرر الحکم و درر الکلم 618 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 117 - شرح آقا جمال

خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم 5/303 - اسرار موفقیت 408

4- عیون الحکم و المواعظ (لیثی) 455 - غرر الحکم و درر الکلم 607 - تصنیف غرر الحکم 274

«إِيَاكُمْ وَغَلَبَةَ الشَّهَوَاتِ عَلَى قُلُوبِكُمْ فَإِنَّ بَدَايَتَهَا مَلَكَةٌ وَنَهَايَتَهَا هَلَكَةٌ.» (1)

«بپرهیزید از این که شهوت ها در دل های شما رخنه کند که اولش در اختیار شماسست و آخرش تباهی و هلاکت است.»

بهترین مددکار انسان در مبارزه با این مسئله عقل است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«الْعَاقِلُ مَنْ أَمَاتَ شَهْوَتَهُ.» (2)

«عاقل کسی است که شهوتش را بمیراند.»

در مذمت غوطه ورشدن در مسائل جنسی به چند حدیث از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) توجه فرمایید:

«مَا تَرَكَتُ بَعْدِي فِتْنَةً أَضَرَّ عَلَى الرَّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ.» (3)

«برای مردم گرفتاری و فتنه ای پس از درگذشت من پیش نمی آید که زیان آورتر از زنان باشد.»

«ما من صباح الا و ملكان يناديان ويل للرجال من النساء وويل للنساء من الرجال.» (4)

«هر روز صبح دو فرشته با آواز بلند می گویند که وای بر مردان از طرف زن ها و وای بر زنان را از طرف مردها.»

ص: 64

1- عیون الحکم و المواعظ (لیثی) 101 - غرر الحکم و درر الکلم 175 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 305

2- عیون الحکم و المواعظ (لیثی) 45 - غرر الحکم و درر الکلم 64 - مجموعه ورام 2/107

3- شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم)) 332 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل

14/306 - جامع احادیث الشیعة (للبروجردی) 25/544 - کتاب زناشویی از نظر قرآن مجید و احادیث مسلم 8/89

4- زناشویی از نظر قرآن مجید و احادیث 25

«مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي فِتْنَةَ أَحْوَفَ عَلَيْهَا مِنَ النَّسَاءِ وَالْحَمْرِ.» (1)

«آنچه بیش از هر چیزی برای شما می ترسم دو چیز است: زن ها و شراب.»

یکی از اهداف مهم خلقت امتحان در برابر ثروت و زن و اولاد است. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره فرمودند:

«إِنَّ الدُّنْيَا حُلْوَةٌ خَصِرَةٌ وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا فَنَاطِرُوا كَيْفَ تَعْمَلُونَ.» (2)

«دنیا جالب و سبز و شیرین است و خداوند متعال شماها را قرار داده است که در این دنیا زندگی کنید و منتظر است تا ببیند که چگونه زندگی خود را به پایان می رسانید: آیا فریفته جلوه های فریبنده دنیا می شوید یا نه.»

بخش عمده دوری از دنیا اجتناب از دل دادگی به مقام و مال و زنان است. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«مَا لِإِبْلِيسَ (لعنت الله عليه) جُنْدٌ أَعْظَمُ مِنَ النَّسَاءِ وَالْغَضَبِ.» (3)

«برای ابلیس سپاهی قوی تر از زنان و غضب نیست.»

بهترین راه پیش گیری از وسوس شیطانی استفاده حلال از قوای جنسی به قدر ضرورت است. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«إِنَّ الْمَرْأَةَ تُقْبِلُ فِي صُورَةِ شَيْطَانٍ وَتُدْبِرُ فِي صُورَةِ شَيْطَانٍ فَإِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ امْرَأَةً»

ص: 65

1- نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)) 694

2- کتاب زناشوئی از نظر قرآن مجید و احادیث 26 - جامع الأخبار (لشعیری) 109 - مجموعه ورام 1/129 - عوالی اللئالی العزیزية

فی الأحادیث الدینیة 1/371 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/353 - نهج الفصاحة 277

3- الکافی (ط - الإسلامیة) 5/515؛ (ط - دارالحدیث) 11/183 - الوافی 22/805 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله

علیه و آله و سلم) 20/331

فَأَعَجَبْتُهُ فُلْيَاتٍ أَهْلَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ يَرُدُّ مَا فِي نَفْسِهِ.» (1)

«زن چون پیش آید مانند شیطان است و چون پشت کند مثل شیطان خواهد بود. پس هنگامی که با زنی برخورد کردید که قلوب شما را به خود جلب نمود، به سوی زن های خودتان بروید. این درمانِ مرضِ نفس و برطرف کننده خیال فاسد شماست.»

غرائز شهوانی از نیازهای بشر و جزو طبیعت انسان است. به ناچار برای دفع هجوم غریزه جنسی و دوری از وسوسه و افکار فاسد باید از راه حلال عمل نمود. یکی از مراحل دنیای ممدوح رفع غرائز بر اساس ضرورت است. در روایات لذت حلال را «التمتع بالنساء» ذکر فرموده اند. امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«لَهُوَ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ التَّمَتُّعُ بِالنِّسَاءِ وَ مُفَاكَهَةُ الْإِخْوَانِ وَ الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ.» (2)

«انس لذت بخش مردان با ایمان سه چیز است: بهره مندی از زنان؛ شرکت در جمع دوستان و برادران دینی؛ خلوت با خداوند متعال در نماز نیمه شب.»

راه حل بهره بردای صحیح از دنیای ممدوح به این صورت است:

«كُلُّ لَهْوِ الْمُؤْمِنِ بَاطِلٌ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ فِي تَأْدِيبِهِ الْفَرَسَ وَ رَمِيهِ عَنْ قَوْسِهِ وَ مُلَاعَبَتِهِ امْرَأَتَهُ فَإِنَّهُنَّ حَقٌّ.» (3)

ص: 66

-
- 1- البيان و تعريف 1/216,360 - نهج الفصاحة (مجموعه كلمات قصار حضرت رسول (صلى الله عليه و آله و سلم)) 320
 - 2- روایات تربیتی از مکتب اهل البيت (علیهم السلام) 130 - سفینه البحار 2/519 - الخصال 1/161؛ 2/660 - وسائل الشیعة 21/14 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 73/59؛ 100/299 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 13/258
 - 3- الکافی (ط - الإسلامیة) 5/50؛ (ط - دارالحديث) 9/469 - الوافی 15/150 - وسائل الشیعة 11/493 - وسائل الشیعة 15/140؛ 19/251؛ 20/119 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه و آله و سلم) 18/390 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 61/216 - جواهر الحکم 103 - عقدا الفرید [عامه]

«همه بازی‌ها باطل هستند، جز سه بازی: تربیت اسب؛ تیراندازی؛ بازی با همسر.»

طبع انسان و ساختار وجودی او طالب کام‌یابی از دنیاست. مؤمن باید با احتیاط مهار نفس خود را در اختیار گرفته و برای تمتع از لذت‌های حلال گام‌های آرامی بردارد. امام رضا (علیه السلام) در اهمیت برقراری تعادل برای استفاده از لذت‌های حلال می‌فرماید:

«اجْعَلُوا لِأَنْفُسِكُمْ حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا بِإِعْطَائِهَا مَا تَشْتَهِي مِنَ الْحَلَالِ وَ مَا لَمْ يَنْلِ الْمُرُوءَةَ وَ لَا سَرْفَ فِيهِ وَ اسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ.» (1)

«از لذت‌دنیوی نصیبی برای کام‌یابی خویش قرار دهید و خواسته‌های دل را از راه‌های مشروع برآورید؛ اما در این کار به مردانگی و شرافت تان آسیب نرسد و دچار اسراف و تندروی نگردید. پس از لذت‌های مشروع کمک بگیرید تا در کارهای دینی خویش موفق گردید.»

دوری از حب ریاست

پس از عبور از دام بزرگ شیطان (لعنت الله علیه) که حب زنان می‌باشد، دامی بس خطرناک به نام «حب ریاست» وجود دارد که یکی از شاخه‌های شش‌گانه درخت زهراگین دنیاست. ائمه معصومین (علیهم السلام) به شدت مؤمنان را از علاقه و تمایل به آن، به جهت اهمیت گسترده فساد آن در دل، نهی فرموده‌اند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

ص: 67

1- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (عليه السلام) 337 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 75/346 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل

«مَنْ طَلَبَ الرَّئَاسَةَ هَلَكَ.» (1)

«هر که جویای ریاست شد هلاک می گردد.»

البته میزان جاه طلبی منوط به وابستگی و محبت شخص به دنیاست. به طور معمول آثار ریاست و شهرت در وجود دنیاطلبان نمایان است؛ چراکه برای رسیدن به مقام، حلال و حرام را نادیده انگاشته و با تمام توان همه موانع را از جلوی راه خود برمی دارند تا نفس شان را با رسیدن به آن ارضا کنند. هوای ریاست از دل آن ها بیرون نمی رود تا به مقصود خود برسند. آنان برای رسیدن به قدرت ظلم های بیشماری انجام می دهند و به این وسیله اظهار برتری می نمایند و خود را با هر زحتمی که باشد به تخت ریاست می رسانند. امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) فرمودند:

«مَا ذُبَّانِ ضَارِيَانِ فِي غَنَمٍ قَدْ تَفَرَّقَ رِعَاؤُهَا بِأَصْرٍ فِي دِينِ الْمُسْلِمِ مِنَ الرَّئَاسَةِ.» (2)

«زیان ریاست طلبی به دین مسلمان بیشتر از حمله دو گریگ درنده به گله گوسفند بدون چوپان است.»

البته در تاریخ اسلام حاکمانی مثل جناب سلمان (رحمة الله) یا مالک اشتر (رحمة الله) بوده اند که بر اثر تربیت نفس خویش تحت نظر امام خویش به درجه ای از کمالات نفسانی رسیده بودند که آتش ریاست و دیگر غرائز نفسانی در وجود آن ها خاموش گشته بود. امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

ص: 68

-
- 1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/297؛ (ط - دارالحدیث) 3/727 - الوافی 5/843 - وسائل الشیعة 15/350؛ 17/190 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 10/246؛ 70/150؛ 75/320 - وظائف شیعه بودن 50
- 2- وظائف شیعه بودن 50 - اصول کافی 2/297 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/297 - الوافی 5/843 - وسائل الشیعة 15/350 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/145

«مَنْ طَلَبَ الرِّئَاسَةَ لِنَفْسِهِ هَلَكَ فَإِنَّ الرِّئَاسَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا.» (1)

«هرکس در پی ریاست باشد هلاک می شود؛ زیرا ریاست فقط برای اهل آن سزاوار است.»

با این حال باید به ریاست رغبتی نشان نداد و حب جاه طلبی را از دل بیرون نمود. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ أَحَبَّ رِفْعَةً فِي الآخِرَةِ فَلْيَمُتْ فِي الدُّنْيَا الرِّفْعَةَ.» (2)

«هرکس بزرگی آخرت را دوست دارد باید جاه طلبی دنیا را دشمن بدارد.» (3)

دوستی با مرگ

پس از مهار شکم و شهوت و حب ریاست، شعله خانمان سوز حرص و ولع به دین مؤمن حمله می کند. بهترین حربه در برابر تهاجم حرص و طمع در مال اندوزی انزجار از دنیا است. راه محفوظ ماندن از آسیب های شیطانی و دوری از تعلقات پناهگاهی به نام «مرگ» است. امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«أَكْثَرُ ذِكْرِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ لَمْ يَكُنْ إِسْآنٌ ذَكَرَ الْمَوْتِ إِلَّا زَهَدَ فِي الدُّنْيَا.» (4)

«زیاد به یاد مرگ باش؛ زیرا هر انسانی که بسیار مرگ را یاد کند به دنیا بی رغبت می شود.»

آری، باید مرگ را دوستی بسیار شفیق و مهربان پنداشت که همیشه مؤمن

ص: 69

1- الکافی (ط - الإسلامية) 1/47 - الإختصاص 251 - الوافی 1/214 - بحار الأنوار (بیروت) 2/38؛ 2/110؛ 2/308؛ 70/154 - مستدرک الوسائل 11/381؛ 11/383؛ 17/243

2- عیون الحکم و المواعظ 458 - غرر الحکم و درر الکلم 643 - تصنیف غرر الحکم 138

3- خوانندگان محترم در مورد احادیث و مطالب حب ریاست می توانند به کتاب علم و ریاست از همین مولف مراجعه بفرمایند.

4- الکافی (ط - الإسلامية) 2/131؛ (ط - دارالحدیث) 3/340 - مجموعة ورام 2/193 - الوافی 4/393 - وسائل الشیعة 2/434 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 8/285 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/64؛ 79/172

را با ترس از عذاب و شوق به بهشت، از زشتی ها دور می کند و به طرف انجام اعمال نیک سوق می دهد. امام رضا (علیه السلام) در اهمیت یاد مرگ فرموده اند:

«یاد مرگ برترین عبادت است.» (1)

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

«ذِكْرُ الْمَوْتِ يَمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ.» (2)

«یاد مرگ شهوات را در باطن انسان می میراند.»

یاد مرگ ریشه های غفلت را می خشکاند و دل را به وعده های الهی تقویت می کند. یاد مرگ به طبیعت و خوی آدمی نرمی و رقت می بخشد و تهاجم هواپرستی را در هم می شکند. یاد مرگ آتش حرص و ولع را فرومی نشاند و دنیا را در نظر آدمی پست می سازد. امام (علیه السلام) درباره فکر به مرگ و عواقب آن در برزخ و قیامت می فرمایند:

«فِكْرُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ.» (3)

«یک ساعت تفکر از یک سال عبادت برتر است.»

چون یاد مرگ زیاد گردد، وحشت و انزجار از وی کم می شود. آن گاه مرگ در دیدگاه مؤمن همانند کشتی امنی برای رسیدن به ساحل همیشه امن آسایش الهی است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده اند:

«وَإِنْ أَحَبَّ مَا أَنَا لَأَقِي إِلَى الْمَوْتِ.» (4)

«به درستی که محبوب ترین چیزها نزد من، که خواهان رسیدن به آن

ص: 70

1- بحار الأنوار 75/347

2- بحار الأنوار (ط - بیروت) 6/133 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 2/105 - مصباح الشریعة 171

3- مصباح الشریعة 171 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 6/133؛ 68/325 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 2/105؛ 11/184؛ 11/185

4- نهج البلاغة (للصباحی صالح) 259 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 34/86

هستم، مرگ است.»

متأسفانه همه مردم، حتی اهل دین از مرگ وحشت زده هستند و به همین سبب از آن می‌گریزند و به آغوشِ به ظاهر مهربان دنیا پناه می‌برند. در صورتی که آغوش دنیا یعنی هلاکت کامل. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«مهیای سفر شوید. بدانید که مرگ به شما چشم دوخته است.» (1)

مؤمن عاقل همیشه خود را آماده پذیرایی این دوست مهربان می‌نماید. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند:

«أَلَا مُسْتَيِّظٌ مِنْ غَفْلَتِهِ قَبْلَ نَفَادِ مُدَّتِهِ.» (2)

«انسان هوشیاری نیست که پیش از پایان عمرش سر از خواب غفلت بردارد؟»

مؤمن به دلیل خالی نمودن دل از حب دنیا به مرگ تمایل پیدا می‌کند. روزی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آیه ای (3) را تلاوت نمودند. شخصی پرسید که شرح صدر چگونه است؟ حضرت فرمود:

«چون نور الهی در دل مؤمن بتابد دلش وسعت می‌یابد و روشن می‌گردد.»

راوی سؤال کرد که علامت آن چیست؟ حضرت فرمودند:

«از دنیا و سرای غرور دل برکند و پیش از آن که مرگ او برسد به عالم آخرت و مرگ تمایل پیدا کند.» (4)

بنابراین مؤمن قبل از این که بمیرد، به دلیل تمایزش به آخرت و مرگ به

ص: 71

1- نهج البلاغه خطبه 172

2- غرر الحکم و درر الکلم 176 - تصنیف غرر الحکم 146

3- سورة مبارکه زمر آیه شریفه 22

4- تفسیر جامع 6/73

علت بی رغبتی به دنیا می میرد. فرموده اند:

«مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا.» (1)

«قبل از این که قبض روح شوید بمیرید.»

نحوه استفاده از دنیا برای شخصی که فکر و ذکرش سفر مرگ است مانند مرده ای است که بر حسب ضرورت باید کفنی برای پوشش و سکنا در قبر داشته باشد. مضاف بر این که چنین شخصی همیشه برای اتصال با دوست واقعی خود چشم به راه نشسته است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«بَادِرُوا الْعَمَلَ وَ أَكْذِبُوا الْأَمَلَ وَ لَا حِطُّوا الْأَجَلَ.» (2)

«عمل کنید. آرزو را فراموش کنید. همیشه دیده به راه مرگ داشته باشید.»

مؤمن طوری در انتظار مرگ به سر می برد که اگر هر آن فرشته مرگ به سراغش آمد، آمادگی استقبال از او را خواهد داشت. امام حسن عسکری (علیه السلام) درباره چنین افرادی فرموده اند:

«شیعیان حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) کسانی هستند که در راه خدا هیچ باکی از این ندارند که مرگ به سراغ آن ها بیاید یا این که در دام مرگ قرار بگیرند.» (3)

یکی از عقلا می فرمود که سال هاست همانند مسافرینی که در اتوبان به دنبال اتوبوس ها می دوند تا شاید زود برسند، من نیز به دنبال مرگ می دوم.

هر چقدر یاد مرگ و انس با آن زیاد گردد، انزجار مؤمن از دنیا بیشتر

ص: 72

-
- 1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/140؛ (ط - دارالحدیث) 3/361؛ 15/66 - الوافی 4/411 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 8/329؛ 25/45 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 66/317؛ 69/59
 - 2- عیون الحکم و المواعظ للشی 191 - غرر الحکم و درر الکلم 307 - تصنیف غرر الحکم 152
 - 3- القطره 1/703 - تفسیر منسوب به حضرت امام عسکری (علیه السلام) 7/316 - بحار الأنوار 68/160

می شود. یکی از راه های دل کندن از دنیا و رفاقت با مرگ، به یاد آوردن صحنه هایی است که از عواقب و مراحل مرگ حکایت می کنند. در زمان های گذشته بعضی از مؤمنان برای تقویت این اعتقاد، قبری را برای خود حفر می نمودند و هر روز یا هفته ای يك بار در آن محل، دقایقی می خوابیدند و به تلاوت قرآن مجید و نماز مشغول می شدند و این چنین با مرگ انس پیدا می کردند. در روایت آمده است که امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«هنگامی که جنازه ای را حمل می کنی، فرض بر آن دار که تو مرده ای و این جنازه توست که حمل می شود و گویا پس از مرگ از خدا خواسته ای که به دنیا بازگردد و خداوند متعال هم درخواست تو را اجابت فرموده است. پس بنگر که از امروز چگونه در اعمال خویش تجدید نظر خواهی کرد.» (1)

یکی دیگر از صحنه هایی که باعث بازدارندگی نفس از تعلقات می گردد رفتن به گورستان است. خداوند به حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود:

«ای عیسی (علیه السلام)، از چشمانت اشک و از دلت خشوع را به من ببخش و در آن هنگام که غافلان می خندند، تو سرمه اندوه در چشمت بکش و بر قبور مردگان بایست و با صدای بلند خطاب کن که من هم همانند بقیه به آن ها می پیوندم.» (2)

مؤمن برای رفاقت بیشتر با مرگ، با مفارقت از فریبندگی های دنیا آمادگی خود را اعلام می دارد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«برای مرگ آماده باشید! اگر از آن فرار کنید شما را می یابد و اگر بر جای خود بمانید شما را می گیرد و اگر فراموش کنید شما را از یاد

ص: 73

1- کافی 3/258

2- صفات علامات متقین 1/417 - بحار الانوار 72/18 ح 2

البته باید در لحظه مفارقت روح از بدن ترسید؛ چراکه این ترس بهترین نعمت خدا برای مؤمن است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«پسرم، از مرگ بترس! نکند زمانی سراغ تو را بگیرد که در حال گناه یا در انتظار توبه کردن باشی و مرگ مهلت ندهد و بین تو و توبه فاصله بیاندازد که در این حال خود را تباہ کرده ای. ای پسرم، فراوان به یاد مرگ باش و به یاد عواقب بعد از مرگ که به سویش می روی فکر کن تا هنگام ملاقات با مرگ از هر نظر آماده باشی. نیروی خود را افزون و کمر همت را بسته نگهدار که مرگ ناگهان نیاید و تو را مغلوب سازد.»

(1)

همچنین فرمودند:

«ای بندگان خدا، از مرگ و نزدیک بودنش بترسید و آمادگی های لازم را برای مرگ فراهم سازید؛ زیرا مرگ جریانی بزرگ و مشکلی سنگین به همراه خواهد داشت.»

و نیز فرموده اند:

«وَهُوَ الْأَزْمُ لَكُمْ مِنْ ظِلِّكُمْ.» (2)

«مرگ از سایه شما به شما نزدیک تر است.»

اهل بیت (علیهم السلام) درباره سختی های وحشتناک لحظات پس از مرگ می فرمایند:

«مرگ سختی هایی هراس انگیز و وصف نشدنی دارد. سختی هایی که برتر از درک عقل اهل دنیا است.» (3)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه ای فرمودند:

ص: 74

1- نهج البلاغه ترجمه نامه 31

2- نهج البلاغه (للصبحی صالح) 384 - الأمالی (للمفید) 264؛ (للطوسی) 28 - مجموعه ورام 1/11 - بحار الأنوار (ط بیروت) 74/388؛ 68/264؛ 33/581؛ 33/545؛ 6/132

3- نهج البلاغه ترجمه نامه 27

«اگر آنچه را مردگان شما مشاهده کرده اند می دیدید، وحشت می کردید و سخنان حق را می شنیدید و اطاعت می کردید؛ ولی آنچه آن ها دیده اند از شما مستور است. اما به زودی پرده ها کنار می رود و شما هم مشاهده می کنید. قرآن مجید می گوید به کسی که در حال سكرات مرگ است گفته می شود که این همان چیزی است که دوستش نداشتی و از آن می گریختی.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جای دیگری چنین توصیفی را درباره مرگ فرموده اند:

«سختی جان کندن و حسرت از دست دادن دنیا به دنیاپرستان هجوم می آورد. بدن ها در سختی جان کندن سست می شود و رنگ می بازد. مرگ آرام آرام همه اندام شان را فرا می گیرد. زبان را از سخن گفتن باز می دارد. فرد در میان خانواده اش می افتد. با چشم خود می بیند و با گوش خود می شنود و با عقل درست می اندیشد که عمرش را در پی چه کارهایی تباه کرده و روزگارش را چگونه سپری کرده است. به یاد ثروت هایی که جمع کرده می افتد. همان ثروت هایی که در جمع آوری آنها چشم بر هم گذاشته و از حلال و حرام و شبهه ناك گرد آورده و اکنون گناه جمع آوری آن همه بر دوش اوست. هنگام جدایی از آن ثروت ها فرا رسیده و برای وارثان باقی مانده است تا از آن بهره مند گردند و روزگار خود را بگذرانند.»

راحتی و خوشی آن برای دیگری و کیفر آن بر دوش اوست. او در گرو این اموال است و برای واقعیت هایی که در هنگام مرگ مشاهده کرده است دست خود را می گزد. در این حالت از آنچه در زندگی دنیا به آن علاقه مند بود بی اعتنا می شود و آرزو می کند که ای کاش آن کس که در گذشته آن همه بر ثروت او رشك می برد، این اموال را جمع کرده بود.

اما مرگ همچنان بر اعضای بدن او چیره می شود تا آن که گوش او مانند زبانش از کار می افتد. پس در میان خانواده اش می افتد. نه می تواند با زبان سخن بگوید و نه با گوش بشوند. پیوسته به صورت آنان نگاه می کند و حرکات زبان شان را می نگرد؛ اما صدای کلمات آنان را نمی شنود. سپس چنگال مرگ تمام وجودش را فرامی گیرد و چشم او نیز مانند گوشش از کار می افتد و روح از بدن او خارج می شود و چون مرداری در بین خانواده خویش بر زمین می ماند که از نشستن در کنار او وحشت دارند و از او دور می شوند. نه سوگواران را یاری می کند و نه خواننده ای را پاسخ می دهد. سپس او را به سوی منزل گاهش در درون زمین می برند و به دست عملش می سپارند و برای همیشه از دیدارش چشم می پوشند.» (1)

سختی های بعد از مرگ وحشتناک تر از آن است که بتوان آن را تصور نمود. اگر انسان مانند پادشاهان زندگی کند، در برابر گرفتاری های وحشتناک شب اول قبر رنگ می بازد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«سوگند به خدا، اگر جوانی هزار سال در دنیا با کام روایی زندگی کند و از تمام خوشی ها به بهترین وجه بهره مند شود و به همه آرزوهایش برسد و حتی يك بار هم با ناراحتی ها روبه رو نگردد و هیچ وقت اندوهی در خاطرش راه نیابد، با وجود بسیاری از چیزها که در شب اول قبر با آنها روبه رو می شود سودی به او نمی رسد.» (2)

همچنین می فرمایند:

«آگاه باشید! کسی که برای آخرت آفریده شده است با دنیا چه می کند؟ آن کس که به زودی مرگ همه اموال او را می رباید و فقط کیف حساب رسی آن بر عهده اش باقی خواهد ماند با اموال دنیا چه کار

ص: 76

1- نهج البلاغه خطبه 109

2- دیوان الامام [امیرالمؤمنین] علی (علیه السلام) 584

همچنین می فرمایند:

«بندگان خدا، از روزی که اعمال و رفتار انسان و ارسی می شود بترسید. روزی که پر از تشویش و اضطراب است. روزی که کودکان در آن روز پیر می گردند. ای بندگان خدا، بدانید که از شما نگهبانانی بر شما گماشته اند و دیده بان هایی از پیکرتان برگزیده اند و حافظان راست گویی که اعمال شما را حفظ می کنند و شماره نفس های شما را می شمارند برای تان قرار داده اند. نه تاریکی شب شما را از آنان می پوشاند و نه دری محکم شما را از آن ها پنهان می سازد.»

زمخشری از علمای بزرگ عامه در کتاب "ربیع الأبرار" می نویسد که چون وقت مردن عمر بن خطاب رسید، به پسران خود گفت:

«اگر مرا روی زمین زر سرخ یا نقره می بود، همه را از وحشت آنچه می بینم فدا می کردم.» (1)

البته چنین کسی باید وحشتی مافوق وحشت دیگران داشته باشد!

بنابراین همه انسان ها، به ناچار، باید در کشتی مرگ نشسته و سفری طولانی و پرخطر را طی کنند. سفری که پایان آن به بهشت یا جهنم ختم می شود. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«الْمَوْتُ الْمَوْتُ، أَلَا وَ لَأَبَدٌ مِنَ الْمَوْتُ.» (2)

«مرگ؛ مرگ؛ آگاه باشید که هیچ چاره و گریزی از مرگ نیست.»

قرآن کریم می فرمایند:

ص: 77

1- عدة الداعی 147

2- الکافی (ط - دارالحديث) 5/634

(قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَتَّقُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ) (1)

«مرگی که از آن می‌گریزید شما را قطعاً ملاقات خواهد کرد.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند:

«مهیای سفر شوید... بدانید که مرگ به شما چشم دوخته است.» (2)

انسان با غفلت از مرگ، در عمل، ملاقات با آن را منکر می‌شود و چیزی شبیه شك برایش رخ می‌دهد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقِينًا لَا شَكَّ فِيهِ أَشْبَهَ بِشَكِّ لَا يَقِينَ فِيهِ مِنَ الْمَوْتِ.» (3)

«خداوند عزوجل یقینی آفریده است که در آن هیچ شك و تردیدی وجود ندارد؛ ولی در عین حال شبیه ترین چیزها به شکی است که یقینی در آن نیست و آن مرگ است.»

متأسفانه انسان آن چنان در امور مادی غرق می‌شود که انگار چیزی به نام مرگ وجود ندارد. برای همین شب را در حال اندیشیدن درباره فرداست که چگونه بتواند مال بیشتری جمع آوری کند. در صورتی که هیچ اعتباری به فردا نیست. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند:

«مَا أَنْزَلَ الْمَوْتَ حَقَّ مُنْزَلَتِهِ مَنْ عَدَّ عَدًّا مِنْ أَجَلِهِ.» (4)

«کسی که فردا را در عمر خویش به حساب آورد (یعنی فکر کند فردا زنده ام) مرگ را در مقام و موقعیت واقعی اش نشناخته است.»

ص: 78

1- سورة مبارکه جمعه آیه شریفه 8

2- نهج البلاغه خطبه 172

3- تحف العقول 364 - من لا يحضره الفقيه 1/194 - الخصال 1/14 - الأمالی (للمفيد) 309؛ 376 - الوافی 24/191 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 6/127؛ 75/246 - بنیادهای اخلاقی و اسلامی 643

4- الزهد 81 - الکافی (ط - الإسلامية) 3/259؛ (ط - دارالحدیث) 5/636 - الأمالی (للمصدق) 108 - الوافی 24/190 - وسائل الشیعة 2/437 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 1/236 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 14/258 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 6/130؛ 70/166؛ 79/171 - تفسیر نور الثقلین 3/3 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 7/102 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 2/110

همیشه انسان های دنیا طلب از یاد مرگ گریزان بوده اند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«دو چیز را انسان ناپسند می دارد: مرگ و حال این که مرگ راحتی مؤمن از فتنه است؛ فقر و حال این که فقر حساب را آسان می سازد.»
[\(1\)](#)

بهترین سپر در برابر دنیا دوستی، چه در بُعد مال و چه در شهوت، یاد مرگ است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«وَمَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْيَسِيرِ.» [\(2\)](#)

«کسی که زیاد در یاد مرگ باشد از حرص و فزون طلبی رهایی می یابد و به مقدار کمی از آنچه در زندگی نیاز دارد راضی می گردد.»

همچنین پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند:

«زیاد در یاد نابودکننده لذت ها باشید.»

عرض شد که یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، آن چیست؟ حضرت فرمودند: «مرگ! آن کس که از مرگ یاد کند، اگر در وسعت و گشایش زندگی باشد غرورش برطرف می گردد و دنیا برایش بی ارزش می شود. اگر هم در تنگ دستی باشد، با یاد مرگ، از فشار و سختی های دنیا رهایی می یابد و دنیا به نظرش وسیع و گسترده می شود.» [\(3\)](#)

همچنین می فرمایند:

«لَوْ رَأَى الْعَبْدُ أَجَلَهِ وَسُرْعَتَهُ إِلَيْهِ أَبْغَضَ الْأَمَلَ وَتَرَكَ طَلَبَ الدُّنْيَا.» [\(4\)](#)

ص: 79

1- بحار الانوار 69/39

2- نهج البلاغه (للصباحی صالح) 536 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/267 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 440 - تصنیف غرر الحکم 146

3- بحار الانوار 3/128

4- بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/95 - وظائف شیعه بودن 30

«اگر انسان مرگ را می دید که با چه سرعتی به سوی او در حرکت است، با خواسته های خود دشمنی می کرد و دنیاطلبی را ترک می نمود.»

امام حسین (علیه السلام) می فرماید:

«يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّمَا أَنْتَ أَيَّامٌ كَلَّمَا مَضَى يَوْمٌ ذَهَبَ بَعْضُكَ.» (1)

«ای فرزند آدم، تو به منزله چند روز هستی. وقتی که یک روز از این روزها سپری گردید مانند این است که پاره ای از اجزاء بدن تو کاسته گردیده است. به همین ترتیب نیز کم کم از عمر و مدت زندگانی تو کاسته می شود.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده اند:

«نَفْسُ الْمَرْءِ خُطَاةٌ إِلَى أَجَلِهِ.» (2)

«نفس کشیدن مرد قدم برداشتن او به سوی مرگ خود است.»

هرکس، برخلاف فرمایش امام معصوم (علیه السلام)، عواقب مرگ را باور نداشته باشد و دل به دنیا ببندد، باید بداند که امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ كَثُرَ اشْتِيَاقُهُ بِالدُّنْيَا كَانَ أَشَدَّ لِحَسْرَتِهِ عِنْدَ فِرَاقِهَا.» (3)

«کسی که علاقه اش به دنیا زیاد باشد، حسرت و اندوهش هنگام مرگ افزون خواهد بود.»

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«اگر حالت طوری است که فرارسیدن مرگ را دوست داری، خدا را شکر کن که تو را موفق داشته و تو را از توجه به غیر خودش باز داشته

ص: 80

1- ارشاد القلوب 1/40

2- غررالحکم 165 - نهج البلاغة (للصبيحی صالح) 713 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/128

3- اصول کافی 2/320 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/320؛ (ط - دارالحدیث) 3/777 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 272 - الوافی

5/897 - وسائل الشیعة 16/20 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 10/245 - بحار الأنوار (ط -

بیروت) 69/54؛ 70/19

است. اما اگر حالت دیگری داری با تصمیمی محکم از این حالت حرکت کن و از این که عمرت در غفلت صرف شده است پشیمان باش و از خداوند متعال برای پاک کردن ظاهرت از گناهان و پاکیزه نمودن باطنت از نواقص و عیب ها تشکر کن. دنباله مسامحه و ادامه غفلت را قطع کن و آتش و شعله شهوات را در درون خود خاموش نما.» (1)

هرچقدر در محبت دنیا فرو رفته باشیم، به همان اندازه، پذیرش مرگ و حتی یاد آن سخت تر خواهد بود. غوطه ور شدن در دنیا چون با آخرت منافات دارد، باعث وحشت و نگرانی شدید از مرگ می شود. مرگ و دنیا با یک دیگر نسبت عکس دارند. قرب به هر کدام باعث دوری از دیگری می شود. مؤمن می داند که زندگی پس از مرگ وجود دارد و در جریان است. بنابراین مرگ را نصب العین خود قرار می دهد و از دنیا غمض العین می نماید. شخصی از امام حسن (علیه السلام) سؤال کرد که چه چیزی باعث شده است که ما مرگ را دوست نداشته باشیم؟ امام (علیه السلام) در جواب فرمودند:

«إِنَّكُمْ أَخْرَيْتُمْ آخِرَتَكُمْ وَعَمَرْتُمْ دُنْيَاكُمْ فَاتُّمَّ تَكْرَهُونَ الثَّقَلَةَ مِنَ الْعُمْرَانِ إِلَى الْخَرَابِ.» (2)

«شما آخرت خودتان را خراب و دنیای خویش را آباد کرده اید و در نتیجه خوش ندارید که از آبادی به ویرانه بروید.»

در حدیثی آمده است:

«إِنَّ لِلْمَوْتِ عَمْرَاتٍ هِيَ أَفْطَعُ مِنْ أَنْ تُسْتَعْرَقَ بِصِفَةٍ أَوْ تَعْتَدِلَ عَلَى عُقُولِ أَهْلِ

ص: 81

1- بحار الانوار 15/21

2- بحار الانوار (ط - بیروت) 6/129؛ 44/110 - نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین (للفیض) 310؛ 415

«مرگ سختی هایی دارد که توصیف شان ممکن نیست و اهل دنیا نمی توانند به آن پی ببرند.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ذیل آیه (یا ایها الناس اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَىْءٌ عَظِيمٌ؛ ای مردم، از پروردگار خود پروا کنید؛ چراکه زلزله رستاخیز امری هولناک است) (2) می فرماید:

«روز قیامت چنان هراس انگیز است که اطفال کوچک پیر می شوند. مردم مانند مست ها بی هوش و بی اراده می گردند. زنان باردار سقط جنین می کنند. زنان شیرده با کمال محبتی که به اطفال و کودکان خود دارند، آنان را وامی گذارند و از شیر دادن شان دست می کشند. در آن روز فرشتگان با این که گناهی مرتکب نمی شوند ترسان هستند. کوه ها پراکنده می شود. آسمان شکافته می گردد....»

وای بر کسی که با گوش، چشم، زبان، دست، پا و سایر اعضای خود مرتکب گناه شود و مشمول رحمت و بخشایش پروردگار نگردد.

چنین فردی به کیفر گناهانش به دوزخ می افتد و گرفتار آتشی می شود که حرارت آن بسیار شدید است. چون تشنگی بر آنان چیره شود از چرک و خون می آشامند و در هر لحظه عذاب جدیدی می بینند و در آن عذاب، تا ابد می مانند، در حالی که مرگ و نابودی وجود نخواهد داشت.

با این حال رحمت خداوند متعال شامل گروهی از مؤمنین و نیکان خواهد شد. آن ها را داخل بهشتی می کنند که عرض آن به مسافت فاصله بین آسمان و زمین است. آن بهشت پذیرای ورود پرهیزکاران است. لذا آن خسته کننده نیست و هرگز بدی در آن راه نمی یابد. اجتماع در آنجا به فراق منتهی نمی شود. تمام ساکنین آن در جوار

ص: 82

1- غررالحکم 247

2- سوره مبارکه حج آیه شریفه 1

رحمت پروردگارانند و حوریان بهشتی با ظروف زرین میوه و گل و ریحان برای آنان هدیه می آورند.» (1)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«يَتَوَفَّى الْمُؤْمِنُ مَغْفُورًا لَهُ ذُنُوبُهُ وَاللَّهُ جَمِيعًا.» (2)

«انسان مؤمن در حالی از دنیا می رود که تمام گناهانش بخشیده شده است.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«هنگامی که نفس شما به حلقوم می رسد، به او گفته می شود که از تمامی حزن ها و اندوه های دنیا راحت شدی و نیز به او گفته می شود که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، حضرت فاطمه (علیها السلام)، امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) در برابر تو هستند.» (3)

آری، مرگ با تمام سختی ها و عواقب وحشتناکش، برای مؤمن بهترین نعمت است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«تُحْفَةُ الْمُؤْمِنِ الْمَوْتُ.» (4)

«مرگ هدیه خداوند به هر مؤمنی است.»

اگر گناه مؤمن تا قبل از مرگ پاک نشود، با رویه روشن شدن با مرگ محو می گردد و همین مفارقت روح از بدن نیز کفاره ای برایش به حساب می آید. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«الْمَوْتُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ مُسْلِمٍ.» (5)

ص: 83

1- تفسیر جامع 4/478 - برهان 3/76 ح 1

2- المؤمن 33 - بحار الانوار 64/65

3- چرا مرا آفریدند 151 - بحار الانوار 6/184 - محاسن 1/175

4- مجموعه ورام 1/268 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 58/90؛ 79/171

5- مجموعه ورام 1/268 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 30/416؛ 79/171 - بنیادهای اخلاقی اسلامی 461

مؤمنان در هنگام وداع با دنیا از همه گناهان پاک می شوند و به دنیای ابدی وارد می گردند. پذیرایی از مرگ کلید سکونت در بهشت جاودانه خواهد بود. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«مرگ با آنچه در آن است می آید و خرمی و آسایش را به همراه خویش می آورد. مرگ بازگشتی مبارك به سوی بهشتی عالی و جاودانه را برای آنان که تمام کوشش و رغبت شان برای نیل بدان بوده است، به ارمغان می آورد.» (1)

بهشت برای کسانی خواهد بود که تمامی همت و سعی شان در دنیا در مسیر بیزاری از آن بوده و تمایل وافری به سوی جهان آخرت داشته اند. آنان برای رسیدن به مقام های وصف ناپذیر بهشتی، در زمین ایمان نهال های پربار و جاودانه ای کاشته اند که فصل برداشت آن با جدایی روح از بدن آغاز می گردد. برداشت محصول یعنی ورود به باغ های الهی که کسی را تاب شنیدن و دیدن مناظر و نعمت های بیشمار آن نیست. از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت است:

«اگر با دل خویش به نعمت های بهشتی که برایت وصف شده است نگاه کنی، جان خواهی داد و از این مجلس شتابان به قبرستان خواهی رفت. این مبالغه، از توصیف حاصل می شود، پس بین مشاهده خود آن چگونه خواهد بود!»

با این توصیفات اشتیاق به کوچ کردن به سرای باقی برای مؤمنان بیشتر می گردد. امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) نیز فرمودند:

«مرگ برای مؤمن مانند آن است که گل و ریحانی بو کند و از استشمام رایحه آن بیهوش شود. ولی برای کافر سخت و دردناک است؛ مثل کسی که گرفتار گزیدن عقرب و افعی شده باشد.» (1)

کسی به حضرت سجاد (علیه السلام) عرض کرد که مرگ چیست؟ امام سجاد (علیه السلام) در ترغیب علاقه به مرگ که رهایی از سختی ها و قید و بندهای دنیا را در پی دارد، فرمودند:

«لِلْمُؤْمِنِ كَنْزٌ ثِيَابٌ وَسِحَّةٌ قَمَلَةٌ وَفَلْكَ فُيُودٍ وَأَعْلَالٌ تَقِيلَةٌ.» (2)

«مرگ برای افراد با ایمان مانند کندن لباس چرکین و گشودن قید و زنجیرهای سنگین است.»

امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا خطاب به اصحاب خود، مرگ را این گونه تعریف فرمودند:

«ای اولاد بزرگواران و ای فرزندان رشید اسلام، شکیبا باشید که مرگ برای شما همانند پلی است که از محیط رنج و زحمت عبورتان می دهد و به بهشت وسیع و نعمت های جاودان می رساند. کدام يك از شما بی میل به این است که از تنگنای زندان به کاخی مرفه منتقل گردد؟» (3)

به فرموده امام (علیه السلام) یکی از دلایل ترس از مرگ آگاهی نداشتن به نعمت ها و خرمی های پس از مرگ است. یکی از اصحاب امام هادی (علیه السلام) که در معرض مرگ بود، می گریست و از این که در معرض مرگ قرار گرفته بود بی تابی می کرد. حضرت (علیه السلام) به او فرمودند:

«ای بنده خدا، این که از مرگ این چنین هراسانی برای این است که

ص: 85

1- تفسیر جامع 4/479 - برهان 3/76 ح 2

2- معانی الأخبار 289 - اعتقادات الإمامیه (للصدوق (رحمة الله)) 53 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 6/155 - کتاب روایات تربیتی از مکتب اهل بیت (علیهم السلام)

3- نفس الممدوح 153

نمی دانی مرگ چیست و به آن آگاهی نداری.»

سپس حضرت مطالبی را درباره مرگ به او فرمودند که موجب آرامش و تسکین خاطرش گردید و طولی نکشید که جان به جان آفرین تسلیم نمود. (1)

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در روایتی فرمودند:

«مرگ اولین منزل از منازل آخرت و آخرین منزل از منازل دنیاست. خیر و سعادت برای کسی است که هنگام فرود آمدن در اولین منزل تکریم گردد و موقع بیرون رفتن از آخرین منزل دنیا به شایستگی بدرقه شود.» (2)

از حضرت جواد الائمه (علیه السلام) سؤال شد که مرگ چیست؟ حضرت در پاسخ فرمودند:

«مرگ همان خواب است که هر شب نزد شما می آید. فقط مدت خواب مرگ طولانی است و آدمی تا روز قیامت از آن خواب بیدار نمی شود.» (3)

مرگ برای شیعه با مرگ برای غیر شیعه متفاوت است. شیعه نیکوکار با خفتن در دامن پر مهر و با صفای مرگ تا ابد از زندان رنج و محنت رهایی می یابد. امام سجاد (علیه السلام) فرمودند:

«در هنگام غسل به روح مؤمن ندا می رسد که آیا دوست داری تو را به جسدی که در آن بودی برگردانند؟ مؤمن هم می گوید که من با بلا و خسران و غم و اندوه چه کاری دارم؟!» (4)

مؤمن با راهنمایی های امام معصوم (علیه السلام) درمی یابد که یاد مرگ و آشتی با او بهترین اهرم بازدارنده در برابر طوفان وحشتناک هوس های نفسانی است. با

ص: 86

1- معانی الاخبار 290 - کتاب روایات تربیتی از مکتب اهل بیت (علیهم السلام) 203

2- بحار الانوار 3/128

3- بحار الانوار 3/134

4- کتاب چرا مرا آفریدند 187 - بحار الانوار 6/243

یادآوری مراحل سخت بعد از مرگ، بی رغبتی به دنیا در وجود مؤمن بارور می گردد و در نتیجه تهی دستی و ثروت در دیدگاه شیعیان يك سان می شود:

«وَلَوْ أَنَّ الدُّنْيَا بِجَمِيعِ مَا فِيهَا وَعَلَيْهَا ذَهَبَةٌ حَمْرَاءُ عَلَى عُنُقِ أَحَدِهِمْ ثُمَّ سَقَطَ عَنْ عُنُقِهِ مَا شَرَّ بِهَا أَيَّ شَيْءٍ ءِ كَانَ عَلَى عُنُقِهِ وَلَا أَيَّ شَيْءٍ ءِ سَقَطَ مِنْهَا لِهَوَانِهَا عَلَيْهِمْ.» (1)

«اگر دنیا و آنچه در داخل و در روی آن از طلای سرخ است جمع شود و بر گردن یکی از آنان آویخته شود و سپس از گردن او فرو افتد، نمی فهمد که چه چیزی بر گردن او بوده است و برای چه چیزی از گردن او افتاده است.»

معرفت و حکمت

چون مؤمن زاهد شد و به مقام برجسته دوری از دنیا دست یافت، با عنایت خاص پروردگار، به مقام قرب که یکی از ارکان مهم آن بصیرت در علم و حکمت است وارد می گردد. یکی از نعمت های بزرگ الهی که نصیب مؤمن زاهد می شود معرفت به خدای تعالی می باشد که اصل و حقیقت عبودیت است:

«إِنَّ أَوَّلَ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ.» (2)

«سرآغاز عبادت الهی شناخت اوست.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

ص: 87

1- الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث) 127 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 64/351

2- تحف العقول 61 - التوحيد (للصدوق) 34 - الأمالي (للمفيد) 253؛ (للطوسي) 22؛ 778 - الإحتجاج على أهل اللجاج

(للطبرسي) 1/200؛ 2/398 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 4/228؛ 4/231؛ 4/253؛ 49/128؛ 54/43

«هرکس دل از دنیا برکند و از خواری آن بی تابی نکند و برای رسیدن به ارجمندی به رقابت برنخیزد، خداوند متعال او را بدون راهنمایی مربی و هدایت گر، هدایت می کند و بدون این که از کسی تعلیم بگیرد به او می آموزد و حکمت را در سینه اش استوار می سازد و آن را بر زبانش جاری می گرداند.» (1)

خوشا به حال مؤمنانی که چشم سر را بر روی زیبایی های ظاهری دنیا بستند و چشم دل را بر زشتی باطن آن گشودند، تا آن جا که سینه آن ها از محبت دنیا خالی و از حکمت های الهی پر شد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره این اشخاص به ابوذر (رحمة الله) فرمودند:

«إِذَا رَأَيْتَ أَحَاكَ قَدْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا فَاسْتَمِعْ مِنْهُ فَإِنَّهُ يَلْقَى الْحِكْمَةَ.» (2)

«ای ابوذر، هرگاه دیدی برادرت به دنیا پشت کرده است، به سخنان او گوش کن؛ زیرا او حکمت تعلیم می دهد.»

رسیدن به سعادت ابدی و کسب حکمت ها در گرو زهد است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«وَمَنْ زَهَدَ فِيهَا فَقَصَّرَ فِيهَا أَمَلَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمًا بَغَيْرِ تَعَلُّمٍ وَهُدًى بَغَيْرِ هِدَايَةٍ.» (3)

«هرکس در دنیا زهد ورزید آرزویش کوتاه شد و خداوند به او علم بدون آموزش و هدایت بدون هادی عطا کرد.»

غنی ترین شخص در دنیا که زاهدترین افراد زمان خود نیز بود، جناب سلیمان نبی (علیه السلام) می باشد که با متفرشدن از سلطنت و ثروت بی کران، به مقام

ص: 88

1- میزان الحکمه 5/67 - بحار الانوار 78/63 ح 155

2- الوافی 26/190 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/80

3- تحف العقول 60 - مجموعة ورام 1/132 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/163

عظمای حکمت رسید. پروردگار به جناب سلیمان (علیه السلام) فرمود:

«تو حجت و عنایت ما هستی. آنچه از ما بخواهی مقرون به اجابت است.»

سلیمان (علیه السلام) عرض کرد:

«پروردگارا، تو به داوود (علیه السلام) پادشاهی و سلطنت عطا نمودی و مرا وارث ملک او ساختی. اینک من حکمت و معرفت می خواهم تا کار این امت را به صلاح آورم.»

خطاب رسید:

«ای سلیمان (علیه السلام)، چون تو از ما ثروت و طول عمر نخواستی و حکمت و معرفت را ترجیح دادی، ما علاوه بر آن که دعایت را اجابت می کنیم و از دانش و حکمت تو را بهره مند می گردانیم، چنان مال و ثروت و قدرتی به تو عطا خواهیم کرد که پیش از تو و بعد از تو به هیچ کس نداده ایم و نخواهیم داد.»

رحمت خداوند متعال شامل حال حضرت سلیمان (علیه السلام) شد و به سلطنت عظیمی دست یافت که جن و انس و وحش و طیر در زیر فرمان او آماده خدمت شدند. (1)

دیگر نیک بختی که به جهت دارا بودن عقل سلیم توانسته بود به سعادت و فوز عظیم دوری از سلطنت دنیا برسد، جوانی است که از حواریون حضرت عیسی (علیه السلام) شد. قضیه وی را علامه مجلسی (رحمة الله) نقل فرموده است:

«در بعضی از کتاب ها یافتیم که حضرت عیسی (علیه السلام) با بعضی از حواریین به سیاحت رفتند. در میان راه از دهکده ای گذشتند و به گنجی برخورد کردند. همراهان به او گفتند که اجازه می دهید بمانیم و گنج را به دست

ص: 89

آوریم تا ضایع نشود؟ حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود که بمانید تا من وارد این دهکده شوم تا گنجی را که در آن سراغ دارم بجویم.

او وارد دهکده شد و به خانه مخروبه ای برخورد کرد. در آن خانه پیرزن سالخورده ای زندگی می کرد. حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود که اجازه می دهی امشب میهمان تو باشم و آیا در این خانه غیر از تو کسی هست؟ عجوزه گفت که آری، پسری دارم که پدرش مرده و اکنون در حمایت من به سر می برد. به صحرا می رود و خار می کند و در شهر می فروشد و با بهای آن زندگی می کنیم. آن گاه برای حضرت عیسی (علیه السلام) اتاقی آماده نمود. چون پسرش آمد، مادر به او گفت که خدای سبحان در این شب میهمان صالحی بر ما ارزانی داشته که جلوه های انوار زهد و پرهیزکاری از چهره اش می درخشد. از همنشینی و خدمت او بهره مند شو.

پسر شرفیاب محضر حضرت عیسی (علیه السلام) شد. او را احترام کرد و گرامی داشت. چون پاسی از شب گذشت عیسی (علیه السلام) از وضع حال و امور زندگی جوان پرسید. دریافت که آثار خردمندی و زیرکی و استعداد برای پیمودن مدارج کمال در او وجود دارد. اما از حال او احساس کرد دل در گرو اندیشه ای عظیم دارد که او را به خود مشغول کرده است. فرمود که جوان، می بینم رازی در دل نهان داری که سخت تو را به خود مشغول کرده است. مرا از آن آگاه ساز. شاید درمان تو نزد من باشد.

چون جناب عیسی (علیه السلام) در پرسش خود مبالغه کرد، جوان گفت آری، در دلم اندوه و دردی است که جز خدای سبحان دیگری به درمان آن توان ندارد. حضرت فرمودند که مرا بر آن راز آگاه کن. شاید خدای سبحان راهی را الهام فرماید که اندوهت زائل شود.

جوان گفت که روزی پشتۀ خاری را به سوی دهکده حمل می کردم. از کنار قصر دختر پادشاه گذشتم. نگاهم به دختر پادشاه افتاد و محبتش در دلم جای گرفت و هر روز افزون می شود و درمانی هم جز مرگ برای این درد نمی شناسم. حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود که اگر اراده داری من

وسیله ازدواج او را برایت فراهم می‌کنم. جوان سوی مادرش بازگشت و گفتار حضرت را برایش بازگفت. مادرش گفت که پسرم، گمان نمی‌کنم این مرد وعده ای بدهد که توان وفای آن را نداشته باشد. گفتارش را بشنو و از او اطاعت کن.

چون صبح شد حضرت عیسی (علیه السلام) به جوان گفت که به درگاه پادشاه برو. چون درباریان و وزیران بر تو وارد شدند، آنان را پیام ده که پادشاه را بگویند من برای خواستگاری دخترش آمده‌ام. سپس آن چه بین تو و پادشاه روی داد برایم بازگو.

جوان کنار بارگاه پادشاه رفت. چون درباریان پادشاه گفتار غلام را شنیدند، خندیدند و شگفتی‌ها نمودند. نزدیکان بر پادشاه وارد شدند و از راه استهزاء و تهنیت پادشاه را از ماجرای جوان آگاه ساختند. پادشاه امر به احضارش کرد. جوان چون وارد شد و پیشنهاد ازدواج با دختر پادشاه را داد، پادشاه از روی استهزاء به جوان گفت که دخترم را به ازدواج تو در نمی‌آورم، مگر آن که طبقی از لؤلؤ و یاقوت و جواهر درشت گران بها برایم بیاوری. جواهراتی با اوصافی که در خزانه هیچ پادشاهی از فرمان رویان دنیا یافت نمی‌شود. جوان گفت که می‌روم و پاسخ گفتارت را می‌آورم.

سپس به سوی حضرت عیسی (علیه السلام) بازگشت و آنچه گذشته بود بازگفت. حضرت عیسی (علیه السلام) به خرابه ای رفت که در آن سنگ ریزه‌هایی بود. خدا را خواند و آنها را به صورتی که پادشاه خواسته بود، بلکه زیباتر از آن، درآورد و جوان را فرمود که آن چه خواهی از این جنس بگیر و نزد سلطان ببر.

چون جوان با طبق جواهرات وارد شد، پادشاه و اهل مجلس از امر آن جوان در حیرت فرورفتند. گفتند که این مقدار کافی نیست. جوان بازگشت و گفتارشان را به حضرت عیسی (علیه السلام) بازگفت. حضرت فرمود که وارد خرابه شو و آنچه می‌خواهی بگیر و برای شان ببر. چون جوان

با چند برابر جواهر بیشتر از مرتبه اول بر آنان وارد شد، حیرت آنان بیشتر شد. پادشاه گفت که این امر را مرتبه شگفتی است. با جوان به خلوت نشست و حقیقت حال را از او جويا شد. جوان از آنچه بین او و حضرت عیسی (علیه السلام) گذشته بود او را آگاه ساخت و داستان عشق خود را به پادشاه باز گفت. پادشاه دانست که میهمان حضرت عیسی (علیه السلام) است. جوان را گفت که میهمان تان را بگو بیاید تا دخترم را برایت تزویج کند. حضرت عیسی (علیه السلام) تشریف فرما شدند و دختر را به عقد جوان درآوردند. پادشاه یک جامعه فاخر سلطنتی برای جوان فرستاد و بر او پوشاند و او را آن شب به وصال دخترش رسانید. چون صبح شد جوان را احضار کرد و با او سخن گفت. او را خردمند و دانا و زیرک یافت.

پادشاه که جز آن دختر فرزندی نداشت، داماد يك شبه خود را به عنوان ولیعهد خود معرفی کرد و او را وارث مملکت خود گردانید و فرمان داد تا درباریان و اعیان کشورش با او بیعت کنند و از او فرمان برند.

شب دوم فرا رسید. پادشاه به مرگی ناگهانی درگذشت. جوان را بر سریر پادشاهی نشانند و همه درباریان از فرمانش اطاعت کردند و کلید خزانه پادشاه را به او سپردند. روز سوم حضرت عیسی (علیه السلام) برای خداحافظی نزد او آمد. جوان گفت که ای حکیم، تو را بر من حقوقی است که اگر زندگی جاوید یابم سپاس یکی از آنها را نتوانم بجای آورم. اما از شب گذشته پرسشی در دلم جای گرفته که اگر پاسخ آن را به من نفرمایی از آنچه برایم فراهم فرموده ای هیچ گونه سودی نخواهم برد. حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود که آن پرسش چیست؟ جوان گفت که شما که چنین قدرت و توانی داری تا من را از آن حالت پست و درماندگی خارج کنی و در مدت دو روز بر اریکه سلطنت و درجه رفیع شامخ رسانی، چرا این شکوه مندی را برای خودت نمی پسندی و می بینم که با همین لباس مندرس و وضعی ناخوشایند می گذرانی؟

چون جوان در پرسش اصرار ورزید، حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود که عارف

به پروردگار و دانا به سرای جاودان و خانه کرم و ثواب پروردگار و بصیر به فنای دنیا و پستی و سبکی آن، رغبت بر این پادشاهی زودگذر و این آرایش و تجملات فانی پیدا نمی کند. ما را در مرتبه قرب خدای سبحان و معرفت و درجه محبت به او لذت های روحانی بسیاری است که این لذت های فانی در برابر آنها وزنی به بار نمی آورد.

چون حضرت عیسی (علیه السلام) جوان را از عیوب دنیا و آفت های آن آگاه ساخت و نعمت های جاودانه آخرت را برایش بیان کرد، جوان گفت که مرا بر شما گواهی دیگر است: چرا برای خویش آنچه سزاوارتر و شایسته تر است برگزیدی و من را در این بلائی عظیم افکندی؟

حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود که من این مرحله را برایت برگزیدم تا میزان خردمندی و درجه هوشمندی تو را بیازمایم. هرگاه جویای ثواب و هدایت باشی کام یابی تو در ترك این امور و آرایش تخت سلطنت که برایت فراهم آمده بیشتر و پسندیده تر خواهد بود. پشت کردن تو به اقبال دنیا گواه و سرمشقی برای دیگران خواهد بود.

جوان با شنیدن سخنان حضرت عیسی (علیه السلام) تخت سلطنت را رها کرد. جامه گران بها را بیرون نمود و لباس خارکنی کهنه خود را پوشید و در پی آن حضرت حرکت کرد. چون حضرت عیسی (علیه السلام) نزد حواریین بازگشت، گفت این همان گنجی است که در این سرزمین نشانش داشتم و برای شما آوردم. اما شما اگرچه همه وقت با من بودید و در اطاعت و عبادت حضرت حق همراه بودید، ولی آرزوی گنج و خزینه طلا در دل شما بود!» (1)

سیره منتظران امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

چه نیکوست محبی که جوان مردی در وجودش ریشه دوانده و مانند حواریون حضرت عیسی (علیه السلام) با چشم پوشی از زخارف دنیا، چشم دل را

ص: 93

به سوی وجه الله زمان باز کند و با پاک سازی دل از محبت دنیا و دوری از تعلقات آن، خانه وجود خود را برای تابش انوار قدسی و ملکوتی امام دو عالم و صاحب آسمان ها و زمین آماده سازد. چه نیکوست که قلاده دنیا را از گردن خود به دور افکنده و جامه سربازی امامش را زینت عقل و روحش کند. و چه زیباست که در عصر پر تلاطم امواج سهمگین گناه و لغویات در غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، همه لغویات را ترک کند خود را از سیطره بخل و دنیاپرستی آزاد کند و تمام تلاش خود را برای فرهنگ انتظار و دادرسی به مؤمنین بگذارد. چقدر پسندیده و جالب است عقل را به پشتوانه کلام معصوم (علیه السلام) در راه دشمنی با اژدهای شش سر دنیا به کار بگیرد و به سعادت و آرامش دست یابد. و با دستیابی به زهد واقعی که سراسرش به حکمت الهی منور گشته زیرا طبق فرموده امام معصوم (علیه السلام) از آثار ارزنده زهد دستیابی به حکمت است. در مورد حقیقت حکمت نیز امام صادق (علیه السلام) در ذیل آیه شریفه (يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ؛ خدا به هرکس که بخواهد حکمت می بخشد و به هرکس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است. جز خردمندان کسی پند نمی گیرد) (1) می فرمایند:

«منظور از حکمت در این آیه شریفه اطاعت خداوند متعال و معرفت و شناختن امام است.» (2)

با فضیلت ترین عمل انتظار و یاد امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و رأس همه اعمال صالح ارتباط قلبی با این وجود گرامی می باشد. ارتباط با امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یعنی صدازدن اسماء حسناى الهی. طبق این تعریف طبیعی است که ظرف قلب باید

ص: 94

1- سورة مبارکه بقره آیه شریفه 269

2- تفسیر عیاشی 1/151 ح 496 - محاسن 148 ح 60

برای پذیرش چنین معنایی آماده باشد:

«عن النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم): الْقَلْبُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَنْوَاعٍ: قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا وَقَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْعُقْبَى وَقَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْمَوْلَى: أَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالدُّنْيَا فَلَهُ الشَّدَّةُ وَالْبَلَاءُ وَأَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالْعُقْبَى فَلَهُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى وَأَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالْمَوْلَى فَلَهُ الدُّنْيَا وَالْعُقْبَى وَالْمَوْلَى.» (1)

«قلب های مردم سه گونه است: قلبی که مشغول به دنیاست؛ قلبی که مشغول به آخرت است؛ قلبی که مشغول به مولای خویش است. قلبی که مشغول به دنیاست، همیشه در بلا و اندوه غوطه ور است. قلبی که به آخرت معطوف شود، درجات رفیعی نخواهد داشت. اما قلبی که به مولایش مشغول باشد، در دنیا و آخرت منفعتی از مولایش خواهد برد.»

همت اولین قلب تفکر پیرامون جمع آوری اموال دنیاست. ولی هم و غم مؤمن اهل بصیرت برای نزدیکی به امامش که از طرف خداوند متعال جانشین وی در زمین و باب الله است، می باشد.

امام (علیه السلام) است که قلب مؤمن در فراق او محزون و چشمش همواره گریان است. مهر و محبت امام (علیه السلام) سراسر وجود مؤمن را اشباع می کند و او را به جایی می رساند که جز امام نمی خواهد و نمی جوید. یاد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مؤمن را از مشغله های دنیوی جدا می سازد و با زینت های دنیا بیگانه می کند. در چگونگی سیره چنین مؤمنانی فرموده اند:

«خوشا به حال کسی که عبادت و دعای خویش را خالص گرداند و دل خود را اسیر دیدنی ها نسازد و از اثر توجه به شنیدنی ها، خدا را فراموش ننماید و از ثروت و قدرتی که دیگران دارند، اندوهی به خود راه

ص: 95

طبق روایاتی که ذکر شد، چشم پوشی از جلوه های رنگارنگ دنیا از آثار ایمان است؛ زیرا مؤمنی که دم از محبت و دوستی امامش می زند، باید این چنین باشد:

«زینت های دنیا که به چشم شان می خورد، آن ها را از ذکر خدای متعال غافل نمی سازد.»

مؤمنان حقیقی به وسیله ارتباط قلبی با ساحت مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به درجه ای از معرفت خواهند رسید که دیگر نیرنگ و فریب دنیا نمی تواند آنان را به خود جذب کند؛ زیرا در ارادت به امام شان و به علت اخلاصی که در محبت خود دارند، چنین رفتاری خواهند داشت که فرموده اند:

«مؤمن به وسیله معرفت به ما زهد پیشه می سازد و از دنیا فقط به اندازه رفع گرسنگی و ستر عورت قناعت می نماید و پیوسته از خدای خود خائف می باشد.» (2)

سعی چنین افرادی در برقراری ارتباط قلبی با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده و به علت معرفتی که به آنان عطا می گردد، از دنیا به قدر ضرورت بهره می گیرند:

«يَا جَابِرُ مَا الدُّنْيَا وَ مَا عَسَى أَنْ تَكُونَ الدُّنْيَا هَلْ هِيَ إِلَّا طَعَامٌ أَكَلْتَهُ أَوْ ثَوْبٌ لَبِسْتَهُ أَوْ امْرَأَةٌ أَصَبْتَهَا.» (3)

«ای جابر، دنیا چیست و امید داری چه باشد؟ مگر دنیا غیر از خوراکی که خوردی یا جامه ای که پوشیدی یا زنی است که به او رسیدی؟»

ص: 96

1- بحار الانوار ج 15 ترجمه فارسی

2- تفسیر جامع 4/324 - برهان 3/14 ح 15

3- الکافی (ط - الإسلامية) 2/133؛ (ط - دارالحدیث) 3/343 - مجموعه ورام 2/193 - الوافی 4/395 - مرآة العقول فی شرح أخبار

آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 8/291 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/36

مؤمنی که منتظر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود می باشد، دریافته است که برای وصال امامش راهی جز ترك دنیا ندارد و به دلیل معرفت و بصیرتی که به او اهدا شده است، به این فرمایش گهربار یقین پیدا کرده است:

«يا ابنِ آدَمَ مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قُوَّتِكَ فَأَنْتَ فِيهِ حَازِنٌ لِعَيْرِكَ.» (1)

«ای فرزند آدم، در آنچه بیش از مقدار خوراکت به دست می آوری، خزانه دار دیگرانی.»

برای مؤمن چه نیکوست که با فهم روایات و عمل به آنها، به درجه ای از عقل رسیده باشد که ارزشی برای ثروت های بی کران قائل نباشد و دنیا را با معرفت و حکمت عوض کند. این توفیق فقط نصیب مؤمنی می شود که عقلش به مرتبه کمال و عملش به منصفه ظهور رسیده باشد. امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) درباره این عقلا فرمودند:

«آن کس که خداوند متعال به او عقل قوی عنایت فرماید، از دنیا طلبان و اهل دنیا کناره می گیرد.» (2)

این مطلب فقط با تبعیت از دستور ها و راهنمایی های ائمه معصومین (علیهم السلام) میسر می گردد. خداوند به موسی بن عمران (علیهما السلام) فرمود:

«ای موسی (علیه السلام)، بندگان نیکوکار من در حدود دانش خود از دنیا دوری می جویند و بدکاران به قدر جهل و نادانی خویش به دنیا رغبت پیدا می کنند.» (3)

ص: 97

-
- 1- نهج البلاغه (للصباحی صالح) 503 - خصائص الأئمة (علیهم السلام) 112 - وسائل الشیعة 16/19 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 5/554 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/144 - کتاب جلوه قرآن و عترت در تفسیر صافی 2/161
 - 2- بحار الأنوار 15/111
 - 3- تفسیر جامع 2/577

بنابراین با شناخت فریب های دنیا و یقین به جهان آخرت و معرفت به خدا و ائمه معصومین (علیهم السلام)، بی میلی به خوشی های زوال پذیر دنیا پدید می آید. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«يَسِيرُ الْمَعْرِفَةِ يُوَجِبُ الرَّهْدَ فِي الدُّنْيَا.» (1)

«اندکی شناخت موجب بی رغبتی به دنیا می شود.»

همچنین فرموده اند:

«مَنْ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ انْصَرَفَتْ عَنِ الْعَالَمِ الْفَانِي نَفْسُهُ وَهِمَّتُهُ.» (2)

«کسی که معرفتش صحیح باشد نفس و همتش از جهان فانی روی گردان می شود.»

پس مؤمن باید عقل خود را به کار ببندد و با پیروی از فرموده های ائمه معصومین (علیهم السلام) و با درس گرفتن از عاقبت دنیا طلبان، قلب خود را از تجملات دنیا متنفر سازد و به تأسی از انبیاء و امامان معصوم (علیهم السلام) راه صحیح را در برخورد با دنیا در پیش بگیرد. عیسی (علیه السلام) در پاسخ به حواریین که عرض کردند: «چرا تو روی آب راه می روی و ما نمی توانیم؟»، فرمودند:

«وَمَا مَنزِلَةُ الدِّيْنَارِ وَالدَّرْهَمِ عِنْدَكُمْ؟ قَالُوا حَسَنٌ! قَالَ لَكِنَّهُمَا عِنْدِي وَ الْمَدْرَ سَوَاء.» (3)

«به نظر شما درهم و دینار چگونه است؟»

عرض کردند:

ص: 98

1- غرر الحکم و درر الکلم 802 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 63 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (علیهم السلام) 1/96

2- غرر الحکم و درر الکلم 664 - تصنیف غرر الحکم 136

3- مجموعه ورام 1/156 - میزان الحکمه 5/71

«ارزش مند هستند.»

حضرت عیسی (علیه السلام) فرمودند:

«اما در نظر من ارزش آنها با کلوخ يك سان است.»

امام صادق (علیه السلام) در مذمت دنیا فرمودند:

«خداوند متعال به حضرت موسی (علیه السلام) فرمود که دنیا خانهٔ عقوبت است. حضرت آدم (علیه السلام) را به علت ترك اولایی که از او سرزده بود عقاب نمودم. دنیا ملعونی برای علاقه مندانش است، مگر آن هایی که در دنیا برای جلب خشنودی من زندگی می کنند.»

ارزش کسب علوم اهل بیت (علیهم السلام)

وقتی مؤمن به کلام گهربار معصومین (علیهم السلام) می نگرد، متوجه می شود که هیچ گاه فتنه های دنیا او را رها نمی کند. درمی یابد تنها جایی که مأمن مناسبی برای سالم ماندن از دنیا است، حریم اهل بیت است:

(أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ) (1)

«آیا ندیده اند که ما حرمی امن قرار دادیم و حال آن که مردم از حوالی آنان [توسط شیطان] ربوده می شوند؟ آیا به باطل ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می ورزند؟»

اگرچه حرص صفتی زشت برای انسان است؛ اما مؤمنین حقیقی با استفاده از همین صفت تجارتي می کنند که هم در این دنیا و هم در آخرت برای شان سودمند است:

«مَنْهُمَانِ لَا يَشْبَعَانِ؛ طَالِبُ عِلْمٍ، وَ طَالِبُ دُنْيَا.»

ص: 99

«دو دسته سیر نمی شوند: طالب علم و طالب دنیا.»

بر خلاف مردم که تمام همت شان مال اندوزی است، مؤمن همه سعی خویش را برای فراگیری علوم اهل بیت (علیهم السلام) به کار می بندند. همچنان که اهل دنیا برای ارضاء نیازهای دنیوی خود تلاش بسیاری دارند، مؤمن حقیقی نیز کسب علوم و فضائل اهل بیت (علیهم السلام) را بر خود واجب می داند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ فِي كُلِّ حَالٍ» (1)

«جست و جوی معارف دینی در هر حالی واجب است.»

تحصیل علوم اهل بیت (علیهم السلام) آن چنان دارای اهمیت است که کوتاهی در آن از دیدگاه امام معصوم (علیه السلام) گناهی عظیم محسوب می شود. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«دوست ندارم جوانی از شما را ببینم، مگر آن که در هر روز رفت و آمدش در یکی از این دو حالت باشد: یا عالم یا محصل. کسی که چنین نباشد در انجام وظیفه خود کوتاهی کرده است و خودداری از اداء وظیفه ترضیع حق انسانیت است. چنین ترضیعی گناه است و جایگاه گناهکار در آتش خواهد بود.» (2)

همچنین حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«لَا يَسْتَخِفُّ بِالْعِلْمِ وَ أَهْلِهِ إِلَّا أَحْمَقُ جَاهِلٍ» (3)

«فقط نادان علم و اهل علم را سبک می شمارد.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره تفریط در علم آموزی فرمودند:

ص: 100

1- وسائل الشیعة 27/27 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 1/172

2- بحار الأنوار 1/170 - الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تكملة الوسائل) 1/471

3- عیون الحکم والمواعظ 541 - غرر الحکم و درر الکلم 785 - تصنیف غرر الحکم 41

«وَأَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا.» (1)

«کم بهاترین مردم کسی است که دانشش از همه کمتر باشد.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«النَّاسُ ثَلَاثَةٌ: عَالِمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ وَ غُثَاءٌ.» (2)

«مردم سه گروهند: عالم؛ محصل؛ کسانی که نه عالم هستند و نه محصل. آنان همانند خار و خاشاک روی آب هستند.»

مردمی که با علم و فقه از در قهر درآمده اند زندگی بی مصرفی دارند. آنان همانند چهارپایان در فکر ارضاء شکم و شهوت خود هستند و به علت تمایل شان به دنیا، از علوم اهل بیت (علیهم السلام) دور افتاده اند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره چنین افرادی فرمودند:

«إِذَا أَرَدَلَ اللَّهُ عَبْدًا حَظَرَ عَلَيْهِ الْعِلْمُ.» (3)

«هرگاه خدا بخواهد بنده ای را خوار کند، علم را از او دور می سازد.»

در اهمیت والای آموختن علم روایتی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که ایشان فرمودند:

«إِذَا آتَى عَلَيَّ يَوْمٌ لَا أُرْدَادُ فِيهِ عِلْمًا يَقْرَبُنِي إِلَى اللَّهِ فَلَا بَارِكَ اللَّهُ لِي فِي طُلُوعِ شَمْسِهِ.» (4)

«اگر روزی برسد و علمی که مرا به خدا نزدیک کند بر من افزوده نشود،

ص: 101

-
- 1- من لا يحضره الفقيه 4/395 - الأملی (للصدوق (رحمة الله)) 21 - معانی الأخبار 195 - كنز الفوائد 1/300 - الوافی 26/159 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 1/164؛ 74/112
 - 2- الكافی (ط - الإسلامية) 1/34؛ (ط - دارالحديث) 1/81 - الوافی 1/152
 - 3- نهج البلاغه حکمت 288 - نهج البلاغه (صبحی صالح) 526 - شرح الكافی - الأصول و الروضة (مولی صالح المازندرانی) 1/240 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 1/196
 - 4- تفسیر الصافی 3/322 - تفسیر نور الثقلین 3/398 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 8/358 - نهج الفصاحة 177 - یکصد موضوع اخلاقی در قرآن مجید و حدیث 12

طلوع آفتاب آن روز بر من مبارك مباد.»

با این فرمایش گهربار مشخص می شود که منظور از علم همان وسیله ای است که باعث قرب و ورع شخص عالم می گردد. یعنی علمی که همدم عمل شود. وگرنه مصداق فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می گردد که فرمودند:

«مَنْ أَرَادَ عِلْمًا وَلَمْ يَزِدْهُ هُدًى لَمْ يَزِدْهُ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا.» (1)

«هرکس بر علمش افزوده شود؛ ولی بر عمل و هدایتش نیفزاید، علمش جز دوری از خدا برای او حاصل دیگری ندارد.»

معنی این روایت در دیگر کلام گهربار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هویدا می شود:

«چه بسیار حامل فقهی که فقیه نیست.» (2)

علم بی عمل آفتی بسیار مهلک است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره علمی که توأم با عمل نیست فرموده اند:

«أَفَةُ الْعِلْمِ تَرْكُ الْعَمَلِ بِهِ.» (3)

«آفت علم نکردن به آن است.»

آن حضرت (علیه السلام) در خطبه ای نیز فرمودند:

«ای مردم، هنگامی که چیزی را دانستید عمل کنید تا هدایت یابید؛ زیرا عالمی که برخلاف علمش عمل کند مانند جاهل سرگردانی است که هرگز از جهلش هوشیار نمی شود. بلکه من حجت را بر چنین عالمی بزرگ تر و حسرتش را پایدارتر می بینم.» (4)

همچنین آن حضرت (علیه السلام) فرمودند:

ص: 102

1- مجموعه ورام 1/220؛ 2/21؛ 2/27 - عدة الداعی و نجاح الساعی 74 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 2/37 - یکصد موضوع اخلاقی

در قرآن مجید و حدیث 2

2- کافی 1/403 ح 1

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 181 - غرر الحکم و درر الکلم 279 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 45

4- اصول کافی ج 1 باب استعمال العلم ح 6

«ای مردم، به خدا سوگند شما را به هیچ طاعتی تشویق نمی کنم، مگر این که پیش از آن خودم آن را انجام می دهم و از هیچ کار خلافی باز نمی دارم، مگر آن که پیش از شما از آن دوری جسته ام.» (1)

پس بر مؤمن واجب است به آنچه از کلام معصومین (علیهم السلام) می آموزد عمل نماید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«کسی که دو حدیث فرا بگیرد تا خود به آن عمل کند یا به دیگران بیاموزد تا به آن عمل کنند، برای او از شصت سال عبادت بهتر است.» (2)

همچنین حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«أَوْضَعَ الْعِلْمُ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ وَأَرْفَعَهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَالْأَرْكَانِ.» (3)

«بی ارزش ترین دانش علمی است که بر سر زبان است و با ارزش ترین علم آن است که در اعضا و جوارح آشکار است.»

وقتی فراگیری علوم اهل بیت (علیهم السلام) و عمل به آن روزی فرد مؤمن شد، باید به عنوان شکرگذاری از این نعمت عظیم، قلوب تاریخ مردم را به کلام معصومین (علیهم السلام) منور و هدایت نماید. امام معصوم (علیه السلام) فرموده اند:

«إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَاَبْتَعُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ.» (4)

«این دل ها همانند تن ها خسته می شوند. برای نشاط آنان به سخنان تازه حکیمانه روی بیاورید.»

انتشار سخنان حکیمانه ائمه هدی (علیهم السلام) به عهده عالم اهل عمل است؛ چراکه

ص: 103

1- تفسیر نورالثقلین 1/75

2- کتاب نصاب 73

3- بحار الانوار 2/56

4- نهج البلاغه حکمت 197 - غرر الأخبار 130 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 1/182؛ 67/61؛ .. - مجمع البحرين 5/89

مردم پذیرای حکمت از فردی که سخن می گوید ولی خود به آن عمل نمی کند، نیستند. در واقع مسئله کاملاً واضح است. اگر گوینده سخن به گفته خویش اعتقاد قلبی داشته باشد، اولین کسی که به آن گفته ها جامه عمل می پوشاند خود اوست. دیگران نیز وقتی گفته اشخاص صاحب نام را مطابق رفتارشان ارزیابی می کنند، صدق کلام گوینده برای شان محرز می شود:

«حق تعالی به حضرت موسی بن عمران (علیهما السلام) وحی نمود که مرا در نظر بندگانم محبوب گردان.»

موسی (علیهما السلام) عرضه داشت:

«از چه راهی دوستی تو را در دل مردم قرار دهم؟»

حق تعالی فرمود:

«آنان را با الطاف و نعمت های بی کران من آشنا ساز؛ زیرا آن ها مرا با انواع نعمت ها و نیکی هایم می شناسند.» (1)

روش عالم برای هدایت مردم بر رحمت و امید استوار است:

«الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يَقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤَيِّسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ.» (2)

«فقیه کامل کسی است که مردم را از آموزش خداوند متعال مأیوس و از مهربانی او ناامید نکند و از عذاب ناگهانی خدا ایمن نسازد.»

چنینی سخنان حکیمانه ای از زبان عالم متقی در نمی آید مگر با زهد و ورزیدن و تهذیب نفس. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«کسی که به دنیا بی رغبت باشد و از رنج های آن بی تاب نکند و با

ص: 104

1- بحار الانوار 15/17

2- نهج البلاغه (صبحی) 483 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 55 - غرر الحکم و درر الکلم 99/1862 - بحار الانوار (ط - بیروت)

2/56 - تفسیر نور الثقلین 2/52 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 5/142

ثروت ها و مقام ها خود را گم نکنند، خداوند متعال قلب او را بدون تعلیم دادن کسی هدایت می کند و حکمت هر چیزی را در دل او ثابت می گرداند و سپس حکمت را از دهان او خارج می سازد.»

«فَعَلَيْكَ بِبُغْضِ الدُّنْيَا وَاعْرِفْ خِدْمَةَ الصَّالِحِينَ وَ أَحْكِمَ أَمْرَكَ لِلْمَوْتِ.» (1)

«اگر می خواهی خداوند متعال تو را به علم باطن و رموز عالم گرامی بدارد، بر تو باد به دشمنی با دنیا و شناخت فضیلت خدمت کردن به صالحین و محکم کردن کارت برای مرگ. چون این سه خصلت را دارا شدی، خداوند متعال تو را به علم سرّ مفتخر و مکرم می نماید.»

روی همین اصل است که فرموده اند:

«علم نوری است که بر دل تابیده می شود.»

تمامی کوره راه های جهل به سبب علم روشن می شود و اسرار الهی با عتبه بوسی خاندان رسالت (صلی الله علیه و آله و سلم) منکشف می گردد. علم به باطن اشیاء و تصرف در آنها فقط به واسطه تنفر از دنیا به دست می آید؛ زیرا کوچک ترین غبار دنیا بر صفحه دل، حجابی بزرگ بین مؤمن و حقائق و اسرار الهی ایجاد می کند. بارور نمودن حب دنیا در دل، باعث خاموشی نور فهم معارف و حقیقت معرفت الله می گردد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده اند:

«لِحُبِّ الدُّنْيَا صُمَّتِ الْأَسْمَاعُ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَ عَمِيَتِ الْقُلُوبُ عَنْ نُورِ الْبَصِيرَةِ.» (2)

«دوستی دنیا گوش ها را از شنیدن حکمت کر می کند و دیده ها را از دیدن حقیقت کور.»

همچنین پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره فرموده اند:

ص: 105

1- گنجینه دانشمندان 194 - کافی 2/128

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 404 - غرر الحکم و درر الکلم 547 - تصنیف غرر الحکم 65؛ 142

«وَمَنْ يَرْغَبْ فِي الدُّنْيَا فَطَالَ فِيهَا أَمَلُهُ أَعْمَى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدْرِ رَغْبَتِهِ فِيهَا.» (1)

«کسی که به دنیا رغبت نشان دهد و آرزوهایش در آن زیاد شود، خداوند به اندازه رغبتش به دنیا دلش را کور می گرداند.»

محبت به دنیا عقل را نابود می کند و به تبع آن جهل را زنده می کند؛ جهلی که انتهای آن هلاکت است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«وَمَنْ أَبْصَرَ فِيهَا بَصَرَتَهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ.» (2)

«کسی که بهره مندی از امور مادی دنیا را هدف بگیرد بینایی اش (عقلش) را زائل می سازد.»

توجه قلبی به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

دریافتیم که بهترین علم آن است که دل را به سوی دین هدایت کند. وقتی امام عمود دین است، پس علمی نافع است که مردم را به سوی امام وقت هدایت کند. رأس همه اعمال نیک نیز یاری امام وقت می باشد. این یاری با زنده نگه داشتن یاد آن حضرت و دعای فراوان برای ظهور او محقق می شود. اما متأسفانه اکثر محبین به علت دل بستگی به دنیا از یاد حضرت و دعا برای ایشان غافل مانده اند و خسران عظیمی را در دنیا و آخرت برای خویش فراهم ساخته اند. این غافلان در روز محشر در حسرت بزرگی به سر می برند:

(يا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ) (3)

ص: 106

1- تحف العقول 60 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/163

2- نهج البلاغه خطبه 82 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/4

3- سورة مبارکه زمر آیه شریفه 56

«واحسرتا که در برابر جنب الله (امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) سستی کردیم.»

حتی آن بزرگوارانی که برای فراگیری علوم اهل بیت (علیهم السلام) همت می گمارند و عمر گران مایه خود را برای آموزش و نشر معارف دین صرف می نمایند، اگر در جای جای معارف دینی یادی از امام وقت (علیه السلام) نداشته باشند، همت شان درختی است که رشد نموده؛ ولی حاصلی مطلوب به بار نیاورده است. در واقع معنای علم و عمل و شکوفایی حکمت در توجه و ارادت قلبی به امام هر زمانی خلاصه می شود. در این روایت به همین معنا اشاره شده است:

«يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.»

(1)

شخصی از امام حسین (علیه السلام) پرسید:

«ای پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، معرفت خدا چیست؟»

حضرت فرمودند:

«معرفت به امام هر زمان، همان کسی که اطاعتش واجب است، معرفت به خداست.»

در واقع زیباترین نتیجه معرفت به خدای متعال، دعا برای تعجیل در فرج امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. زیرا معرفت به امام باید مؤمن را به سوی صاحبش سوق دهد. حقیقت شناخت امام ارادت و محبت فوق العاده به حجت خداست که فقط با دعا برای ایشان (علیه السلام) محقق می گردد.

ص: 107

تضرع خالصانه فقط با سوختن دل در مصیبتی عظیم محقق می‌گردد. اگر همه مصائب دنیا را تا قیامت به روی هم انباشته کنند و در کنار مصیبت امام حسین (علیه السلام) بگذارند، جز قطره‌ای در برابر دریاها نخواهد بود. حادثه‌ای که همه ذرات هستی و تمام ملائکه و انبیا را، از شدت عظمت، به ناله‌های جگرسوز کشانده است. مصیبت عظیم عاشورا مصیبتی است که هیچ غمی به عظمت آن پیدا نخواهد شد. به همین علت شایسته است که مؤمن به تاسی از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خویش که فرمودند: «ای جد من، صبح و شب برایت گریه می‌کنم.» (1)، در مصیبت سیدالشهدا گریان باشد. لذا مؤمن باید دقایقی از شبانه روز خود را صرف این عبادت عظیم نماید که فرموده‌اند:

«گریه بر امام حسین (علیه السلام) اعظم عبادات است.» (2)

آن‌گاه که بر اثر یادآوری صحنه‌های جان‌سوز عاشورا، خون دل به صورت آبی زلالی بر گونه‌ها جاری گشت، بهترین وقت برای دعا به درگاه حق تعالی است. اگر این اشک و آه به دعا برای تعجیل در ظهور منتقم آل‌الله متصل گردد، به یقین، فرد را مشمول دعای حجت‌الله اعظم قرار خواهد داد؛ زیرا وجود مقدس‌شان فرمودند:

«اگر پس از گریه بر امام حسین (علیه السلام) برای ظهورم دعا کنید، برای تان دعا خواهم نمود.»

آن‌گاه است که آثار محبت باید از دل بر زبان مؤمن جاری شود و فرد در

ص: 108

1- - المزار الكبير (لابن المشهدی) 501 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 98/238؛ 98/320

2- ترجمه خصائص الحسينیه 356 - بحار الأنوار 44/289

برابر مولای خود استغاثه نماید:

«هَلْ إِلَيْكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدَ فَنَحْطَى.» (1)

«ای فرزند احمد، آیا راهی به سوی دیدار تو هست؟ آیا روزگار جدایی ما به تو وصل می شود تا بهره ای ببریم؟»

عقل شیعیان از میزان فهم آنان به فرموده های امامان معصوم (علیهم السلام) هویدا می شود. انسان ها باید برای نجات از دریای طوفانی جهل، کشتی عقل را با کلام نورانی ائمه معصومین (علیهم السلام) به ساحل همیشه بهار امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هدایت کنند. این امر مستلزم اصلاح عقیده و آموزش و تربیت قلب است.

چهار رکن ایمان

زیستن در دنیا برای بارور کردن ایمان است که از چهار ستون تشکیل می شود. امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«در میان مردم کمترین چیزی که تقسیم شد یقین بود.»

راوی سؤال کرد که یقین چیست؟ امام (علیه السلام) فرمودند:

«التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لِلَّهِ وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ التَّقْوِيصُ إِلَى اللَّهِ.» (2)

«توکل بر خدا؛ تسلیم بودن در برابر امر الهی؛ خوشنودی به قضای الهی؛ سپردن کارها به خدا.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده اند:

«الإِيمَانُ لَهُ أَرْبَعَةٌ أَرْكَانُ التَّوَكُّلِ عَلَى اللَّهِ وَ التَّقْوِيصُ إِلَى اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ

ص: 109

1- المزار الكبير (لابن المشهدى) 582 - إقبال الأعمال (ط. القديمة) 1/298 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 99/108 - زاد المعاد؛ مفتاح الجنان 307

2- الكافي (ط - الإسلامية) 2/52؛ (ط - دارالحدیث) 3/135 - التمهیص 63 - الوافی 4/145 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 7/328 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 97/138؛ 97/180

«ایمان چهار رکن دارد: توکل بر خدا؛ واگذاری کار خویش به او؛ راضی بودن به قضای الهی؛ تسلیم بودن در برابر فرمان خداوند.»

این چهار پایه از آثار معرفتند که به نام ایمان شناخته می شوند. برای بارور نمودن درخت یقین باید ریشه های عقل را آب یاری کرد. اولین مرحله در این مسیر توکل است. قرآن مجید در بسیاری از سوره ها مردم به را توکل توصیه فرموده است. در اهمیت توکل همین بس که بیش از شصت آیه از قرآن کریم مربوط به آن است. به عنوان مثال از این آیه شریفه پیداست که توکل لازمه ایمان است:

(وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (2)

«اگر ایمان دارید بر خدا توکل کنید.»

حقیقت توکل

شخصی از امام کاظم (علیه السلام) درباره مفهوم آیه شریفه (وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ) پرسید. امام (علیه السلام) فرمودند:

«توکل بر خداوند متعال دارای درجاتی است. یکی از آن درجات این است که در همه امور به خدا اطمینان داشته باشی که هر چه با تو انجام دهد به آن راضی باشی و بدانی که خداوند متعال جز خیر و نیکی به تو چیزی عطا نمی کند. همچنین بدانی که حکم کردن تنها مخصوص خداوند متعال است. پس با واگذاری همه کارها به خداوند متعال بر او

ص: 110

1- تحف العقول 223؛ 445 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/135؛ 75/63؛ 75/338 - جامع الأخبار (لشعیری) 36

2- سوره مبارکه مائده آیه شریفه 23

توکل کنی و در تمامی آن امور و امور دیگر به او اطمینان داشته باشی.» (1)

آنچه بسیار حائز اهمیت است فهم دقیق حقیقت توکل است. با فهمیدن صحیح آن پایه های توحید شکل می گیرد. کسب چنین اعتقاد و مقامی جز به کمک عالم و مفسری که عاری از خطا و اشتباه باشد میسر نیست. و کسی شایستگی این مقام را جز محمد و آل محمد (علیهم السلام) نخواهد داشت. ایشان در معنای حقیقی توکل فرموده اند:

«معنای توکل آن است که شخص مطمئن باشد که غیر از خواست خدا، کسی نمی تواند نفع یا ضرری به او رساند یا او را از رسیدن به چیزی منع کند یا چیزی به او بدهد و به طور کلی از مخلوقات مأیوس گردد. اگر کسی چنین باشد باید برای غیر خدا کاری نکند، به غیر خدا به احدی امیدوار نباشد، غیر از خدا از کسی نترسد، طمع در مال کسی نبندد، در برابر مخلوقات از ابتلائات خود شکایت نکند، در حضور اشخاص شکر نعمت های خدا را به ریا نگوید، به آنچه از مال دنیا به او برسد سپاس گزار باشد و به کم اکتفا نماید.»

امام معصوم (علیه السلام) در تفصیل معنای توکل فرموده اند:

«مراد از اخلاص این است که شخص چیزی از مردم درخواست نکند تا خود بیابد و چون یافت به آن راضی شود و اگر چیزی بیش از احتیاج خود داشت در راه خدا انفاق کند. پس اگر از خلق خدا درخواست نکرد، با این کار به بندگی خود اقرار نمود است و چون آنچه می خواست به دست آورد و راضی شد، خداوند متعال نیز از او راضی خواهد شد.»

طبق این فرمایش هرکس اضافی مال خود را به نیازمندان بدهد، به فضل خدا یقین کرده است و این کمال اخلاص است. بنابراین توکل یعنی به غیر

ص: 111

خدا کسی را مؤثر نبینیم. امام سجاد (علیه السلام) فرمودند:

«رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ.» (1)

«تمامی خیر را دیدم که در قطع طمع از داشته های مردم جمع شده است.»

بر هر مؤمنی لازم است که برای رسیدن به مقام توکل و خلاصی از منت و ذلت مردم، دائماً، این روایت نورانی و رهگشا را مرور نماید تا این اعتقاد با روح و عقل او ممزوج شود:

«اگر تمام مردم کوشش کنند تا آنچه خدا مقرر نفرموده به تو برسانند، ممکن نیست آن سود به تو برسد.» (2)

همان طور که خدا در قرآن کریم می فرماید:

«وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (3)

«اگر خدا به توزیانی برساند، کسی جز او برطرف کننده آن نیست. اگر هم خیری به تو برساند، پس او بر هر چیزی تواناست.»

در آیه ای دیگر می فرماید:

«وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (4)

«اگر خدا به توزیانی برساند، آن را برطرف کننده ای جز او نیست. اگر

ص: 112

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/148؛ (ط - دارالحدیث) 3/382 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 126 - عدة الداعی و نجاح الساعی 96

- الوافی 4/415 - وسائل الشیعة 9/449 - ... - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/171؛ 72/110

2- بحار الأنوار ج 5 - مضمون این گفته در آیه شریفه 107 سورة مبارکه یونس آمده است.

3- سورة مبارکه انعام آیه شریفه 17

4- سورة مبارکه یونس آیه شریفه 107

هم برای تو خیری بخواهد، بخشش او را ردکننده ای نیست. آن را به هرکس از بندگانش که بخواهد می رساند و او آمرزنده مهربان است.»

با این اعتقاد حرص و تلاش بیش از حد برای متوکل معنا ندارد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند:

«در کسب روزی میانه روی کنید. آنچه نصیب شما باشد تندتر از شما به دنبال تان می دود و آنچه نصیب شما نباشد، هرچه بکشید به آن نمی رسید.» (1)

از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره تفسیر «لا حول و لا قوة الا بالله» پرسیدند. حضرت در جواب فرمودند:

«ما برابر خداوند مالک چیزی نیستیم و مالک چیزی نمی شویم جز آنچه او به ما بخشیده است. پس چون خدا چیزی به ما ببخشد که خود سزاوار است، وظائفی نیز به عهده ما گذاشته است و چون آن را از ما گرفت، تکلیف خود را از ما برداشته است.»

مناجات ذیل مؤمن را به سمت توکل سوق می دهد:

«خدایا، آبرویم را با بی نیازی نگه دار و با تنگ دستی، شخصیت مرا لکه دار مفرما تا از روزی خواران تو روزی نخواهم و از بدکاران عفو و بخشش نطلبم. مرا در ستودن آن کس که به من عطائی فرمود موفق فرما و در نکوهش کسی که از من دریغ داشت آزمایش مفرما. در صورتی که در پشت پرده، اختیار هر بخشش و دریغی در دست توست و تو بر همه چیز توانایی.» (2)

یعنی گرچه در ظاهر بخشش ها و دریغ ها به دست انسان ها صورت می گیرد؛ اما همه آنها به دستور و خواسته خداست. البته تلاش افراد در امور

ص: 113

1- مصباح 7

2- نهج البلاغه خطبه 225

مؤثر است؛ اما اثربخشی این تلاش منوط به اراده خداست. قرآن مجید فرموده است:

(وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) (1)

«انسان به اندازه تلاشش دارا می شود.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

(اطْلُبُوا الرِّزْقَ فَإِنَّهُ مَضْمُونٌ لِطَالِبِهِ.) (2)

«روزی را بجوید؛ زیرا روزی برای جوینده آن ضمانت شده است.»

باید دانست که اسباب و تلاش با اذن خدا مؤثر خواهد بود. هر کسی در طول زندگی خود از این نوع اتفاق ها بسیار تجربه کرده است و دیده است که گاهی تمام تلاش خود را به کار گرفته است ولی به نتیجه نرسیده است. بالعکس، گاهی تلاشی در کار نبوده و یا بسیار اندک است؛ ولی نتیجه مطلوبی به دست آمده است.

اگر تلاش انسان با اراده خدا همراه شود مؤثر خواهد بود. با تأمل در فرمایش های معصومین (علیهم السلام) می توان جایگاه تلاش و توکل و تقویض را مشخص نمود. امام حسن (علیه السلام) فرمودند:

«برای آرزوهای خود آن چنان مکوش که گویا حتماً باید به آنها برسی و بر تقدیر الهی هم آن چنان تکیه نداشته باش که اصلاً اراده و کوششی نداشته باشی؛ چراکه تلاش برای به دست آوردن روزی سنت شریعت است و مختصر طلبی پاک دامنی است. نه عفت رزق را دور می کند و نه

ص: 114

1- سوره مبارکه نجم آیه شریفه 39

2- بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/421 - تفسیر نور الثقلین 5/125 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 12/418 - الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد 1/303؛ 2/403

حرص موجب فراوانی روزی می گردد؛ زیرا رزق تقسیم شده است و روز مرگ معین است و حرص ورزیدن موجب افتادن در گناهان است.» (1)

همچنین آن حضرت (علیه السلام) فرمودند:

«برای دست یابی به بیشتر از روزی خود تلاش نکنید. راضی به مقدار معین شده باشید که فضل خدا شما را بی نصیب نمی گذارد. به جای آن در طلب عفت بکوشید که به کمال نفس برسید. حرص رزق را زیاد نمی کند؛ بلکه سبب رنج و ماتم می گردد. عفت و تقوا موجب سعادت و تقرب می شوند. پس تلاش خود را در راه کسب پارسایی و عفت نفس به کار ببرید.» (2)

همچنین فرموده اند:

«هرچه در جست و جوی سیم و زر بکوشی، بیش از روزی خود به چنگ نخواهی آورد و آنچه افزون از روزی خویش به دست آورده ای نصیب دیگران خواهد شد و جایگاه تو بر آن خزانه بیش از جایگاه يك خزانه دار نخواهد بود. از سفره دنیا لقمه های كوچك بردار تا اگر حلال باشد كشاكش حساب تو سبك تر برگزار شود و اگر حرام باشد بر تو گناهی ننویسند. این چنین از این مردار استفاده کنی و چون چنین کردید ملامت نیز نخواهید شد. این دنیای زیبایی که می بینی، مرداری بیش نیست. از این مردار به میزان حاجت خویش بردار؛ زیرا مردار خواری اگر از مقدار نیاز بیشتر شود حرام است.» (3)

مؤمن با اعتقاد به اراده امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که همان اراده خداست، در می یابد که خداوند به واسطه عنایت امام عصر برکاتش را به مخلوقات می رساند. بنابراین لزومی برای تلاش بیش از حد در جهت کسب روزی وجود ندارد.

ص: 115

1- چرا مرا آفریدند 186 - بشاره المصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) 222 - بحار الانوار 100/35

2- زندگانی حضرت امام حسن (علیه السلام) (عمادزاده) 224 - تحف العقول 57

3- صلح حضرت امام حسن (علیه السلام) (محمد مقیمی)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«کسانی که تلاش فراوانی برای روزی دارند، یقین شان به خداوند متعال کم است.»

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«خدای تعالی روزی احمقان را فراخ گردانید تا خردمندان درس عبرت بگیرند و بدانند که دنیا نه با تلاش و کوشش به دست می آید و نه با زرنگی و تدبیر.» (1)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در شرح این مطلب فرموده اند:

«به یقین بدانید که خداوند متعال برای بنده خود بیش از آنچه در علم الهی وعده فرموده قرار نخواهد داد و میان بنده، هرچقدر هم که ناتوان و بی سیاست باشد، و آنچه در علم خداوند برای او رقم خورده حائلی نخواهد گذاشت. هرکس این حقیقت را دریابد و به کار بگیرد، از همه مردم آسوده تر است و سود بیشتری خواهد برد و آن کس این حقیقت را واگذارد و در آن شک کند، از همه مردم گرفتارتر و زیان کارتر خواهد بود. چه بسا نعمت داده شده ای که گرفتار عذاب شود و چه بسا گرفتاری که در گرفتاری آزمایش گردد و ترقی پیدا کند. پس ای کسی که از این گفتاری بهره مند می شوی، بر شکرگزاری بیفزای و از شتاب بی جا دست بردار و به روزی خود قناعت کن.» (2)

قرآن کریم می فرماید:

(فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) (3)

«آن گاه که عزم کردی و برای کاری برخاستی به خدا تکیه کن و کارت را به او بسپار؛ چراکه خداوند متوکلین را دوست دارد.»

ص: 116

1- میزان الحکمه 4/432 - بحار الانوار 103/34 ح 63

2- نهج البلاغه خطبه 155 حکمت 273

3- سوره مبارکه آل عمران آیه شریفه 159

دانستیم توکل پس از برخاستن معنا پیدا می کند. به عبارت دیگر، توکل صفتِ مرد عمل است، نه صفتِ شخص بیکار. در تفصیل مقام توکل، سخن دو بزرگ و عالم ربانی را درباره توکل عرضه می داریم. خواجه نصیرالدین طوسی فرمود:

«مقصود از توکل این است که بنده، همه آنچه از او سر می زند و برایش رخ می دهد، به خداوند متعال باز گذارد؛ چون معلوم است که خداوند بر همه چیز تواناست و هر چیزی را به نیکوترین و کامل ترین صورت انجام می دهد. چون بنده کار را به خدا واگذار کرد، باید به آنچه خداوند انجام داد خشنود باشد. اما با این همه، بنده باید برای همان چیزی که به خداوند وا گذاشته است تلاش کند. نهایتاً، خودش، قدرت، اراده و کارش را از شروطی بداند که موجب تعلق قدرت و اراده خداوند به وقوع شیء می شود. این معنای «لا جبر و لا تقویض بل امر بین الامرین» است.»

علامه مجلسی (رحمة الله) نیز فرمود:

«معنای توکل این نیست که کوشش را درباره امور ضروری و احتیاط را در مواقعی که احتیاط لازم است، به صورت کلی، کنار بگذاریم؛ بلکه انسان باید چاره جویی کند و اسباب لازم را فراهم آورد؛ اما در نهایت حرص نداشته باشد و تکیه اش بر کوشش خود و اسبابی که فراهم می کند نباشد؛ بلکه بر سبب ساز واقعی تکیه کند. این دستور شریعت است.» (1)

از سخن این دو عالم برجسته جهان تشیع که برداشت شده از کلام معصومین (علیهم السلام) می باشد؛ درمی یابیم که بنده باید برای رسیدن به مقصودش از کوشش دریغ نداشته باشد. اگر مؤمن کار خود را با نیت پاک آغاز و به خدا

ص: 117

توکل کند، خداوند به او وعده راهنمایی و یاری می دهد:

(وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ) (1)

«کسانی که در راه ما کوشیده اند را به یقین به راه های خود راهنمایی می کنیم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است.»

با توضیحی که از روایات و نظر بزرگان برداشت شد، توکل به معنای بیکار نشستن و منتظر معجزه بودن نیست. از طرفی، توکل در معنای مصطلح خود یعنی اعتماد به خدا و قراردادن پروردگار به عنوان یگانه تکیه گاه. مؤمن متوکل قبل از استفاده از اسباب و وسایل، باید به ائمه اطهار (علیهم السلام) متوسل شود و در تمام حالت ها مؤثری جز خداوند متعال و حضرات ائمه معصومین (علیهم السلام) شناسد.

گاهی مؤمن به جایی می رسد که اسباب هم جواب گوی نیازش نمی شود و از تمام واسطه ها ناامید می شود و در دل خود جز خداوند متعال و اهل بیت (علیهم السلام) دری را به سوی خویش گشوده نمی بیند. همانند بیماران صعب العلاجی که از تمام پزشکان ناامید شده اند و با دلی شکسته به سوی ذوات مقدس اهل بیت (علیهم السلام) روی می آورند. ناامیدی از انسان ها یکی از آثار زیبای توکل است. مایوس شدن از انسان ها یقین را به ارمغان می آورد:

«مراد از یقین آن است که مؤمن به مرتبه ای از باور می رسد که در هر عملی خدا را در نظر می گیرد و می داند اگرچه او خدا را نمی بیند؛ ولی خدا او را می بیند.» (2)

با این عقیده، هر بخشش و دریغ و منعی فقط به خواست خدا ممکن

ص: 118

1- سورة مبارکه عنكبوت آیه شریفه 69

2- برهان 2/241 ح 1 - تفسیر جامع 3/376

است. پس چشم داشت از خلائق امری قبیح است. در دیوان منسوب به امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است که:

«به طمع چیزی برای خلق کوچکی مکن؛ زیرا این کوچکی برای دینت زیان آور است. به آنچه در خزینه های خداست راغب شو. مگر نمی بینی به هر یک از مردم که امیدوار و آرزومند هستی، او مستمند پسر مستمند می باشد.»

بنابراین مؤمن چشم طمع را به روی خلق می بندد و دریچه قلبش را به سوی خدای خویش باز می کند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«در تورات آمده است: ای فرزند آدم، مادامی که خزینه من پر است، هرگز بر از میان رفتن روزی خود مترس و البته خزائن من پیوسته مملو خواهد بود.» (1)

همچنین آن حضرت فرمودند:

«حق تعالی در تورات فرموده است: ای فرزند آدم، تو را از خاک و سپس از نطفه و سپس از پاره ای گوشت آفریدم و از آفرینش تو در مانده نگشتم؛ حال آیا در پاره نانی که به تو می رسانم ناتوان خواهم بود؟» (2)

فردی از امام رضا (علیه السلام) پرسید:

«جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا حَدُّ التَّوَكُّلِ فَقَالَ لِي أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ أَحَدًا.» (3)

«حد توکل چیست؟»

حضرت فرمودند:

«این که با اتکای به خدا از هیچ کسی نترسی.»

ص: 119

1- عدة الداعي

2- چرا مرا آفریدند 65 از عدة الداعي

3- الأمالی (للصدوق (رحمة الله)) 240 - عيون أخبار الرضا (عليه السلام) 2/50 - مجموعة ورام 2/165 - وسائل الشيعة 15/274 -

بحار الأنوار (ط - بيروت) 68/134؛ 72/118

مؤمن با این اعتقاد استوار در برابر حوادث روزگار پروردگار را پناهگاه خود می سازد و با این اعتقاد خود را در شمار قوی ترین افراد روی زمین در خواهد آورد. حکایت زیر و کلام گهربار امام هفتم (علیه السلام) عقیده يك متوکل حقیقی را آشکار می سازد.

در بحثی که در کاخ هارون ملعون (لعنت الله علیه) در حضور گرامی حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) رخ داده بود، آن ملعون (لعنت الله علیه)، امام (علیه السلام) را تهدید به قتل نمود. وزیر وقت به عنوان منت گذاشتن بر امام (علیه السلام) به هارون (لعنت الله علیه) گفت:

«از کشتن موسی بن جعفر خودداری کن.»

امام (علیه السلام) پس از شنیدن این سخن به وزیر فرمودند:

«اگر مرگم رسیده باشد شفاعت تو کارساز نخواهد بود.»

سپس به هارون ملعون (لعنت الله علیه) فرمودند:

«اگر مرگم نرسیده باشد تهدید تو اثری نخواهد داشت.»

این کلام الهی نمای زیبایی از متوکل حقیقی است و چه سعادت نصیب مؤمن می شود اگر به مرتبه ای از عقلانیت و بصیرت دینی رسیده باشد که هیچ حول و قوه ای را جز از ناحیه حق تعالی نبیند. امام صادق (علیه السلام) از قول جناب جبرئیل (علیه السلام) فرمودند:

«توکل یعنی یقین کنی به این که انسان ها نمی توانند ضرر و نفعی به تو برسانند و از تمام مخلوقات ناامید گردی. هرگاه بنده چنین شد، عملش را فقط برای خدا انجام می دهد، دلش فقط به سوی خدا تمایل دارد، خواسته اش را فقط از خدا می خواهد و فقط به خدا طمع دارد. این تفسیر توکل است.» (1)

ص: 120

نتیجه ای که از کلام گهربار معصومین (علیهم السلام) گرفته می شود این است که در هنگام تلاش باید چشم امیدمان را از دیگران ببندیم؛ البته برای به دست آوردن روزی باید تلاش کرد؛ ولی برای رسیدن به نتیجه مطلوب، خداوند متعال باید اراده نماید. در اعتقاد مؤمن عاقل، تفکیک کوشش از ناحیه بنده و حاصل آن از طرف خدای متعال، موضوع توکل را واضح می گرداند. دقیقاً مطابق با همان ضرب المثل معروف که می گفت: «از تو حرکت، از خدا برکت.»

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند:

«لَا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَضْمُونٌ عَنْ عَمَلٍ مَفْرُوضٍ.» (1)

«گرچه خداوند متعال در نظام حکیمانه آفرینش ارزاق مردم را تضمین کرده است؛ ولی مبادا اندیشه ضمانت خداوند متعال راجع به رزق مغرورتان سازد و شما را از انجام کار و کوشش باز دارد.»

امر به کار و تلاش یکی از دستورهای بارز معصومین (علیهم السلام) می باشد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«آیا دیده اید کسی در خانه بنشیند و در آن را ببندد و چیزی از آسمان برای او فرود آید؟»

کلیب الصیداوی می گوید که به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «زندگی برایم سخت شده است. از خداوند متعال بخواهید که برای من روزی برساند.» امام (علیه السلام) فرمودند:

ص: 121

1- تحف العقول 489 - الوافی 26/285 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/374 - روایات تربیتی از مکتب اهل البیت (علیهم السلام) 1

«برو کار کن.» (1)

اهل بیت در این امر برای کسی استثناء قائل نشده اند. تمامی امامان معصوم (علیهم السلام) نیز خود عامل به این امر بودند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نمونه بارز انسانی تلاش گر بودند. کاشتن نخلستان ها و حفر چاه ها و... به دست حضرت، گواهی برای همه انسان هاست. در اسلام آن چنان تلاش در راه امرار معاش ارزشمند است که مکرر به آن سفارش شده است. تا جایی که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«اگر قیامت برپا شد و نهالی در دست یکی از شما بود، اگر می تواند آن را بکارد باید بکارد.» (2)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَمْرُكُمْ إِلَّا بِمَا نَأْمُرُ بِهِ أَنْفُسَنَا فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْاجْتِهَادِ وَإِذَا صَلَّيْتُمُ الصُّبْحَ وَانصَرَفْتُمْ فَبَكَّرُوا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَاطْلُبُوا الْحَالَاتِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ سَيَرْزُقُكُمْ وَيُعِينُكُمْ عَلَيْهِ.» (3)

«من امر نمی کنم شما را، مگر به آنچه خودمان به آن امر عمل می کنیم. پس کوشش برای شما لازم است. هرگاه نماز صبح را ادا کردید و از نماز برگشتید، صبح زود در پی روزی بروید. خداوند عزیز و بزرگ به شما روزی می دهد و یاری تان می کند.»

ائمة اطهار (علیهم السلام)، با تأکید فراوان، تمام مسلمین را به کوشش برای معیشت امر فرموده اند. تا جایی که تلاش بعضی از جانوران را برای انسان ها گوش زد

ص: 122

1- کافی باب المعیشه

2- نهج الفصاحه 113

3- الکافی (ط - الإسلامیة) 5/79؛ (ط - دارالحدیث) 9/543 - الوافی 17/23 - وسائل الشیعة 17/22 - جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی (رحمة الله)) 22/80

می فرمایند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«أَبْعِزْ أَحَدَكُمْ أَنْ يَكُونَ مِثْلَ النَّمْلَةِ؟ فَإِنَّ النَّمْلَةَ تَجُرُّ إِلَى جُحْرِهَا.» (1)

«شما از این که مانند مورچه ای باشید، عاجز هستید؟ مورچه دانه را به خانه خودش می برد!»

همچنین فرمودند:

«اگر مردی برای خارکنی به بیابان برود و هیزم جمع کند. سپس آنها را با دوش خود حمل نماید و بفروشد تا بی نیاز گردد و در نهایت اضافی اش را صدقه بدهد بهتر از آن است که از ثروتمندی کمک بخواهد؛ خواه به او چیزی بدهد، خواه محرومش سازد.» (2)

یکی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به نام سعد انصاری، روزی با حضرت مصافحه نمود. چون حضرت دست سعد را زیر و خشن دیدند، فرمودند: «چه آسیبی به دستت رسیده است؟» سعد عرض کرد: «یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، من با طناب و بیل کار می کنم و درآمدم را خرج معاش خانواده ام می نمایم.» رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) دست او را بوسیدند و فرمودند:

«این دستی است که آتش با آن تماس پیدا نمی کند.» (3)

تلاش برای کسب مال حلال باعث آمرزش گناهان می گردد. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیثی دیگر فرمودند:

«إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبًا لَا يَكْفُرُهَا صَلَاةٌ وَلَا صَدَقَةٌ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَمَا

ص: 123

1- الكافي (ط - الإسلامية) 5/79؛ (ط - دارالحدیث) 9/544 - الوافی 17/24 - وسائل الشیعة 17/22 - مرآة العقول فی شرح أخبار

آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 19/24 - جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی) 22/82 - راه زندگی و حیات جاویدان 84

2- مجموعه ورام 2/229

3- اسدالغابه [ابن اثیر - عامه] 2/262 - کتاب روایت تربیتی از مکتب اهل البیت (علیهم السلام) 127

يَكْفُرُهَا قَالَ الْهُمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ.» (1)

«بعضی از گناهان را نماز و صدقه پاک نمی کند.»

عرض شد:

«یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، پس چه چیزی آنها را پاک میکند؟»

حضرت فرمودند:

«غمی که برای به دست آوردن معاش فرد را در بر می گیرد.» (2)

در اسلام تنبلی و بیکاری بسیار مذموم شمرده شده است. اسلام شرافت و عزت را در تلاش برای کسب روزی حلال معرفی می کند. روایات زیادی در مذمت بیکاری و تنبلی و اهمیت کار و کوشش بیان شده است. رعایت تعادل بین کار و کوشش بدون حرص و اشتغال به امور عبادی بسیار سفارش شده است. فرموده اند:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ.» (3)

«کسی که دنیا را برای آخرت و آخرت را برای دنیا ترک کند از ما نیست؛ بلکه کسی که هم برای دنیا و هم برای آخرت کار کند از ماست.»

تقسیم رزق

توکل و تفویض دو امر جدا و در عین حال مرتبط هستند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

ص: 124

1- بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/157 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 13/13 - جامع أحاديث الشيعة (للبروجردی) 22/82 -

الحياة / ترجمه احمد آرام 5/433

2- راه زندگی و حیات جاویدان 80

3- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (عليه السلام) 337 - تحف العقول 410 - من لا يحضره الفقيه 3/156 - الوافي 17/41 - وسائل

الشيعة 14/76 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 6/14 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/321؛ 75/346 - مستدرک

الوسائل و مستنبط المسائل 8/223 - کتاب راه زندگی و حیات جاویدان 80

درباره تلاش برای کسب روزی و تفصیل مراتب آن، سخنانی ایراد و کسب روزی را به چهار بخش تقسیم فرموده اند:

«مردم در کسب روزی چند دسته اند: کسانی که تنها روزی را از طریق کسب و کار می دانند و خداوند متعال را دخیل در امر رزق نمی دانند؛ کسانی که روزی را از ناحیه کسب و کار میدانند و خداوند متعال را هم دخیل می دانند. آنان مشرک هستند؛ کسانی که روزی را از خدا می دانند و کار را سبب رزق ولی شك دارند که آیا خدا روزی میدهد یا نه. این افراد منافق هستند چون خدا را نشناخته اند و خیال می کنند که خداوند تبارک و تعالی وعده دروغ میدهد؛ کسانی که روزی را از خدا می دانند و معتقدند که رزق همه روزی خواران در دست اوست ولی خمس و زکات فقرا و سادات بستگان دور و نزدیک و... را نمی دهند. چنین اشخاصی فاسقانی هستند که حقوق دیگران را غصب می کنند یا به جهت ارائه جنس قلابی و نامرغوب فسق می ورزد؛ کسانی است که روزی را فقط از ناحیه حق تعالی می دانند و کاسبی را صرفاً به عنوان وظیفه انجام میدهد. خداوند متعال مزد هیچ عملی را ضایع نمی کند. هرکس کار کند محصول عملش را برداشت می کند. قانون رحمت حق تعالی همین است.»

حضرت در ادامه می فرمایند:

«چنین افرادی به کار به شکل وسیله نگاه می کنند. آنان حق خدا و سادات و فقرا را می پردازند. هیچ گونه معصیت و خیانتی در کاسبی ندارد. چنین انسان هایی مؤمن مخلص هستند که محصول کارشان بی غش است. خوردن از غذای حلال آنان قلب را نورانی می کند و توفیق اعمال صالح و کارهای خیر را زیاد.» (1)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یکی از سه قسم رزق را این گونه بیان می فرمایند:

ص: 125

«رزقی که تضمین شده است. این همان رزقی است که انسان برای ادامه حیات خود به آن نیازمند است. فرد در هر جا که باشد این روزی به دستش می رسد؛ حتی اگر در بالای کوه های بسیار بلند یا در صحراها یا در قعر دریا باشد.» (1)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در جای دیگری فرمودند:

«لَوْ أَنَّ ابْنَ آدَمَ فَرَّ مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ لَأَدْرَكَهُ كَمَا يَدْرِكُهُ الْمَوْتُ.» (2)

«اگر فرزند انسان از روزی خود فرار کند، باز هم روزی اش همچون مرگ به او می رسد.»

قسم دوم از رزق ها رزق موعود است. این رزق مخصوص اهل تقوا می باشد که بعضا بر اساس مصلحت و حکمت الهی بدون زحمت و مشقت از جایی که گمان ندارند به آن ها می رساند:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (3)

«هرکس تقوای الهی پیشه کند، خدا برایش راه خروجی قرار می دهد* و از جایی که فکر نمی کند روزی او را می رساند.»

قسم سوم از رزق ها رزق مکسوب است. دست یابی به این رزق بستگی به کوشش فرد دارد. اکثر مردم به واسطه کسب تجارت به چنین وسعتی در رزق دست می یابند:

ص: 126

1- بحار الانوار 78/206

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/57؛ (ط - دارالحدیث) 3/149 - التمحيص 52 - تحف العقول 378 - الأمالی (للمفيد (رحمة الله))
284 - الأمالی (للطوسي (رحمة الله)) 61 - مكارم الأخلاق 469 - مجموعة ورام 2/63 - الوافي 4/269 - وسائل الشيعة 15/202 -
بحار الأنوار (ط - بيروت) 67/143؛ 75/209؛ ... - جامع أحاديث الشيعة (للبروجردی (رحمة الله)) 22/122

3- سورة مباركة طلاق آية شريفة 2 و 3

(وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) (1)

«انسان به میزان تلاشش داراست.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

(وَالرِّزْقُ رِزْقَانِ رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَرِزْقٌ يَطْلُبُكَ.) (2)

«رزق دو نوع است: آن که تو آن را می طلبی؛ آن که او تو را می طلبد. پس آن را از حلال طلب کن.»

همچنین فرمودند:

«سه چیز در دنیا به انسان می رسد: رزق؛ مرگ؛ عمل صالح.»

پس از مرور این گونه روایات و معتقدشدن به آنان، مؤمن به معرفت حقیقی دست میابد و این در حالی است که به اراده خدای متعال اطمینان پیدا کرده است. امام صادق (علیه السلام) در این باره فرموده اند:

(ثِقْ بِاللَّهِ تَكُنْ عَارِفًا.) (3)

«به خداوند متعال اعتماد کن تا خداشناس باشی.»

مؤمن هیچ گاه کاهش روزی یا ازدیاد آن را از ناحیه کسی غیر از خداوند یکتا نمی پندارد؛ چراکه فرموده اند:

«بخشش و دریغ فقط به اراده خداوند متعال است.»

ص: 127

1- سورة مبارکه نجم آیه شریفه 39

2- تحف العقول 82 - من لا يحضره الفقيه 4/386 - التوحيد (للصدوق) 373 - نهج البلاغة (للصباحي صالح) 404؛ 543؛ 747 - خصائص الأئمة (عليهم السلام) 117 - كنز الفوائد 2/197 - الوافي 26/235 - وسائل الشيعة 17/50 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 5/147؛ 74/210؛ 74/229؛ 100/21؛ 100/37؛ 100/40؛ 100/103 - تفسير نور الثقلين 4/211؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 13/34؛ 13/37 - مكاتيب الأئمة (عليهم السلام) 2/415

3- تحف العقول 376 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 75/261 - عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال [مستدرک سيدة النساء (عليها السلام) إلى الإمام الجواد (عليه السلام)] 20/668 - مكاتيب الأئمة (عليهم السلام) 4/238

پس برای آن که نفس را تربیت نموده و عقل را به یقین سوق دهیم، باید در سختی و راحتی بگوییم:

«وَلَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ وَلَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ وَلَا مُيسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ وَلَا مُعَسِّرَ لِمَا يَسَّرْتَ.» (1)

«گشاینده ای برای دری که تو بسته ای نیست و کسی نمی تواند دری را که تو گشوده ای ببندد و هموارکننده ای برای آنچه تو سخت گردانیده ای نیست.»

البته یکی از شرایط استجاب دعا نیز اعتقاد به همین نکته است. چنان که فرموده اند:

«هر وقت یکی از شما چیزی از خداوند متعال بخواهد و امید به اجابت داشته باشد، باید از تمام هستی و موجودات ناامید گردد و به هیچ چیز و هیچ کس امیدی نداشته باشد. وقتی که فرد در دل خود یقین نمود که نباید از غیر خدا از کسی حاجت بخواهد و اطمینان حاصل کند که حاجتش را فقط خدا می دهد، خداوند متعال هم حاجت او را برآورده می سازد.» (2)

بنای توکل بر آسودگی است و خود، نردبانی برای بی نیازی خواهد بود. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«أَنَّ الْغِنَى وَالْعِزَّ يَجُولَانِ فَإِذَا ظَفِرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أُوطِنَا.» (3)

ص: 128

1- دعای یا من نحل به عقدالمکارم از مفاتیح الجنان - الصحيفة السجادية 54 - إقبال الأعمال (ط القديمة) 1/121 - المصباح للكفعمی 233 - بحار الأنوار (ط بیروت) 92/230؛ 95/19

2- جامع 4/514 - امالی 1/34

3- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (عليه السلام) 358 - الكافي (ط - الإسلامية) 2/65؛ 3/167 - مجموعة ورام 2/185 - الوافی 4/282 - وسائل الشيعة 15/212 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليه السلام) 5/540 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 68/126

«بی نیازی و ثروت و عزت در حرکتند تا موقعی که محل توکل را بیابند. آن گاه در آن جا ساکن می شوند.»

همچنین امام جواد (علیه السلام) فرمودند:

«الثَّقَّةُ بِاللَّهِ تَمَنَّيْ لِكُلِّ غَالٍ وَ سُلِّمْ إِلَى كُلِّ عَالٍ» (1)

«اعتماد به خدا بهای هر چیز گران قیمتی و نردبانی به سوی هر بلندی است.»

اما بخش دیگری از ابعاد توکل، واگذار نمودن امور به خداوند قادر و حکیم است. چون به حکمت و رحمت خدا اطمینان داریم، باید در برابر نحوه اجرای کارها به دست او نیز سکوت کنیم و تسلیم نظر او شویم؛ زیرا خدا چیزهایی را می داند و می بیند که ما نمی دانیم و نمی بینیم. پس باید در برابر عمل کرد خدا تسلیم بود و صبر اختیار نمود و برای تربیت و برآوردن حاجت و رهایی از مشکل ها، به اراده حق تعالی، که بهترین وکیل است، اتکا نمود:

«وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (2)

«و گفتند که خدا ما را بس است و او چه نیکو حمایت گری است.»

نتیجه سپردن کارها به خدا آرامشی در وجود انسان است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«الْمُفَوَّضُ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ فِي رَاحَةِ الْأَبَدِ وَ الْعَيْشِ الدَّائِمِ الرَّغَدِ وَ الْمُفَوَّضُ حَقًّا هُوَ الْعَالِي عَنْ كُلِّ هِمَّةٍ دُونَ اللَّهِ» (3)

ص: 129

1- نزهة الناظر و تنبيه الخاطر 136 - الدررة الباهرة من الأصداف الطاهرة با ترجمه (ط - القديمة) 40 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 75/364 - عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال [مستدرک سیده النساء (علیها السلام) إلى الإمام الجواد (علیه السلام)] 23/288

2- سورة مبارکه آل عمران آیه شریفه 173

3- شرح مصباح الشریعة / ترجمه عبد الرزاق گیلانی 521 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 68/148 - تفسیر نور الثقلین 4/520

«کسی که کار خود را به خدا واگذارد، در راحتی ابدی و زندگی جاودانه پر برکتی است. کسی که حقیقتاً کار خود را به خداوند متعال واگذارد، برتر از آن است که به غیر او بباندد.»

گفته شد که تقویض به معنای بی عملی نیست؛ بلکه انسان باید نهایت سعی خود را به کار ببندد و هنگامی که فقر و بیماری و... به سراغش آمد، همه را بنا به مصلحت و حکمت خداوند خیر بداند. معنای واقعی تقویض یعنی تسلیم بودن در برابر حوادث و تقدیرات. این که انسان در مشکل ها وحشت نکند و دل سرد نگردد و از گشایش ناامید نشود؛ بلکه صبر و تسلیم را اختیار کند؛ چراکه حق تعالی برای رساندن شخص به حاجتش، مراحل را برای بنده می پسندد که ظاهرش سخت و ناخوشایند است اما سراسرش منفعت است و برای تربیت بندگان لازم. امام حسن عسکری (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«مَا مِنْ بَلِيَّةٍ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهَا نِعْمَةٌ تُحِيطُ بِهَا.» (1)

«خداوند متعال پیرامون در هر گرفتاری و بلایی نعمتی گذاشته است که به آن احاطه دارد.»

خداوند کریم برای بعضی از بندگان فقر را می پسندد تا نهال ایمان آنان را آب یاری کند. یا بیماری را بر مؤمن نازل می کند تا بدین وسیله ارتقاء درجه پیدا کند و عبودیت او به حد کمال برسد.

زمانی که فرد از غیر خدا ناامید شد و در برابر امر خدا تسلیم شد، با عنایت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گشایشی کریمانه در زندگی اش رخ خواهد داد؛ زیرا کرم و جود

ص: 130

باری تعالی اقتضاء می کند که سائل را به مقصد برساند. اقتضاء توکل نیز برآوردن حاجت است. چنان که وعده حق تعالی را به متوکلین در قرآن می خوانیم:

(فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ) (1)

«پس دعای او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانندیم و مؤمنان را نیز چنین نجات می دهیم.»

کسی که از خدا چیزی می خواهد نباید انتظار داشته باشد که به سرعت به خواسته اش برسد؛ زیرا خداوند با حکمت خویش، نیاز مؤمن را در روز مقرر برآورده می کند. پس بهترین کار اطمینان نمودن به وکالت حق تعالی می باشد. باید دانست که خداوند متعال خیر و خوبی بنده را در این مرحله می بیند و باید پس از واگذاری امور به وکیل، تسلیم تقدیرات و اراده او گردد؛ چراکه خداوند هفت برابر یک مادر به بندگان خود مهربان تر است.

باید یقین داشت که خداوند به همه توکل کنندگان وعده اجابت داده است؛ ولی زمان آن را، بنا بر مصلحت خویش، به بندگان اعلام نمی کند. (2)

گاهی حتی چون حاجت شخص برایش ضرر داشته است و رسیدن به آن حاجت برای او برابر با تباهی است، برآورده نمی شود.

فناعت در مقابل حرص

مؤمن در هر حالی باید به مقدرات الهی راضی باشد. به عنوان مثال، در

ص: 131

1- سوره مبارکه انبیاء آیه شریفه 88

2- در کتاب تقدیرات در این زمینه احادیث مربوطه گردآوری شده است. برای اطلاع بیشتر به این کتاب مراجعه نمایید.

بحث رزق و روزی، بهترین وسیله فراهم نمودن آرامش خاطر، قناعت به رزقی است که برای انسان مقدر شده است. پیروی از این روایات بسیار شگفت، بهترین راه گشا در کوران سختی های زندگی خواهد بود:

«وَمَنْ اِفْتَصَرَ عَلٰى بُلْغَةِ الْكِفَافِ فَقَدْ اِنْتَضَمَ الرَّاحَةَ.» (1)

«هرکس به درآمدی که به کفاف زندگی اش رسا باشد اکتفا کند، از پریشان فکری نجات یافته و بدین وسیله آسایش خاطر خود را فراهم نموده است.»

علاوه بر آن، مؤمن باید بداند که تقدیرات مالی در عصر غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای شیعیان به اندازه ضرورت است تا به این واسطه امتحان شوند و میزان صبر و تسلیم شان آشکار گردد و حجتی برای دیگران باشند. امام صادق (علیه السلام) درباره تنگ دستی شیعیان فرمودند:

«در دولت باطل به جز قوت و مقدار لازم چیزی عاید شیعیان خالص ما نمی گردد. اگر بخواهند مشرق و مغرب را درنوردند، هرگز به جز قوت و روزی لازم، چیزی به دست نخواهند آورد.» (2)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره تلاش های طاقت فرسا و راضی نشدن به روزی مقدر شده می فرمایند:

«خدای متعال در تورات فرمودند: ای فرزند آدم، اگر به آنچه روزی تو کرده ام راضی شدی، آرامش دل و آسایش تن خواهی داشت و ستوده می شوی و اگر به آنچه روزی تو کرده ام راضی نگشتی دنیا را آن چنان بر تو مسلط می سازم که چون حیوانات وحشت زده بیابان در تکاپو

ص: 132

1- الکافی (ط - الإسلامية) 8/19؛ (ط - دارالحديث) 15/61 - تحف العقول 93 - مجموعة ورام 2/40 - الوافی 26/18؛ 26/234 - وسائل الشيعة 16/18 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 25/39 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 66/411؛ 74/281 - تفسیر نور الثقلین 4/211

2- کافی 2/261 - بحار الانوار 69/10

بیافتی. البته جز به آنچه روزی تو ساخته ام دست نمی یابی و نکوهش نیز خواهی شد.» (1)

برای صحیح زندگی کردن، همین چند روایت مؤمن را کفایت می کند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«در کسب روزی میانه روی کنید. آنچه نصیب شما باشد تندتر از شما به دنبال تان می دود و آنچه نصیب تان نباشد، هرچه بکوشید به آن نمی رسید.» (2)

این کلام نیز آرامشی برای روح خسته و سرگردان تلاش کنندگان در طلب رزق است. طبق تجربه، افرادی که برای به دست آوردن روزی فراوان، دست به کارهای زیادی زده اند، عاقبت به غم و غصه و مرگ مبتلا شده اند.

بر هر مؤمنی واجب است که به رزق خود قانع باشد تا برای خدا و مردم محترم باشد؛ زیرا قناعت، تسلیم و رضایت به مقدرات، باعث عزت است. مردی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض نمود: «مرا عملی تعلیم فرما که وقتی آن را انجام دادم خداوند آسمان مرا دوست بدارد و مردم روی زمین هم به من محبت ورزند». حضرت فرمودند:

«به آنچه نزد خداست رغبت داشته باش و از آنچه در دست مردم چشم بپوش تا هم خدا و هم مردم تو را دوست داشته باشند.» (3)

چشم پوشی از دارایی های دیگران و قطع طمع فقط با قناعت ممکن است. چنان که سیره مؤمنان حقیقی چنین است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

ص: 133

1- چرا مرا آفریدند 65

2- کتاب نصایح 70 - امالی شیخ صدوق (رحمة الله) 225

3- بحار الانوار 15/14 - خصال 1/32

«مؤمن به آنچه دارد قانع است.»

مردی از وضع روحی خود به امام صادق (علیه السلام) شکایت نمود و گفت که در طلب مال می رود و ثروت به دست می آورد ولی نفسش سیر نمی شود و حرص وی برای طلب مال بیشتر می شود. سپس عرض کرد که به من چیزی بیاموزید که در اصلاح خوی خود از آن بهره بگیرم. حضرت (علیه السلام) در جواب فرمودند:

«اگر به آنچه کفاف زندگی ات را می کند اکتفا کنی، کمترین مال دنیا بی نیازت می کند و اگر اکتفا نکنی تمام ثروت جهان نمی تواند تورا بی نیاز سازد.» (2)

اگر حرص و طمع و حب دنیا از دل بیرون برود، کمترین روزی مقدر هم فرد را راضی خواهد نمود؛ زیرا خداوند متعال بر اساس مصلحت خود به اندازه ای که کفایت امور مؤمن بشود رزق را نازل می گرداند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این باره فرموده اند:

«تَنْزِلُ الْمَعُونَةَ عَلَى قَدْرِ الْمُؤْتِنَةِ.» (3)

«کمک الهی به اندازه نیاز فرود می آید.»

اهل بیت (علیهم السلام) درباره حرص به مال و روزی دنیا فرموده اند:

«دنیا مانند آب دریاست؛ هرچقدر بنوشی باز تشنه تر خواهی شد.»

ص: 134

-
- 1- کتاب سلیم بن قیس الهمالی 2/851 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/230؛ (ط - دارالحدیث) 3/581 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 64/316؛ 64/367؛ 75/30؛ .. - کتاب کیش پارسایان 182
 - 2- رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) 431 - کافی 2/139
 - 3- نهج البلاغه حکمت 139 - نهج البلاغه (للصباحی صالح) 494 - خصائص الأئمة (علیهم السلام) (خصائص أمير المؤمنين (علیه السلام)) 104 - وسائل الشيعة 16/325 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 101/72 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/368 - منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه (خوئی (رحمة الله)) 21/211 - مجمع البحرين 6/285

علاوه بر این که حرص و طمع روزی را زیاد نمی کند، بدبختی، سرگردانی، پریشان حالی و از همه بدتر، ذلت و خواری را نصیب فرد می گرداند. از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) سؤال شد: «پست ترین ذلت ها کدام است؟» حضرت در جواب فرمودند:

«فَأَيُّ ذُلٍّ أَدْلُّ قَالَ الْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا.» (1)

«حرص و طمع به اموال دنیا بزرگ ترین ذلت است.»

حرص و طمع نتیجه نداشتن اطمینان به خداوند است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«عَلَى الشَّكِّ وَقِلَّةِ الثِّقَةِ بِاللَّهِ مَبْتَى الْحِرْصِ وَالشُّحِّ.» (2)

«بنیان حرص و بخل شك و کمبود اطمینان به پروردگار است.»

اگر یقین شخص به آن حد نرسیده باشد که تقسیم کننده روزی را فقط خدا بداند، طمعش زیاد می گردد و چون حرص انسان شدت گرفت، آن چیزی که عاید او می گردد سختی قلب و دور شدن از مقام قرب است. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره فرمودند:

«مِنْ عَلَامَاتِ الشَّقَاءِ جُمُودُ الْعَيْنِ وَ فَسْوَةُ الْقَلْبِ وَ شِدَّةُ الْحِرْصِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ.» (3)

«از نشانه های شقاوت و خشکی چشم و سختی قلب شدت حرص در تحصیل رزق و اصرار بر گناه است.»

ص: 135

1- من لا يحضره الفقيه 4/382 - الخصال 1/243 - الوافی 26/227 - وسائل الشیعة 2/436؛ 7/83؛ 16/19 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/176؛ 74/170؛ ...

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 328 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 72

3- الخصال 1/243 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 256 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 67/52؛ 70/162؛ 70/349؛ 90/330 - تفسیر نور الثقلین 2/398 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 6/246

مؤمنی که در دنیا با راهنمایی های امامان معصوم (علیهم السلام) به مرتبه ای از عقل و بصیرت رسیده باشد که حرص را از قلب خود دور کرده و به کمترین مقدار از اموال دنیا قانع باشد، ثروتمندترین خلق است. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«وَأَغْنَى النَّاسِ مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحِرْصِ أُسِيرًا.» (1)

«بی نیازترین مردم کسی است که اسیر حرص نباشد.»

بیچاره انسانی که از شدت حب دنیا، هرچقدر هم برای ارضاء طمع و حرص خود تلاش می کند، نتیجه ای که دلش را قانع سازد نمی بیند. این تلاش ها برای او همانند کندن قبری است که برای دفن خویش آماده می سازد. امام محمد باقر (علیه السلام) چه زیبا فرموده اند:

«انسان حریص به دنیا مثل کرم ابریشم است که هرچه بیشتر در اطراف خود تولید ابریشم می کند خروج برای او سخت تر می شود تا این که در غصه و غم می میرد.» (2)

دنیاطلبان غصه دنیا خوردند *** عقباطلبان لذت دنیا بردند

چنین افرادی هیچ گاه از هیچ چیز دنیا سیر نمی شوند و آن قدر از مردار

ص: 136

1- الکافی (ط - دارالحدیث) 3/770 - من لا یحضره الفقیه 4/395 - الأمالی (للصدوق) 21 - کنز الفوائد 1/300 - الوافی 26/159 -

بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/160؛ 74/112 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/59

2- وظائف شیعه بودن 59 - بحارالانوار 73/23

گنبدیده دنیا می خورند تا بمیرند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده اند:

«لَوْ كَانَ لِابْنِ آدَمَ وَآدِيَانِ مِنْ ذَهَبٍ لَابْتَغَى إِلَيْهِمَا ثَالِثًا وَلَا يَمْلَأُ جَوْفَ ابْنِ آدَمَ إِلَّا التُّرَابُ وَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ تَابَ.» (1)

«اگر برای فرزند آدم دو دژه از طلا بود، در پی سومین آن می گشت. شکم فرزند آدم را فقط خاک پر می کند. البته خداوند متعال هرکس را که توبه کند می پذیرد.»

همچنین بعضی از انسان ها آن چنان گرفتار حرص می شوند که حاضرند حتی شب را نیز تا به صبح مشغول کار شوند، در صورتی که امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ بَاتَ سَاهِرًا فِي كَسْبٍ، وَلَمْ يُعْطِ الْعَيْنَ حَظَّهَا مِنَ النَّوْمِ، فَكَسَبُهُ ذَلِكَ حَرَامٌ.» (2)

«هرکس برای کسب مال شب را نخوابد کار حرامی انجام داده است.»

همچنین می فرمایند:

«الصُّنَاعُ إِذَا سَهَرُوا اللَّيْلَ كُلَّهُ فَهُوَ سُحْتٌ.» (3)

«اگر صنعت گران از شب تا صبح کار کنند، کار حرامی کرده اند.»

با این همه سختی های جان گاه برای طلب روزی و حرص و طمع در مال

ص: 137

-
- 1- مجموعه ورام 1/163 - شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد [معتزلی - عامه] 17/14؛ 20/174 - نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)) 48 - ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن 4/437 - روضه الوعظین 2/429
 - 2- الکافی (ط - الإسلامية) 5/127؛ (ط - دارالحدیث) 9/691 - الوافی 17/189 - وسائل الشیعة 17/164 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 19/93 - جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی) 22/734
 - 3- الکافی (ط - الإسلامية) 5/127؛ (ط - دارالحدیث) 9/691 - الوافی 17/189 - وسائل الشیعة 17/164 - البرهان فی تفسیر القرآن 2/303 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 19/93 - تفسیر نور الثقلین 1/634 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 4/121

اندوژی، چیزی جز حساب و عقاب در قیامت نصیب شخص نخواهد شد. امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند:

«هر رزق حلالی که به انسان می رسد حساب دارد و اگر حرام باشد، دارای عقاب است. این حساب و عقاب در درگاه الهی در انتظار چنین فردی است.» (1)

همین روایت برای شخص عاقل بس است تا به خود بیاید و بداند که اموال خود را چگونه و از کجا به دست آورده است و در چه راهی خرج می کند.

پس بهترین راه رسیدن به آسایش در دنیا قناعت و میانه روی در خرج کردن است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) راه در امان ماندن از تهی دستی را با احتیاط خرج کردن معرفی می نمایند:

«مَا عَالَ امْرُؤٌ اَقْتَصَدَ.» (2)

«کسی که در خرج میانه روی در پیش بگیرد، فقیر نمی شود.»

اسراف و تبذیر

متأسفانه امروزه بلای خانمان سوزی که اغلب مردم را فراگرفته رو آوردن به مد و دکوراسیون منازل و... است که ناشی از حب دنیاست. تجملاتی که تحت عنوان نیاز و ارتقاء شخصیت و حفظ آبرو و توجیه می شوند. با آمدن تکنولوژی و پیشرفت علم، رفاه گسترش پیدا کرد و انسان به جای شکرگزاری و استفاده معقولی که در آن اسراف نباشد، فریب دنیا را خورد و به زیبایی های آن روی آورد. زیبایی هایی که بیشترشان خارج از مقدار نیاز انسان است و اسراف

ص: 138

1- گنجینه وعاظ 5/171

2- جامع احادیث الشیعة (للبروجردی) 22/262؛ 22/264 - الحیة / ترجمه احمد آرام 3/274

محسوب می شود. در این نوع زندگی، به دلیل وجود رقابت های مالی، افراد مجبور به قرض گرفتن می شوند که نتیجه ای جز بدهکاری و بدبختی برای شان نخواهد داشت. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ.» (1)

«بیشترین به خاک افتادن عقل زیر درخشندگی طمع هاست.»

یعنی عامل اصلی خاموشی نور عقل که منجر به شکست و تباهی می گردد، طمع می باشد. پس بر هر مؤمن عاقلی لازم است که برای رسیدن به آسایش و سعادت دو سرا و خلاصی از ذلت قرض و تنگ دستی، به اندازه روزی مقدر خود خرج نماید؛ چراکه برکت نیز در همین میانه روی می باشد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ السَّرْفَ يُوْرِثُ الْفَقْرَ وَإِنَّ الْقَصْدَ يُوْرِثُ الْغِنَى.» (2)

«زیاده روی و اسراف موجب تنگ دستی و میانه روی سبب بی نیازی خواهد بود.»

«اسراف» و «سرف» به معنای تجاوز از حد میانه روی در هر کاری است. البته بیشتر به امور مالی اطلاق می گردد. (3) اسراف ضد میانه روی است و به معنای تجاوز از اعتدال می باشد. «سرف» نیز اسم مصدر آن است. مرحوم

ص: 139

-
- 1- نهج البلاغة (للصباحی صالح) 507 - عیون الحکم و المواعظ (للثی) 116 - غرر الحکم و درر الکلم 204 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 298 - وسائل الشیعة 16/25 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/170
 - 2- الکافی (ط - الإسلامیة) 4/53؛ (ط - دارالحدیث) 7/341 - من لا یحضره الفقیه 174/3 - الوافی 10/497؛ 17/84 - وسائل الشیعة 17/64؛ 21/552 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 6/22 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 16/184 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 9/428 - وظائف شیعه بودن 257
 - 3- کتاب مفردات راغب ماده سرف

طبرسی (رحمة الله) نویسنده "مجمع البيان" تجاوز در جانب افراط را «اسراف» و در جانب تفریط را «سرف» نامیده است. (1)

همچنین تَبذِيرَ به معنای تفریق، از ماده «بَذَرَ» (پاشیدن تخم) است که در کلام عرب به طور استعاره درباره کسی به کار می رود که مال خود را ضایع می کند. (2)

متأسفانه در زندگی بسیاری از مؤمنان، علی الخصوص متمولین، ضایع نمودن اموال تحت عنوان «شأنیت» دیده می شود، در حالی که ائمه معصومین (علیهم السلام) در چنین اموری به حدی حساس هستند که وقتی شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید که نزدیک ترین حد اسراف چیست، حضرت (علیه السلام) فرمودند:

«ابْتِدَاءُكَ تَوْبَ صَوْنِكَ وَإِهْرَاقَكَ فَضْلَ إِيَّاكَ...» (3)

«تغییر دادن لباسی که از تو محافظت می کند، دور ریختن باقی مانده آب و غذاست.»

مسئله اسراف در دین ما بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا حتی در جزئی ترین اتفاق های زندگی تأثیر منفی خواهد داشت. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«میان روی امری است که خداوند متعال آن را دوست دارد و اسراف را دشمن می دارد. حتی دور انداختن هسته خرما را دشمن می دارد؛ زیرا

ص: 140

1- مجمع البيان - سورة مبارکه مانده آیه شریفه 7

2- کتاب مفردات راغب ماده تبذیر

3- الکافی (ط - الإسلامية) 4/56؛ 6/460؛ (ط - دارالحدیث) 7/350؛ 13/62 - الخصال 1/93 - الوافی 17/85 - وسائل الشیعة

5/51 - وسائل الشیعة 5/52 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 16/187 - بحار الأنوار (ط -

بیروت) 72/304 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 9/429

برای امری صلاحیت دارد. یا حتی ریختن زیادی آبی که می خوری.» (1)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روزی از راهی عبور می کردند. یکی از اصحاب به نام سعد مشغول وضوگرفتن بود. آب زیادی روی بدنش می ریخت. حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «ای سعد، چرا اسراف می کنی؟! سعد عرض کرد: «آیا در آب وضو نیز اسراف است؟» حضرت فرمودند: «آری، حتی اگر در کنار نهر جاری باشد.» (2)

روزی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عیادت علاء بن زیاد حارثی تشریف بردند. هنگامی که وسعت خانه او را مشاهده کردند، به او فرمودند:

«تو در دنیا خانه ای به این وسعت برای چه می خواهی؟ اگر می خواهی در آخرت به خانه ای وسیع برسی، در این خانه میهمان نوازی کن، صلۀ رحم به جای آور و حقوق برادر دینی ات را ادا نما.» (3)

امام صادق (علیه السلام) در تفصیل موضوع اسراف و نحوه خرج نمودن اموال فرمودند:

«اسراف نکنید؛ چراکه خداوند متعال مسرفان را دوست ندارد. آیا فکر می کنی خداوند متعال کسی را که از مال خدا اسبی به ده هزار درهم بخرد، در حالی که مرکب بیست درهمی هم برای او کافیست، امانت دار خویش قرار داده است؟»

سپس حضرت (علیه السلام) دوباره فرمودند:

«زیاده روی نکنید؛ زیرا خداوند متعال اسراف کنندگان را دوست ندارد.»

متأسفانه جامعه متمولین اهل تدین برای مراسم عزا و عروسی و... تحت

ص: 141

1- کافی 4/56

2- تفسیر الصافی 3/187

3- نهج البلاغه خطبه 209

عنوان شأنیت چه اسراف ها و تبذیرهایی که انجام نمی دهند! حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نشانه ها و روش اسراف کاران را چنین فرمودند:

«لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ وَيَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَيَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ.» (1)

«اسراف کننده سه علامت دارد: آنچه شایسته او نیست می خورد؛ آنچه در شأن وی نیست می خرد؛ آنچه سزاوار او نیست می پوشد.»
همچنین فرمودند:

«أَلَا وَإِنْ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ.» (2)

«آگاه باشید که مصرف مال در غیر جایگاهش تبذیر و اسراف است.»
خداوند در قرآن می فرماید:

«وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (3)

«اسراف نکنید! خداوند متعال اسراف کنندگان را دوست ندارد.»

حق تعالی در برابر چنین افرادی موضع دشمنی می گیرد و در جای دیگری می فرماید:

«وَاهْلِكْنَا الْمُسْرِفِينَ» (4)

«اسراف کاران را هلاک کردیم.»

البته شاید این هلاکت برای اسراف کنندگانی که در اوج تجاوز و اسراف قرار می گیرند محقق گردد. هر کسی هم به میزان اسراف و تجاوز از اعتدال به

ص: 142

-
- 1- من لا يحضره الفقيه 3/167 - روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة) 6/453 - الحياة / ترجمه احمد آرام 4/469 - مجمع البحرين 5/69 - كتاب مشكل اسراف 58
 - 2- نهج البلاغة (للصباحي صالح) 16؛ 183 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 32/48؛ 72/358
 - 3- سورة مباركة اعراف بخشی از آیه شریفه 31 - سورة مباركة انعام بخشی از آیه شریفه 141
 - 4- سورة مباركة انبياء آیه شریفه 9

عقوبتی مبتلا می شود و مؤاخذه می گردد. یکی از این هلاک شدگان فرعون (لعنت الله علیه) است. قرآن مجید می فرماید:

(وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ لِمَنْ الْمُسْرِفِينَ) (1)

«همانا فرعون در زمین تجاوز و بلندپروازی کرد و به راستی او از اسراف کنندگان بود.»

همچنین در آیه دیگری می فرمایند:

(وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ) (2)

«به راستی که اسراف کنندگان اهل عذاب و آتش دوزخند.»

از تبعات بسیار جدی و حتمی اسراف، به جز مؤاخذه در آخرت، ابتلائی همانند فقر است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

(إِنَّ السَّرْفَ يورِثُ الْفَقْرَ، وَإِنَّ الْقَصْدَ يورِثُ الْغِنَى.) (3)

«به راستی که اسراف فقر را و میانه روی ثروت را در پی دارد.»

متأسفانه در جامعه ما به علت نبود میانه روی و قناعت بسیاری از افراد مبتلا به شکست مالی می گردند. هر کسی در شکست اقتصادی باید خویش را ملامت کند؛ زیرا حق تعالی به اندازه کافی قدرت تشخیص راه از چاه را در فکر هر کسی قرار داده است. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

(أَرْبَعَةٌ لَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ: أَحَدُهُمْ كَانَ لَهُ مَالٌ، فَأَفْسَدَهُ.) (4)

ص: 143

1- سورة مبارکه یونس آیه شریفه 83

2- سورة مبارکه غافر آیه شریفه 43

3- الکافی (ط - الإسلامية) 4/53، (ط - دارالحدیث) 7/341 - من لا - يحضره الفقيه 3/174 - الوافی 10/497؛ 17/84 - وسائل الشیعة 17/64؛ 21/552 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 6/22 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه وآله وسلم) 16/184 - تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب 9/428 - كتاب مشكل اسراف 46

4- الکافی (ط - دارالحدیث) 7/350 - كتاب مشكل اسراف 46

«چهار نفرند که دعای شان مستجاب نمی شود: یکی از آن ها کسی است که مالش را به وسیله اسراف تلف می کند و فقیر می شود. اگر چنین شخصی بگوید که خدایا، (پس از این فقر) به من ثروت عطا کن، به او خطاب می شود که مگر تو را به میانه روی امر نکرده ام؟»

دلیل اجابت نشدن دعای مسرفین این است که با آگاهی خود فریب شیطان را خورده اند. خداوند دلیل بی اعتنایی به مسرفین را این چنین بیان می کند:

(إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا) (1)

«چراکه اسراف کاران برادران شیاطین هستند و شیطان همواره در برابر پروردگارش ناسپاس بوده است.»

منظور از این ناسپاسی آن است که فرد مسرف از اندازه ضرورت و رفع احتیاج خود گامی فراتر گذاشته است و به جای احسان و انفاق به تنگ دستان، به حیف و میل کردن اموالش و روی آوردن به تجملات و اقدام کرده است. امام معصوم (علیه السلام) فرموده اند:

«فقیر و غنی در قیامت آرزو می کنند که ای کاش در دنیا فقط به قدر ضرورت برداشت می کردند.» (2)

میانه روی در هزینه ها و قناعت از توفیقات مؤمن است که اصلاح دنیا و آخرت وی را ضمانت می نماید. اهمیت آن به اندازه ای است که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

(إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْإِفْتِصَادَ وَحُسْنَ التَّدْبِيرِ وَجَبَّهُ سُوءَ التَّدْبِيرِ وَالْإِسْرَافِ.) (3)

ص: 144

1- سورة مبارکه اسرا آیه شریفه 27

2- میزان الحکمة باب الدنيا

3- کتاب مشکل اسراف 20 - مستدرک 15/266 - عیون الحکم و المواعظ (لیثی) 131 - جامع أحادیث الشيعة (بروجردی) 22/256

«هنگامی که خداوند متعال برای بنده ای خیر بخواهد، به او راه میانه روی و مدیریت صحیح را می آموزد و از مدیریت ناصحیح و اسراف کاری باز می دارد.»

از ناحیه معصومین (علیهم السلام) اجازه ای برای کسب مال بیش از حد نیاز و ضرورت، هرچند حلال، صادر نشده است، مگر در مواقعی که بحث نیکی به نیازمندان مؤمن پیش می آید. آنچه اهل ایمان به آن امر شده اند این است که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«الْمَالُ وَبَالٌ عَلَى صَاحِبِهِ إِلَّا مَا قَدَّمَ مِنْهُ.» (1)

«مال و بال صاحب آن است، مگر آنچه برای آخرت مقدم بدارد.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«أَمْسِكْ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ وَ قَدِّمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ فَاقَتِكَ.» (2)

«از مال به مقدار ضرورت نگه دار و اضافی آن را برای روز نیازمندی ات پیش بفرست.»

جدای از دنیا، هرچقدر هم در امور خیر و صالح تلاش مضاعف اعمال شود، باز هم کم است؛ چراکه جزو امور اخروی هستند:

«اسراف در عمل خیر معنا ندارد.»

تنها قسم اسراف - که البته به زعم دنیا طلبان اسراف است - که در آن خیر وجود دارد، انجام کار نیک است؛ چراکه مؤمنین موظف هستند تا توان دارند

ص: 145

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 59 - غرر الحکم و درر الکلم 108/ح 1978 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 367 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 15/262 - کتاب مشکل اسراف 57
2- نهج البلاغه (للصبحی صالح) 377 - غرر الحکم و درر الکلم 142 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 33/490 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 15/262

برای انجام کار نیک اقدام کنند:

امام معصوم (علیه السلام) فرموده است:

(وَيْسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ) (1)

«در کارهای نیک شتاب می کنند و آنان از شایستگان هستند.»

و یا:

(وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ) (2)

«اما برای این که شما را در آنچه اعطا کرده است بیازماید؛ پس به سوی اعمال خیر بشتابید.»

خداوند متعال در آیه دیگری می فرماید:

(نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ) (3)

«برای آنان به خیر می شتابیم؛ اما [اکنون] متوجه نیستند.»

درست است که نتیجه اعمال خیر به وضوح در این دنیا مشخص نیست؛ اما خداوند به صراحت می فرماید که برای افرادی که در کار خیر پیشی بگیرند، خیر را به سرعت مهیا می سازیم. پس اسراف در کار خیر معنایی ندارد:

(لَا سَرْفَ فِي الْخَيْرِ) (4)

«اسراف در کار خیر بی معناست.»

نقطه مقابل اسراف قناعت است. از کلام حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) چنین

ص: 146

1- سورة مبارکه آل عمران آیه شریفه 114

2- سورة مبارکه مانده آیه شریفه 48

3- سورة مبارکه مؤمنون آیه شریفه 56

4- عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة 1/291؛ 4/309 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/165 - الحیاة / ترجمه احمد آرام

برمی آید که ایشان شخص مُسْرِفِ را مؤمن نمی دانند و ایمان را در گرو قناعت معرفی می نمایند:

«قَانِعًا بِالَّذِي قُدِّرَ لَهُ.» (1)

«کسی که به آنچه برایش مقدر شده قانع باشد مؤمن است.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جای دیگری می فرماید:

«لَنْ تَلْقَى الْمُؤْمِنَ إِلَّا قَانِعًا.» (2)

«مؤمن همیشه قانع است.»

زیرا مؤمن فراگرفته است که هرچه در دنیا به او می رسد از جانب خداوند متعال مقدر گشته است. پس عطای خداوند متعال را به هر مقدار که باشد پذیرفته و شکر می کند. امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«هرچه از دنیا به دستت رسید شکر خدا بگو که حق تعالی در سوره مبارکه ابراهیم فرموده است که اگر شکر کنید، نعمت را زیاد می کنیم.»

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا» (3)

«اگر سپاس بدارید و ایمان آورید، خدا می خواهد با عذاب شما چه کند؟ و خدا همواره حق شناس داناست.»

دلیل این قناعت و شکرگزاری وجود عقل در مؤمن است. حضرت

ص: 147

1- کتاب سلیم بن قیس الهملائی 2/851 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/230؛ (ط - دارالحدیث) 3/581 - التمهیص 72 -

الأمالی (للصدوق) 574 - صفات الشيعة 25 - الوافی 4/155 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)

9/221 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 64/344؛ 64/367 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 11/183 - کیش پارسایان 192

2- عیون الحکم و المواعظ (للثی) 408 - غرر الحکم و درر الکلم 552 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 91 - شرح آقا جمال

خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم 5/62؛ 7/329

3- سوره مبارکه نساء آیه شریفه 147

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«لِلْمُؤْمِنِ عَقْلٌ وَفِي.» (1)

«مؤمن عقل وافی دارد.»

عقل کسی است که برای رسیدن به قرب به خداوند، لباس عزتی از تقوا و قناعت برای خود بدوزد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«الْقَنَاعَةُ عَلَامَةُ الْأَتْقِيَاءِ.» (2)

«قناعت نشانه اهل تقواست.»

دادرسی از خلیق

قناعت برای ثروت مندان نیز الزامی است؛ چراکه اضافی اموال شان برای خداست. عاقل کسی است که از اموالش به قدر ضرورت استفاده نماید و اضافی آن را در راه جلب خشنودی حق تعالی مصرف کند تا توشه ای برای سفر آخرتش باشد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ إِعْطَاءَ هَذَا الْمَالِ قِيَّةٌ وَإِنَّ إِمْسَاكَهُ فِتْنَةٌ.» (3)

«به راستی که بخشیدن مال در واقع ذخیره نمودن آن برای آخرت است و به درستی که نگه داشتن آن موجب فتنه و بلاست.»

قطعاً هر مالی که بدون دلیل خرج شود، در راهی غیر از رضای خدا صرف شده است و حکم اسراف را دارد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

ص: 148

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 405 - غرر الحکم و درر الکلم 547 - تصنیف غرر الحکم 91

2- غرر الحکم و درر الکلم 40/ح 678 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 391

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 149 - غرر الحکم و درر الکلم 220 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 376

«أَلَا وَإِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ.» (1)

«بدانید که صرف ثروت در غیر راه خود تلف و اسراف است.»

باید قبل از مصرف مال یا هر گونه دارایی مانند آبرو یا... محل مصرف را بر اساس سیره رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و خاندان مطهرش (علیهم السلام) سنجیده و در صورت رضایت آنان اقدام به مصرف نمود. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«آگاه باشید! صرف مال در غیر محل خود تبذیر و اسراف است. ممکن است این عمل انسان را در دنیا بلندمرتبه کند؛ اما مسلماً در آخرت پست و حقیر خواهد کرد. ممکن است در نظر توده مردم سبب اکرام گردد؛ اما در پیشگاه خدا موجب سقوط مقام شخص خواهد شد.»

(2)

با این قاعده، دنیا برای کسانی خوب است که بتوانند بذر نیکی ها را در آن بکارند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«دنیا برای دو دسته خوب است: کسی که هر روز عمل نیکش زیاد شود؛ کسی که روزهایی را که طبق هوای نفس خود گذرانده، با توبه تدارک کند.» (3)

چه سعادت بزرگی برای مؤمن است که دنیا را فقط برای احسان بخواند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«دنیا و روی آوردن به دنیا برای کسی که وقتی موقعیتی یافت خدا را در تمام ابعاد، مخصوصاً در بُعد انفاق و دادرسی از مؤمنین، اطاعت کند، چه

ص: 149

1- نهج البلاغه (صبحی صالح) 183 - شرح نهج البلاغه لابن ابي الحديد [عامه] 8/109 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 32/48؛

72/358 - منهاج البراعة في شرح نهج البلاغه (خوئی (رحمة الله)) 8/182 - الحياة ترجمه احمد آرام 3/461

2- آدرس قبل

3- تفسیر جامع 2/578 - تفسیر قمی 1/242

در حدیثی آمده است:

«کسی که با مردم با زیادی نعمتی که خدا به او بخشیده مواسات نکند، روی آوردن دنیا را از دست می دهد. پس ای جابر، از زوال نعمت حذر کن. از مال دنیای خود ببخش؛ چراکه صاحب عرش خیلی بخشنده است و احسان را چند برابر می کند.» (1)

طبق روایت، بهترین عبادت دادرسی از افراد صالح و مؤمن است. امام باقر (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«خوش حال کردن و یاری مؤمن بهترین عملی است که خدا با آن عبادت می شود.»

روایات زیادی در این خصوص در کتب شیعه نقل شده است. به همین منظور، پیرامون اهمیت و نحوه احسان به خلائق، در کتاب "اعانت" که کاملاً برگرفته از روایات خاندن وحی (علیهم السلام) می باشد، مطالب مهمی را درج نموده ایم. در اینجا نیز به ذکر چند روایت بسنده می کنیم.

امام صادق (علیه السلام) به سُدیر فرمودند:

«اموال هیچ کس زیاد نمی شود، مگر این که حجت الهی بر او عظیم می شود (تکلیف بر دوشش می آید). پس اگر می توانید که آن اموال را به خودتان برگردانید حتماً این کار را انجام دهید.»

سُدیر (رحمة الله) عرض کرد که یابن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، چگونه این کار را انجام دهیم؟ حضرت فرمودند:

«با اموال تان حاجت برادران تان را برآورده کنید.» (2)

ص: 150

1- تفسیر امام عسکری (علیه السلام) 402

2- چرا مرا آفریدند 197 - امالی طوسی 1/309 - بحار الانوار 68/48

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در اهمیت اهتمام به عمل نیک و رسیدن به حقیقت ایمان فرمودند:

«مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ مِنْ مَالِهِ وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا.» (1)

«کسی که با مال خود به یاری تهی دستان می رود و با تمام مردم بر اساس انصاف رفتار می کند، مؤمن حقیقی است.»

اینچنین انصاف و عدالت باید در مؤمن هویدا گردد. یعنی حتی در جزئی ترین مسائلی که در ابتدا به چشم نمی آید، مراعات شود؛ زیرا رسیدن به حقیقت تقوا در گرو رعایت اینگونه مسائل است. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«موقعی که برای خود و خانواده ات میوه ای خریداری می کنی، مقداری از آن را به همسایه ات اهدا کن. اگر هم نمی توانی هدیه بدهی، میوه را محرمانه به منزلت ببر. مراقب باش فرزندت میوه را به خارج از منزل نبرد تا کودک همسایه از دیدن آن ناراحت و آزرده خاطر نگردد.» (2)

سستی در این کارها که جزئی هم به نظر می رسند، باعث خسروانی عظیم در دنیا و آخرت خواهند شد. نمونه بارز چنین اعمالی مرحوم ابن بابویه (رحمة الله) پیرامون آیه شریفه (انّ الله لا یغیر ما بقوم) از امام سجاد (علیه السلام) نقل می کنند:

«از گناهانی که باعث زوال و تغییر نعمت های خداوند متعال می شود، یکی ظلم بر مردم است و دیگری ترك عادت های نیکو و خیرات.»

(3)

مؤمن زیرک همواره برای رضایت خدا تلاش می کند و پیوسته این آیه را با خود می خواند:

ص: 151

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/147؛ (ط - دارالحدیث) 3/379 - الوافی 4/474 - وسائل الشیعة 15/284 - مرآة العقول فی شرح

أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 8/352 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/40

2- بحار الأنوار 18/212

3- تفسیر جامع 3/468 - معانی الاخبار 270 ح 2

«از ثروتی که خداوند متعال به تو عنایت فرموده، به وسیله اعمال خیر ذخیره ای برای آخرت فراهم نما.»

علاوه بر این که در آخرت پاداش های بسیار شگفت انگیزی در انتظار چنین کسی است، در دنیا نیز به برکت دست گیری از دیگر مؤمنان، حوادث و مصائب از او دور می شود. اگر مصیبت یا حادثه ای نیز به او رسید، عوارض و تلخی های آن از وی زدوده می شود. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به کمیل (رحمة الله) فرمودند:

«هرکس دلی را شاد کند، حق تعالی از آن شادی لطفی برای او قرار می دهد که مثل دورکردن شتر غریبه از چراگاه، به هنگام مصیبت، آب زلالی بر او باریدن می گیرد و تلخی مصیبت را می زداید.» (2)

امام معصوم (علیه السلام) درباره چنین افرادی می فرمایند:

«مؤمن پیوسته باید در انتظار دو چیز خود باشد: روزی مقدری که خداوند متعال برای او خواسته است؛ پیش آمدها و تقدیرات نیکویی که پروردگار برای او مقدر نموده است. به این ترتیب دین آن شخص محفوظ می ماند و به فضل الهی اموال و خاندانش برای او مایه خیر و سعادت می شود. این چنین مردمی که ثروت دارند و در عین حال متوجه به خدا و ولایت معصومین (علیهم السلام) می شوند و فروتنی اختیار می کنند، خداوند با لطف خود، خیر دنیا و آخرت را برای شان فراهم می فرماید و سعادت دو جهان را نصیب آن ها خواهد کرد.»

(3)

طریقه مؤمن و بهره برداری او از امکانات دنیا مانند ازدواج، خوردن،

ص: 152

1- سوره مبارکه قصص آیه شریفه 77

2- نهج البلاغه حکمت 257

3- تفسیر جامع 4/254 - برهان 2/469؛ 2/470

نوشیدن و... بدون محبت و دل دادگی و صرفاً برای تقویت جسم و روح خود در مسیر بندگی پروردگار متعال است:

«روی کردن دنیا به مؤمن برای انجام اعمال صالح چه نیکوست.»

روایت است که روزی امام صادق (علیه السلام) در نکوهش دنیا سخن گفتند. یکی از اصحاب به آن بزرگوار عرض کرد که من دنیا را دوست دارم و می خواهم مال به دست بیاورم. حضرت (علیه السلام) فرمودند:

«تُحِبُّ أَنْ تُصْنَعَ بِهَا مَا ذَا؟»

«آن را برای چه می خواهی؟»

عرض نمود:

«با آن مال نیازهای خود و خانواده ام را برطرف کنم، دیگران را از آن بهره مند سازم، صدقه بدهم و حج و عمره بگذارم.»

حضرت (علیه السلام) در پاسخ فرمودند:

«لَيْسَ هَذَا طَلَبَ الدُّنْيَا هَذَا طَلَبُ الْآخِرَةِ.» (1)

«این دنیاطلبی نیست، این طلب آخرت است.»

مؤمن به وسیله زهد، حتی با وجود داشتن ثروت می تواند جزو صالحین و مقربین درگاه احدیت گردد. یعنی دارایی های دنیا برایش وسیله ای برای وصول به سعادت اخروی و قرب الهی باشد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«مال صالح برای مردی صالح خوب است.» (2)

همچنین فرمودند:

ص: 153

1- الکافی (ط - الإسلامية) 5/72؛ (ط - دارالحدیث) 9/526 - الوافی 17/40 - وسائل الشیعة 17/34 - مرآة العقول فی شرح أخبار

آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 19/15

2- میزان الحکمه 11/152 ترجمه فارسی

«أَفَلَحَ الرَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا حَتَّى بَعَزَ الْعَاجِلَةَ وَبَثَّوَابِ الْآخِرَةِ.» (1)

«انسان بی رغبت به دنیا رستگار است. چنین کسی هم از ارجمندی دنیا بهره مند می شود و هم از پاداش ابدی آخرت.»

این اشخاص با یقین به عذاب و ثواب آخرت، هدف از کسب دنیا را انجام اعمال خیر می انگارند. قرآن کریم در تذکر به چنین مؤمنانی می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید، از اموال پاکیزه ای که به دست آورده اید انفاق کنید.» (2)

سراسر دنیا رنج و خسران است، مگر برای کسانی که در این فرصت کوتاه برای کشت و کار همتی والا داشته باشند تا با جمع آوری ثمره این تلاش توشه ای برای جهان ابدی اختیار نمایند. باید تا مرگ فرانسیده است، از همین ساعت چاره ای اندیشید؛ زیرا هیچ تضمینی برای زنده ماندن تا فردا نیست. باید برای راهی بسیار پرخطر توشه ای مناسب مهیا کرد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هدف از زیستن را تلاش برای رسیدن به رضایت حق تعالی بیان می فرمایند:

«هم اکنون در دنیایی زندگی می کنید که می توانید رضایت خدا را به دست آورید. با مهلت و آسایش خاطری که دارید اکنون نامه عمل تان باز و سرگشاده است و قلم ملائکه نویسنده در حرکت است... و توبه و اعمال نیکو را می پذیرند.» (3)

مؤمن عاقل با این راهنمایی و هشدار، باید حرکت نوینی را برای انجام عمل صحیح در دنیا انتخاب کند و در فرمایش های ائمه معصومین (علیهم السلام) تأمل

ص: 154

1- میزان الحکمه 5/51 - شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید (عامه - معتزلی) 6/231

2- سوره مبارکه بقره آیه شریفه 267 * دربارہ نحوه احسان و انفاق و مصادیق آن مفصلاً طبق فرمایشات امامان معصوم (علیهم السلام) در همه زمینه های زندگانی و روش زیستن و آئین جوانمردی در کتاب اعانت مطرح گردیده است.

3- نهج البلاغه خطبه 94

بسیاری داشته باشد و تمام تلاشش دوری از تعلقات دنیا و سعی در انجام عمل نیک باشد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«الرُّكُونُ إِلَى الدُّنْيَا مَعَ مَا تُعَايِنُ» (1)

«اعتماد به دنیا، با آنچه از وی می بینی، نهایت نادانی است.»

پس دنیاطلبان همان انسان های بی خردی هستند که در چنگال زهر آلود دنیا گرفتار شده اند و مؤمنان حقیقی که همان صاحبان عقل می باشند سعادت مندانی هستند که از دام مرگبار آن گریخته اند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«لَوْ عَقَلَ أَهْلُ الدُّنْيَا لَخَرِبَتِ الدُّنْيَا» (2)

«اگر همه مردم دنیا عاقل بودند دنیا ویران می شد.»

دنیا برای جمع آوری و حرص و دل بستن به تجملات نیست؛ بلکه برای دوری از تعلقات و نزدیک شدن به اعمال صالح است. خلقت انسان برای جمع آوری مطامع دنیوی نیست؛ بلکه برای امتحان است تا بهشت نصیب عاقلان گردد:

«دنیا را آفرید تا اهل آن را آزمایش نماید تا معلوم گردد کدام يك از مردم برای آخرت عمل نیکو به جای می آورند. ای بندگان خدا، دل به دنیا و زینت های آن نبندید. دنیا جایگاه عمل است. پیش از آن که عمرتان به پایان برسد به واسطه عمل خیر در دنیا توشه بردارید.» (3)

یکی از علمای برجسته می فرمود: «اگر از عمر آدمی ساعات خواب و

ص: 155

-
- 1- نهج البلاغة (للصبيحي صالح) 544 - شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد [معتزلی - عامه] 19/325 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 68/190؛ 70/132 - منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئی) 21/473
 - 2- غرر الحکم و درر الکلم 566 - تصنيف غرر الحکم 143
 - 3- تفسير جامع 3/243 - کافی 8/75 ح 29

خوراک و... کسر گردد، در بهترین حالت می توان ده سال عمر مفید برای عمل وی در نظر گرفت. در حالی که فرد با عمل در طی همین ده سال مفید، زندگی ابدی خویش را رقم می زند و محققاً این فرصت کوتاه عمر، بهای زندگی تا ابد در آخرت است.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«فقط باقی مانده عمر مؤمن از کیمیا ارزشمندتر است.» (1)

در خاتمه این کتاب، دل ها و افکار را باری دیگر به سوی بهترین اهرم بازدارنده از دنیا و محرك انجام کارهای صالح که همان یادآوری از مرگ و عواقب بعد از آن است سوق می دهیم. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«الْقَلْبُ مُصْحَفُ الْفِكْرِ.» (2)

«قلب کتاب اندیشه است.»

در اتمام این کتاب با اندیشه ای بسیار دقیق، آخرین راهنمایی ها را مرور خواهیم نمود. روزی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به قبرستان تشریف بردند و خطاب به مردگان فرمودند:

«ای ساکنان خانه های وحشت و محله های خالی و گورهای تاریک، ای خفتگان در خاک، ای غریبان، ای تنها شدگان، ای وحشت زدگان، شما پیش از ما رفتید و ما هم در پی شما روانیم و به شما خواهیم رسید؛ و اما خانه های تان! دیگران در آن ساکن گشتند؛ و اما زنان تان! با دیگران ازدواج کردند؛ و اما اموالتان! در میان دیگران تقسیم شد. این خبری

ص: 156

1- غررالحکم 8206

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 44 - غرر الحکم و درر الکلم 58/1129 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 66

است که ما برای شما داشتیم. حال شما برای ما چه خبری دارید؟»

سپس به اصحاب خود روی کردند و فرمودند:

«بدانید که اگر اجازه سخن گفتن داشتند، به شما می گفتند که بهترین توشه برای این سفر تقواست.» (1)

شایسته است که مؤمن تأملی در این خطابه داشته باشد و خویش را مرده ای که دستش از دنیا بریده شده بپندارد و روی سخن حضرت را در خود بنگرد و بشنود و با این جملات پندآموز، خدا را شکر کند که هنوز در خانه وحشت قبر قرار نگرفته است و می تواند با دوری از معاصی و انجام اعمال خیر به مقام تقوا برسد. به فرموده حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام):

«دنیا سرای گذر است، نه جای ماندن. مردم در آن دو دسته اند: کسانی که در دنیا خویش را فروختند و به تباهی انداختند؛ کسانی که خود را خریدند و آزاد ساختند.» (2)

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند:

«ای مردم، بدانید که خداوند متعال زینت های دنیا را برای دوستان خود نپسندیده است و آن ها را به این زینت ها تشویق نفرموده است. ظاهر دنیا سرور و بهجت است و باطن آن غم و اندوه. خدا دنیا را آفرید تا اهل آن را در آن آزمایش نماید تا معلوم گردد کدام يك از مردم عملی نیکو برای آخرت خود به جا می آورند.... ای بندگان خدا، دل به دنیا و زینت های آن نبندید.» (3)

بنابراین اگر به دیده عقل و ایمان بنگریم، درمی یابیم که رأس همه اعمال نیک یاری کردن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد. می توان با یاد آن حضرت دل را مملو از

ص: 157

1- سورة مبارکه بقره آیه شریفه 197 - نهج البلاغه حکمت 130

2- نهج البلاغه حکمت 26

3- تفسیر جامع 3/243 - کافی 8/75 ح 29

عطر مهدویت و نور نمود و به واسطه ارتباط قلبی با حضرتش، تاریکی و ظلمت وجود را محو کرد و از تشعشعات انوار قدسی او، دل های ظلمت گرفته جامعه را نورانی گردانید. این امر رفیع ترین مرتبه عبودیت و افضل همه اعمال است.

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

ص: 158

1. نمونه معارف اسلامی - حجه الاسلام فصیحی - انتشارات خاطره.
2. اسرار موفقیت - مجتهدی سیستانی مرتضی انتشارات نشر الماس چاپ ششم 1385 ش
3. کیش پارسیان - تهرانی مجتبی انتشارات پژوهشگاه فرهنگ اسلامی چاپ سوم 1378 تهران
4. وظایف شیعه بودن
5. نسیم هدایت - حسینی شیرازی سید صادق انتشارات برگ رضوان چاپ اول 1383 تهران
6. یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث - مکارم شیرازی ناصر انتشارات دارالکتب اسلامیة چاپ چهارم 1386 تهران
7. نقطه های آغاز در اخلاق عملی - مهدی کنی محمد رضا - انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ هفتم 1384 تهران
8. معراج السعاده - ملا احمد نراقی
9. تفسیر جامع - حاج سید ابراهیم بروجردی - انتشارات انصار المهدی چاپ اول 1388
10. چرا مرا آفریدند - حسن میلانی - انتشارات حضرت علی چاپ اول 1384 قم
11. روزه درمان بیماری های روح و جسم - موسوی راد سید حسن - انتشارات جامعه مدرسین 1364 قم
12. روایات تربیتی از مکتب اهل بیت علیهم السلام - فرید مرتضی - انتشارات نشر فرهنگ اسلامی چاپ 1377 تهران
13. القطره - سید احمد مستنبط - ترجمه محمد ظریف - نشر الماس نهم
14. نمونه معارف اسلامی - حجه الاسلام فصیحی - انتشارات خاطره
15. جلوه قرآن و عترت در تفسیر صافی - محدث خراسانی میرزا احمد - انتشارات مجمع ذخائر

16. زناشویی از نظر قرآن - مصطفوی حسن - انتشارات گلی چاپ هفتم 1369 تهران
17. معرفت امام عصر عج - سید دکتر محمد بنی هاشمی - چاپ شفق چاپ پنجم
18. خصائص الحسینیه - آیه الله شیخ جعفر شوشتری
19. زندگانی امام حسن علیه السلام - عماد زاده حسین - انتشارات نشر محمد چاپ 1378 تهران
20. صلح امام حسن ع - مقیمی محمد انتشارات معراج چاپ 1379 تهران
21. در فجر ساحل - حکیمی محمد - انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی چاپ 1361
22. نهج الفصاحه - ابوالقاسم پاینده
23. راز رستگاری - کمیلی مجتبی - انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی چاپ اول 1383 قم
24. نصایح الکافیہ - محمد بن عقیل علوی 1371 بنیاد بعثت تهران
25. حقوق از دیدگاه امام سجاد ع - مشایخی قدرت الله انتشارات انصاریان چاپ سوم 1385 قم
26. رساله حقوق امام سجاد علیه السلام - رساله حقوق امام سجاد علیه السلام
27. گنجینه وعاظ - توکلی زاده غلام رضا - انتشارات رستگار چاپ اول 1387 مشهد مقدس
28. مفردات ألفاظ القرآن الکریم - راغب الأصفهانی
29. مشکل اسراف - ایرانی حسین - انتشارات مؤسسه در راه حق چاپ اول 1359 قم
30. کافی - کلینی محمد بن یعقوب - انتشارات اسوه چاپ 11 سال 1389
31. بحار الانوار - علامه مجلسی محمد باقر - مؤسسه الوفاء بیروت لبنان س 1404 ق
32. غرر الحکم - آمدی عبد الواحد - ترجمه محمد علی انصاری - انتشارات امام عصر عج چاپ هشتم 1390
33. مستدرک الوسائل - نوری میرزا حسین - مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث قم چاپ اول
34. مجموعه ورام - ورام بن ابی قزاس - انتشارات مکتبه فقیه قم
35. مصباح الشریعه - مؤسسه اعلى للمطبوعات چاپ اول

36. عوالی اللالی - ابن ابی جمهور - مطبعه سید الشهداء ع قم 1403 هـ.

37. علل الشرايع - محمد بن علی بن حسین بن بابویه - انتشارات مکتبه الوری قم

38. جامع السادات - جلد اول منشورات جامعه النجف المدینه - بیروت

39. فروع کافی - کلینی

40. وسائل الشیعه - حر عاملی محمد بن حسن - موسسه آل البيت لاحیاء التراث قم چاپ اول

41. البرهان - الزرکشی وفات: 794 - جماعت عامه سال چاپ: 1376 - 1957 م ناشر: دار إحياء الكتب العربية، عیسی البابی الحلبي
وشركاءه

42. برهان - سید هاشم بحرانی دار المجتبی قم 1428 هـ.

43. لئالی الاخبار - شیخ محمدنبی بن احمد تویسرکانی 1320

44. المحجة البيضاء فی تهذیب الإحياء - فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی - ناشر: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه
المدرسين بقم محل نشر: قم سال نشر: 1376

45. راه زندگی و حیاه جاودان - سید موسوی سید محمد - انتشارات عروج اندیشه - چاپ اول

ص: 161

46. ارشاد - شیخ مفید محمد بن نعمان
47. ارشاد القلوب - دیلمی، حسن بن محمد
48. التمهیص - سید بن طاووس رضی الدین
49. امالی صدوق - محمد بن علی بن حسین بن بابویه - انتشارات کتابخانه اسلامیة
50. امالی طوسی - شیخ طوسی م 460 هـ.ق انتشارات دار الثقیف قم 1414 هـ.ق
51. تحف العقول - حرانی حسن بن شعبه - موسسه انتشارات اسلامی چاپ دوم
52. مستدرک الوسائل - نوری میرزا حسین - موسسه آل البيت لاحیاء التراث قم چاپ اول
53. سفینه البحار - قمی عباسی - موسسه آستان قدس چاپ دوم سال 1384
54. زناشویی از نظر قرآن - مصطفوی حسن - انتشارات گلی چاپ هفتم 1369 تهران
55. مصباح الشریعه - موسسه اعلی للمطبوعات چاپ اول
56. عده الداعی - حلی بن فهد - انتشارات دار الکتب اسلامی چاپ اول
57. ترجمه کتاب المؤمن - حسینی نجومی مرتضی انتشارات بوستان کتاب قم چاپ 1382
58. معانی الاخبار - شیخ صدوق - تولد 311 هـ. ق، وفات سال 381 هـ. ق - سال انتشار (تهران، صدوق، 1379ق) و (قم، دارالعلم، 1379ق)
59. تفسیر عیاشی - ابوالنصر محمد بن مسعود بن عیاش السلمی السمرقندی مکتب علمیه اسلامی تهران
60. المحاسن برقی - ابو جعفر بن خالد برقی - مجمع عامی اهل البيت ع 1413 هـ.
61. مجمع البیان - فضل بن حسن طبرسی - انتشارات ناصر خسرو تهران 1406 هـ.
62. الخصال - صدوق - انتشارات فکر آوران 1384 هـ.
63. تهذیب الأحکام - ابو جعفر محمد طوسی، شیخ طوسی
64. تفسیر قمی - علی بن ابراهیم قمی - علامه

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

